

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۷۲، سه شنبه اول تیر ۱۳۹۵ - ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * آخرین دیدار با فرمانده حمید - مهدی سامع...ص ۲
- * به یاد فدایی کبیر حمید اشرف - م. وحیدی...ص ۳
- * برآمد "رای سلبی": ادامه وضعیت موجود و کمی بدتر از آن - منصور امان...ص ۵
- * تداوم فساد حکومتی در پناه اقتصاد مقاومتی - زینت میرهاشمی...ص ۸
- * یورش نو - لیبرالیسم و پایان پوپولیسم چپ در آمریکای لاتین (بخش ۲، ونزوئلا) - لیلا جدیدی...ص ۱۰
- * ستیز با ولایت در تار و پود جامعه - مهدی سامع...ص ۱۳
- * دو دیدگاه چپ پیرامون یک سووال؛ خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا آری یا نه؟ - برگردان: بابک...ص ۱۵
- * بخشی از بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران پیرامون هجوم مزدوران رژیم به نیروهای پیشمرگه...ص ۱۹
- * جوانانی که از زندان آزاد می شوند - شعله پاکروان...ص ۲۰
- * زنان در مسیر رهایی - اسد طاهری...ص ۲۱
- * چالشهای معلمان در خرداد ماه - فرنگیس بایقره...ص ۲۵
- * دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد...ص ۲۹
- * کارورزان سلامت - امید برهانی...ص ۳۲
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد ۱۳۹۵ - زینت میرهاشمی...ص ۳۶
- * جان جعفر عظیم زاده در خطر است...ص ۴۷
- * رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۴۸
- * در سوگ "سیاوش" - امید برهانی...ص ۵۳
- * «تله فقر» و دروغهای ربیعی پیرامون چهره دردناک فقر - زینت میرهاشمی...ص ۵۷
- * شهدای فدایی در تیر ماه...ص ۵۸
- * انتشارات تصویری سازمان...ص ۵۹

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

آخرین دیدار با فرمانده حمید*

مهدی سامع

نیمه شب تیرماه سال ۱۳۵۵ در سلول کمیته مشترک در حالت خواب و بیدار بودم. نگهبان در سلول را باز کرد و گفت روپوش را بینداز رو سرت و بیا بیرون. حدس می زدم ساعت حدود چهار و نیم صبح بود.

نگهبانها ساعت چهار تعویض می شدند و من چون تجربه زندان داشتم قبل از تعویض پست نگهبانی خودم را داوطلب می کردم که راهرو سالنی را که سلولها در آن قرار داشت، تمیز کنم و ت بکشم. این کار خُسنه‌های زیادی داشت که از توصیف آن می گذرم.

از عوض شدن نگهبان و اینکه هنوز به خواب عمیق فرو نرفته بودم، حدس می زدم ساعت حدود چهار و نیم صبح بود. در حالی که روپوش زندان روی سرم بود به دنبال نگهبان راه افتادم. لباس زندان در کمیته مشترک یک شلوار و روپوش و دم پایی بود. برایم عجیب بود که چرا صبح به این زودی مرا به بازجویی می برند.

زیر هشت، قسمت بیرونی که اتاق افسر نگهبان بود، یک لیوان چای و یک قطعه نان و پنیر به من دادند. ترس همراه با دلشوره نم نمک در درونم رخنه می کرد. مرا سوار ماشین زندان کردند. یک نفر دیگر هم در صندلی مقابل من نشسته بود. روی سر هر دو ما روپوش هایمان بود. من از پاهای کوچک و ظریف نفر رو به رویم حدس زدم که یک زن است.

ماشین مسافتی را به سرعت طی کرد و به منطقه ای رسید که صدای تیراندازی به صورت رگبار می آمد. این شکل از تیراندازی خیلی طول کشید. برای یک لحظه فکر کردم که به میدان تیر رسیده ایم و زندانیان سیاسی را دارند گروه گروه اعدام می کنند.

سرعت ماشین به تدریج کم می شد تا این که ماشین متوقف شد. تیراندازی حالت تک تیر پیدا کرد. فاصله تک تیرها به تدریج بیشتر و بیشتر می شد تا اینکه دیگر صدای تیری به گوش نرسید. ماشین اندکی حرکت کرد و وقتی توقف کرد در عقب ماشین را باز کردند و هر کدام از ما را با یک نگهبان به بیرون ماشین هدایت کردند.

فقط پاهای پوتین پوشیده افراد را می دیدم. از کنار یک زمین بدون ساختمان رد شدیم و داخل یک خانه چند طبقه شدیم. در پاگرد ورود به پله ها جسد یک گروهبان یا استوار افتاده بود. ما را از پله ها بالا بردند. دو یا سه طبقه پله ها را بالا رفتیم که به روی پشت بام رسیدیم. تعداد زیادی افسر و بازجو آنجا بودند. یک نفر روپوشی را که روی سرم بود کمی بالا زد.



حمید اشرف

یکی از بازجویان پرونده چریکهای فدایی خلق بود. من و آن رفیق دیگر را بالای سر یک جسد بردند. همان لحظه اول شناختم. پیکر فرمانده در حالی که روی پیشانی اش یک حفره ایجاد شده بود، با چشمان باز به آسمان نگاه می کرد. او حمید اشرف بود که با این نگاه مرگ را حتی در بی جانی به سخره گرفته بود.

بازجو از من و رفیق دیگر پرسید "خودشه؟" و ما هر دو گفتیم بله. نه بازجو نیاز به آوردن اسم داشت و نه ما قدرت درنگ در پاسخ. آنها به این تایید نیاز داشتند تا شاهکارشان را به رُخ مردم بکشند و نمی

دانستند که بازیچه های چرخ گردون چه سرنوشتی را برای آنها رقم خواهد زد.

تمام این صحنه بیشتر از نیم دقیقه طول نکشید. پس از تایید ما، بازجو از بالای پشت بام با صدای بلند گفت: "هر دو تایید کردند، خودشه."

ما را از پشت بام به پایین آوردند. در محوطه ای که در جلو خانه وجود داشت اجساد تعداد دیگری از رفقا بود. همه پیکرها برخلاف پیکر حمید غرق خون بود. کسی که ما را همراهی می کرد گفت هر کدام را شناختید بگویید. اما نه او اصراری داشت و نه ما در حال و هوایی بودیم که حرفی بزنیم. آنها به آنچه دنبالش بودند دست پیدا کرده بودند. من یوسف قانع خشک بیجاری را شناختم، ولی چیزی نگفتم.

ما را به ماشین برگرداندند. یک نفر با لباس مرتب به ما گفت که روپوش هایمان را از روی سرمان برداریم و چند سیگار به من و رفیق دیگر داد. در این حالت نگهبانی در کنار ما نبود. من خود را به همراه معرفی کردم و او هم گفت: "من زهرا آقا نبی قلهکی هستم."

من از زنده یاد زهرا که مدتی بعد اعدام شد، پرسیدم داستان چیست؟ علت این ضربات چیست؟ و او هم متحیر تر از من چیزی نمی دانست.

در راه بازگشت، نگهبانی در کنار ما نبود و ما با افسوس و اندوه حرف هایی زدیم که به خاطرمانده است. بعدها شنیدیم که روزنامه های ۸ تیر سال ۱۳۵۵ چندین بار تجدید چاپ شده است. من خودم بعد از انقلاب چاپ پنجم روزنامه کیهان آن روز را دیدم و البته کسانی هم بودند که می گفتند تا چاپ نهم روزنامه های آن روز را دیده اند. هنگامی که ما را به زندان کمپته برگرداندند، با تجمع ماموران ساواک رو به رو شدیم که جشن و شادی برپا کرده بودند و قصد کتک زدن ما را داشتند، ولی با وساطت مامور همراه از دست شان نجات یافتیم.

*بخشی از مقاله سه رویداد تاریخی مندرج در سایت بی بی سی
جمعه ۰۴ فوریه ۲۰۱۱ - ۱۵ بهمن ۱۳۸۹

بیاد فدایی کبیر حمید اشرف

م. وحیدی

برای حمید اشرف* و یاران قهرمانش



«محاصره را
محاصره کن!»*
در کوچه درگیری
زمان به انتها می رسد
و لحظه های تنگ
در کشاکش زیستن
- چون آهوان تشنه بیدار-
از حاشیه نازکای تن
می گریزند

عروسکان افسون
با نگاه حیرت و حقارت خویش

میان حباب خالی دشنامها
 یاس و نفرت می پراکنند
 و موریانه ها
 این شبزیان زخمی کور
 آسمان واژگون بی ستاره را
 نقب می زنند
 تا تو
 از مردمکان بیقرار آفتاب و افق
 طلوع کنی و
 حریر خونت
 شقایق زار کوهها و دشتها
 شود
 چه آوازیست!
 آن هنگام
 که بر لب می آیی و
 میلاد زیبایی و زندگی را
 با رنگی از عدالت و عشق
 رقم می زنی
 با من
 از زمزمه چشمه ساران بگو!
 ای صبورانه
 در نومیدی و ملال!
 پیکارگر بی شکست!
 تو
 همچنان
 از چشم اندازها و آرزوها
 عبور می کنی و
 زمان
 در انتظار باز آمدنت
 شرمساری اش را
 نظاره می کند

*حمیداشرف که در این زمان هم رهبری سازمان و هم فرماندهی عملیات را برعهده داشت، فرد بسیار شجاع و ورزیده ای بود که در برخی عملیات ترور شخصاً شرکت کرده و چندین بار توانسته بود از صحنه درگیری و محاصره فرار کند. ما در گزارشها، برای شاه به نام «حمیداشرف» به عنوان رهبر سازمان اشاره می کردیم و در نتیجه هر وقت عواملی از این سازمان دستگیر و یا در درگیریها کشته می شدند، شاه می پرسید: «با حمید اشرف چه کرده اید؟» (پرویز ثابتی، در دامگه حادثه)

**محمود درویش (نقل به مضمون)

برآمد "رای سلبی": ادامه وضعیت موجود و کمی بدتر از آن

منصور امان

در ریخت و قواره آقایان جنتی و لاریجانی، نتایج ضد مردمی انتخابات دو مجلس خبرگان و شورای اسلامی بدون هیچ تفسیری در برابر چشم داوری جامعه تجسم یافته است. برآمد این نمایش حکومتی در درجه نخست یکبار دیگر دُرستی ارزیابیهای را به اثبات رساند که امکان اصلاح و تغییر در چارچوب نظم حاکم و از طریق مکانیزمهای توزیع قدرت آن را خیالپردازی و غیر ممکن می دانستند. ارزیابیهای مزبور بر این اساس بر برکنار ماندن جامعه از بازی خانگی حکومت و مشارکت نکردن در تلاشی که برای رسمیت دادن به بی حقوقی واقعی آن صورت می گیرد را پای می فشردند. مدافعان تحریم نسبت به تبدیل رای دهندگان به دستاویزی نزد این یا آن باند حکومتی برای پیشبرد جدال خصوصی خود و در حالی که هیچ نصیبی از جانبداری در این کشمکش در انتظار جامعه نیست، هشدار می دادند.

این در حالی بود که بازیگران نمایش و پشتیبانان داخلی و خارج کشوری آنها، با صرف هزینه سنگین سیاسی، تمام امکانات خود را برای گمراه کردن جامعه و ذبح شرعی امیدها و انتظارات آن در پای صندوق شعبده "نظام" بسیج کردند. اگرچه اعلام برآمد انتخابات به تمام یاهو های بافته شده در طول پروسه روی صحنه رفتن نمایش پاسخ گفته است، اما این نمی تواند به معنای خاتمه رسوایی و رفتن به سوی دستور کار بعدی باشد.

حقیقت آن است که طرح فریبکارانه اصلاح رژیم ولایت فقیه و جعل ظرفیتهایی برای آن بدین منظور، چنان ضربه سنگینی خورده است که می توان آن را حتی سهمگین تر و کاری تر از ضربه ای دانست که "دوم خرداد" و "تدارکچی" های "نظام" به آن وارد آوردند. تضاد میان تبلیغات گسترده جناح میانه حکومت و زایده های "اصلاح طلب" آن با آنچه که انتخابات حکومتی بی هیچ آرایشی به جا گذاشته، آنگونه گزاف و زنده است که پروژه "اعتدال - اصلاح" در شکل و با سخنگویان فعلی اش را به یک طرح سوخته با دافعه اجتماعی وسیع بدل کرده است.

قمار با دست خالی و مسابقه در بی مایگی

جناح میانه حکومت و زایده های اصلاح طلب آن با دست خالی وارد یک قمار بُزرگ شدند و در همین حجم و اندازه هم یک باخت بُزرگ را برای خود رقم زدند. آنها که پس از یک دوره خانه نشینی حال مجوز بازگشت به زیر "خیمه نظام" و کسب سهم از قدرت را یافته بودند، همه نیروی خود را بدون اعتنا به ضرر و زیان، در این جهت و استفاده حداکثر از شانس "جام زهر" هسته ای متمرکز کرده بودند. در این راستا بدیهی بود که برای هر استدلالی هر چند بی مایه و بلاهت بار و با تاریخ مصرف کوتاه که می توانست بر تعداد سیاهی لشکرهای همراهی کننده آنها در این مسابقه بخت آزمایی بیافزاید، مکانی شایسته و - لابد - حق اُلزحمه ای درخور رزرو شده بود.

از این نظر، میزان تنگدستی فکری و شدت فقر استدلالی مُبلغان شرکت در انتخابات کم و بیش با یکدیگر برابری می کرد؛ امری که پرداختن به همه آگهیهای بساط انتخابات را غیرضروری کرده و اشاره به فقط یک نمونه از بازاری ترین آنها را گویای حال و روز بقیه می گرداند.

یک لابی خارج کشوری "میانه روها" به نام آقای اکبر گنجی، در حالی که به گونه سخاوتمندانه ای از سوی رسانه های فارسی زبان دولتهای اروپایی و آمریکا پشتیبانی می شد، برای قانع کردن سوژه های تبلیغات به شرکت در انتخابات مجلس خبرگان توضیح می داد که طبق "مباحث فلسفه علم"، "رای نیابردن مثلث جیم (جنتی، یزدی، مصباح) به طور قاطع شکست علی خامنه ای و اصولگرایان است."

همین فرد پس از پایین آمدن پرده نمایش فرعی انتخابات خبرگان و ظاهر شدن نتایج روی صحنه اصلی، به مخاطبان شگفت زده اش دهن کجی کرد: "روشن بود و هست که مجلس سلطانی خبرگان مطابق میل سلطان عمل خواهد کرد."

آیت الله خامنه ای نه تنها فرد مورد نظر خود را رییس مجلس خبرگان کرد، بلکه به دنبال جا انداختن فرد مورد نظر خودش به عنوان جانشین بوده و هست."

با این حال باید همینجا افزود که فکاهه "رای سلبی"، محصول دست و پا زدن فکری بلندگوهای خارجه نشین آن نیست، بلکه نقشه راهی است که باندهای رقیب جناح آقای خامنه ای به منظور خریدن مشروعیت برای انتخابات مهندسی شده و به بازی گرفتن بدنه خود و بخشهایی از جامعه ترسیم کردند. باندهای مزبور که آلترناتیو نهایی شان در برابر شرایط موجود در هر دوره و تحت هر شرایطی، مشارکت خویش در قدرت و سهم بردن از آن است، به استدلال مزبور برای توجیه اجبار منافع متوسل شدند؛ اجباری که جناح میانه حکومت را به مهره باند ولی فقیه در مجلس خبرگان و "اصلاح طلبان" را به بازیچه هر دوی آنها در مجلس شورای اسلامی تبدیل کرد.

وقتی "اصلاح طلبان" خود را مهندسی کردند

همان سرنوشت تحقیرآمیزی که از آقای رفسنجانی و دوستان در مجلس خبرگان پذیرایی کرد، میزبان دوستان "اصلاح طلب" آنها در مجلس شورای اسلامی نیز شد. آنها که برای جلب رضایت باند حاکم نفرات اصلی خویش را کنار گذاشته بودند، لیست انتخاباتی خود را نیز در همین راستا با کسانی پُر کردند که خود جا افتاده ترین آنها را تا مدت کوتاهی پیش از این "شبه اصلاح طلب" می خواندند. از این مجمل می توان خواند که دیگر نامزدهای آنان از چه قماشیه بوده اند: اعضای باندهای میانه و راست سنتی، فرصت طلبان، ابن الوقتها و شیادان سیاسی. این ترکیب به گویاترین بیان، درونمایه و کاراکتر اصلاحات زیر "خیمه نظام" را محک می زند.

پیش از آن، "اصلاح طلبان" حکومتی حساب خود را با خیزشهای ۸۸ و ۸۹ تسویه کرده و گام به گام از مطالباتی که فشار خیابان به آنها تحمیل کرده بود، عقب نشسته بودند. آنها نه تنها خواست حداقلی آزادی آقایان موسوی و کروبی و خانم رهنورد را کنار نهاده و تصمیم گیری در باره آن را به "رهبری" واگذار ساخته بودند، بلکه هر مطالبه اصلاحی دیگری هم که در برابرشان نهاده می شد را با توجیه "بالا نبردن توقعات" دست بسر می کردند. آنها به این ترتیب پیش شرطهای برنامه ای "بصیرت" خواهان را برآورده کرده و با "لیست امید" به گونه تشکیلاتی و سازمانی بدان لبیک گفتند. باند "اصلاح طلب" حکومتی از سنگر همین آرایش مُفتضح، بدنه اجتماعی خود را به شرکت در نمایش انتخابات دعوت می کرد و به آنها هر وعده ای که مایل به شنیدنش بودند می داد. حُجت الاسلام محمد خاتمی معرکه را این گونه گرم می کرد: "تجربه نشان داده است که هرچه شرکت مردم در انتخابات بیشتر باشد و هر چه سلاقی مختلف با شوق و شور بیشتری در انتخابات شرکت کنند، نتیجه انتخابات به خواست مردم، مصلحت کشور و آرمانهای مردم نزدیک تر خواهد بود."

آقای خاتمی با بازار گرمی برای نمایشی که آقای خامنه ای برگزار می کرد، همان سُخنانی را روی دایره می ریخت که وی می خواست و به زبان می آورد؛ با این تفاوت که فراخوان رهبر باند ولی فقیه مضمون اصلاح طلبانه تری نسبت به دعوت آقای خاتمی داشت. چرا که او حتی "کسانی که نظام را قبول ندارند" را نیز به شرکت در نمایش دعوت می کرد؛ نکته ای که در کارت دعوت حُجت الاسلام خاتمی به دلیل هراس درمان ناپذیر او از مُتهم شدن به پُشتیبانی از مخالفان به چشم نمی خورد.

محصولات نقد "رای سلبی"

مراسم تشریفاتی رای گیری برای انتخاب رییس از پیش تعیین شده مجلس مَلاها، بر آرایش توافقی آن صحنه گذاشت. دو باند اصلی قدرت، باند ولی فقیه و جناح میانه، اکثریت قاطع کُرسیها را بین خود تقسیم کردند و همزمان، "اصلاح طلبان" مدیریت شده نیز کناره ای برای شرکت در بازی یافتند. این آرایشی است که حاکمان کشور سازگار با دوران پساتحریم، مرکب قانونگذاری خود را بر اساس آن زین کرده اند.

ساز مخالف زدن آقای عارف و نامزد کردن خود برای ریاست مجلس، نقضی بر کاراکتر توافقی مجلس نیست. بی تردید برخلاف آنکه رسانه های باند رقیب می گویند، او به دلیل توهم به "پیروزی در انتخابات" و باور کردن دروغی که خود منتشر می کرد، به رقابت بی ثمر با آقای لاریجانی نشتافت. "اصلاح طلب" خانگی از اول شدن خود در خیمه شب بازی انتخاباتی در تهران برداشت اشتباهی کرده بود و می پنداشت تفاهمی که موجب این صدرنشینی گردیده، وی را بر صندلی ریاست مجلس نیز خواهد نشاند. در واقع، بنیاد مهندسی - توافقی رقابتها او را به وسوسه های بزرگ تری که از قامت سیاسی اش فراتر می رفت، رهنمون شده بود. این در حالی بود که پدرخوانده های آقای عارف، گاه به اشاره و گاه بی پرده او را از نخود این آش شدن پرهیز می دادند. او با قهر کوتاه مدت از مجلس پس از فرو ریختن کاخ آرزوهایش نشان داد که تا چه حد از برگشت چک اش در روز پرداخت نقدی، شگفت زده و سرخورده شده است.

به این ترتیب با تکیه زدن آقای لاریجانی بر صندلی ریاست مجلس مَلاها، آخرین فاز مهندسی انتخابات نیز به ثمر نشست و فرآیندی که از اصلاح "اصلاح طلبان" آغاز، با دست چین نامزدها ادامه یافته و سپس شمارش مطلوب آرا را پشت سر گذاشته بود، به پایان رسید.

حاصل "رای سلبی" آنگونه که معرکه گردان و شاگرد معرکه مدعی بودند، نه یک تحوّل شگرف و گشایش درهای تازه به روی تغییرات لمس پذیر، بلکه ادامه وضعیت پیشین و حتی بدتر از آن، سفت شدن پای باند ولی فقیه در مجلس خبرگان برای انتخاب "رهبر" بعدی است. "رای سلبی" در انتخابات قوه مقننه، به تشکیل مجلسی گوش به فرمان تر و راهیابی نمایندگان خریدنی تر انجامیده است. برآمد دیگر آن، ادغام باند "اصلاح طلب" در پروژه تدبیر و امید" است؛ تحولی که مدعیان "رای سلبی" دقیقاً عکس آن، یعنی تقویت باند "اصلاح طلب" در توازن قدرت را نوید می دادند.

برآمد

موفقیت باندهای حکومتی در مهندسی مشترک انتخابات، ارمغانی جز تشدید بحران مشروعیت "نظام" در پهنه اجتماعی ندارد. هزینه سر پا کردن مجلس خبرگان ولایتی و مجلس توافقی شورای اسلامی از جیب ثبات رژیم پرداخت شده است. به همین گونه، همدستی جناحهای رنگارنگ قدرت در فریب جامعه و تلاش متحدانه برای گرفتن سواری رایگان از آن، چاهی است که اینان در قعر، آن را هر چه بیشتر گود کرده اند، چرا که به روشن ترین صورت به مردم نشان دادند و فهماندند که قُطب بندی اصلی و موجود در کشور نه کشمکش بین این یا باند "خودی"، بلکه بین اکثریت جامعه و همه این باندها در مجموع است.

مجلس شورای لاریجانی پایان "اصلاح طلبی" حکومتی و مجلس خبرگان جنتی پایان فریبکاری ولایت فقیه مشروطه است. بر سنگ گور هر دو، تولد جامعه مدنی، پرسشگر، پُرتوقع و "نظام" شکن بشارت داده شده است.



تداوم فساد حکومتی در پناه اقتصاد مقاومتی

زینت میرهاشمی

کشمکش درون هرم قدرت از «بگم، بگم» ها تا علنی کردن فیشهای حقوقی پایوران دولت کلیددار به ویژه «دستیار ویژه رئیس جمهور» بر تداوم و گسترش فساد حکومتی تاکید می کند. فساد، رانت خواری، دزدی، قاچاق و... در این حکومت و در بالاترین سطح آن، نهادینه شده است. تمامی ابزارهای قدرت سیاسی و اقتصادی و حتی قوانین موجود در خدمت پایداری، گسترش و پوشش دادن به همین فساد است. فسادی که از این دولت به آن دولت، از این جناح به آن جناح و از این آقازاده به آن آقازاده سرایت می کند. روحانی پس از نشستن بر مسند ریاست جمهوری، کلید مشکل گشای خود را، حل بحران کار و تولید دانست و با حمله به دولت قبلی و افشای قطره چکانی دزدیها و فساد در دولت احمدی نژاد برای خود حقانیت ذخیره کرد و در این مسیر نمونه هایی از اختلاس و فسادهای دولت احمدی نژاد، بدون نام بردن از ولی فقیه افشا شد. البته فاسدان دانه درشت نه شلاق خوردند و نه اعدام شدند.

مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی یکی از افرادی است که فیش حقوقی او در ردیف حقوقهای نجومی است. سازمان تامین اجتماعی و بانک رفاه کارگران با هزینه کارگران و برداشت ماهانه از حقوق ناچیز آنها تبدیل به یک گنج برای نورچشمیهای ولی فقیه و پایوران رژیم شده است. این نهاد بزرگ تبدیل به منبع فساد مالی حکومتی شده و هیچ یک از مسئولان آن در برابر هیچ نهاد دیگری از این حکومت پاسخگو نیستند. نمونه برجسته آن دزدیهای سعید مرتضوی قاتل، رئیس پیشین سازمان تامین اجتماعی و نورچشمی خلیفه ارتجاع است.

ریبعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در برابر افشای حقوقهای چند صد میلیونی کارگزاران دولت از طرف جناح مقابل، بدون تکذیب این موضوع، از «پاکدستی» گیرندگان این حقوقها منجمله مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی حرف زد. وی گفت: «پولهایی که به شکل فیش حقوقی در فضای مجازی منتشر شده در حساب بانک است و هنوز از بانک خارج نشده است». در مورد یکی از این حقوق بگیران چند صد میلیونی، ربیعی گفت: «مهدی نوربخش مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی که ۱۳۰ میلیون ریال حقوق او تعیین شده است، فقط ۶۰ میلیون ریال برداشت می کند.»

بخش غیر واقعی اقتصاد بدون تولید و رانتی

رشد قارچ گونه موسسات، شرکتهای مذهبی و بانکها که برخی از آنها نام «خیریه» را هم یدک می کشند، یکی از نمادهای آشکار و بارز فساد حکومتی است. می توان تصور کرد وقتی انگلستان و دستهای یک دزد ساده از زیر تیغ ماموران نظام ولایت گذاشته می شود و یا قاچاقچیان جزء در مناطق محروم مرزی از دید دوربین پاسداران خلاصی ندارند، چطور برپاکنندگان این موسسه های مالی، با پولهای مردم کاخهای شان را بنا می کنند و انگلستان دست شان هم بر جای خود محفوظ می ماند.

مصاحبه ای با محمود جامساز در رابطه با تولید این موسسه ها و بانکها البته بدون ذکر اسامی صاحبان این موسسه ها در روز سه شنبه ۲۵ خرداد ۹۵ در خبرگزاری حکومتی ایلنا منتشر شده که قابل توجه است. این اقتصاد دان به رشد قارچ گونه بانکها از سال ۱۳۹۰ بدین طرف اشاره دارد. این بانکها که همراه با موسسات پولی اعتباری رشد می کنند به هیچ نهادی پاسخگو نیستند. بر اساس آمار وی، از سال ۱۳۹۰ «این بنگاهها در قالب موسسات اعتباری تعاونی و با پسوند های اسامی مذهبی و همچنین موسسات اعتباری قرض الحسنه شکل گرفتند به طوری که در حال حاضر از ۷ هزار موسسه مالی و اعتباری و بانک، حدود ۶ هزار موسسه فاقد مجوز تاسیس از بانک مرکزی، فعالند.» وی تاکید می کند که این موسسات بدون عمل کردن در «قالب قوانین و مقررات بانک مرکزی»، «یک بازار غیر متشکل» در نظام پولی و بهره در کشور ایجاد کرده اند. او می گوید: «این موسسات غالبا به بانک مرکزی پاسخگو نبوده و ملزم به پرداخت سپرده قانونی هم نیستند. ضمن این که سایر مقرراتی را که بانکها موظف به اجرای آنها هستند و باید در مقابل بانک مرکزی ایران پاسخگو باشند را هم رعایت نمی کنند.» در ادامه اضافه می کند: «مسئله افرادی که از وام و اعتبارات این موسسات بهره می گیرند



به دلیل پرداخت بهره بالا در امور مولد سرمایه گذاری نمی کنند و در واقع بخشی غیر واقعی اقتصاد که در آن تولید جایی ندارد به فعالیت مشغولند.»

بخش مهم صحبت وی افشای کامل یک اقتصاد شبه دولتی به نام خصوصی است که مثل قارچ رشد کرده و زندگی میلیونها نیروی کار و مردم را رقم می زند.

براساس حرف وی وام گیرندگان این بانکها بخشی از شرکتهایی هستند که توسط همین بانکها تاسیس شده اند. به عبارتی

همان موسسه های با اسامی مذهبی. موسسه هایی که تا کنون هیچ نهادی نتوانسته است آنها را قانونمند کند. این گونه اقتصاد غیر رسمی و رانتی در حالی مثل قارچ رشد می کند که کسبه های کوچک و یا دست فروشان مورد غضب ماموران شهرداری قرار گرفته و بساط ناچیز آنها توقیف یا به خیابانها ریخته می شود. این بخشی از اجرای اقتصاد مقاومتی مورد نظر خلیفه ارتجاع است.

حاشیه نشینی برآمد مستقیم گسترش فقر است

بر اساس آمار وزیر کشور دولت روحانی «حدود ۱۱ میلیون نفر حاشیه نشین در کشور» وجود دارد که «۳ میلیون نفر آن در حاشیه تهران، مشهد و اهواز زندگی می کنند.» بر اساس صحبتهای رحمانی فاضلی در مجلس ارتجاع در روز دوشنبه ۱۷ خرداد، در برخی از مناطق کشور بیش از ۶۰ درصد نیروی کار آن مناطق بیکار هستند.

شلاق زدن و بازداشت کارگران

بازداشت کارگران معترض و صدور حکم شلاق در پی دستور حراست کارخانه و شکایت صاحب کار، از جمله شیوه های سرکوبگرانه، غیر انسانی و ضد کارگری است که به امری رایج تبدیل شده است. شلاق زدن ۱۷ کارگر اخراجی «معدن آق دره» در شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی، صدور حکم شلاق و جریمه نقدی برای ۹ تن از کارگران معدن سنگ آهن بافق در استان یزد و بازنگاهداشتن پرونده های آنها، دستگیری ۲۴ تن از کارگران پیمانکاری شهرداری اهواز و ادامه به حبس فعالان سندیکایی کارگری و معلمان در زندان، ندادن پاسخ به خواستها و عدم رسیدگی به درمان آنها، اقدامی هدفمند است. این شیوه ها جهت سرکوب اعتراضهای رو به پیش نیروی کار و ایجاد رعب و وحشت است.

یکی از علت های اعتراض کارگران بافق که به شلاق و جریمه و حبس محکوم شده اند، اعتراض به شیوه خصوصی سازی شرکت فولاد خوزستان و واگذاری ۲۸ و نیم درصد از سهام معدن سنگ آهن بافق به این شرکت است. جرم این کارگران «اخلال در نظم و جلوگیری از فعالیت و تولید در معدن سنگ آهن بافق» اعلام شد.

اعتراض همگانی و خشم گسترده جهانی نسبت به شلاق زدن ۱۷ کارگر معدن آق دره، باعث موضع گیری تعدادی از کارگزاران رژیم شد که خودشان را به بی اطلاعی از اجرای حکم شلاق زدند. در حالی که خبر صدور حکم شلاق برای ۱۷ کارگر اخراجی «معدن آق دره» در شهرستان تکاب در استان آذربایجان قبل از اجرا در رسانه ها پخش شده بود.

اجرای حکم شلاق در مورد کارگران البته شیوه جدیدی نیست قبلا در مورد کارگران و فعالان کارگری در شهر سنندج اجرا شده است. این حکم ارتجاعی در حالی اجرا شد که همه فاسدان حکومتی از هر تنبیه و مجازاتی مبرا هستند.

یورش نو - لیبرالیسم و پایان پوپولیسم چپ در آمریکای لاتین (بخش ۲، ونزوئلا)

لیلا جدیدی

در بخش اول این نوشتار (مندرج در نبرد خلق شماره ۳۷۱) توضیح داده شد که چگونه دولتهای پوپولیستی چپ گرا بر بال رشد اقتصادی و وعده تقسیم ثروت بین توده مردم به قدرت رسیدند. برزیل، ونزوئلا و آرژانتین از بارزترین نمونه های این روند هستند که با بحرانهای اقتصادی، سقوط بهای نفت و تولیدات کشاورزی و صنعتی از رونق بازار آنها به کلی کاسته شد و همراه آن توهم زندگی بهتر در این جوامع نیز رنگ باخت.

از همین رو رهبران چپ گرای این کشورها که با شعارهای "انقلاب قرن بیست و یکم" و "انقلاب بولیواری" در انتخابات پیروز شده بودند، به علت نداشتن راه حل‌های واقعی سوسیالیستی، اکنون مورد تهاجم موج ویرانگر نو - لیبرالیسم قرار گرفته اند.

ونزوئلا



بحران در ونزوئلا پیچیده تر از آن است که بتوان آنرا با تضاد طبقاتی بین سوسیالیسم و سرمایه داری توضیح داد. ونزوئلا تاریخ مبارزاتی اجتماعی طولانی دارد. مردم فقیر در این کشور همواره در جستجوی یافتن جایگاهی در جامعه برای خود بوده اند. از سوی دیگر، بخشهای فقیر یا ثروتمند جامعه به طور مشترک از ناهنجاریهای ناشی از فساد، سقوط اقتصادی، خشونت و غیره به رنج برده اند.

اگرچه اکنون رسانه های بین المللی چنانچه گهگاه از بحران در ونزوئلا گزارش دهند، بر بحران اقتصادی و فقر تکیه می کنند، اما بحران ونزوئلا فقط اقتصادی نیست، بلکه بحرانی سیاسی و اجتماعی نیز هست. در واقع، آینده این کشور بستگی به چگونگی واکنش جنبشهای مردمی آن دارد.

در این راستا نگاهی کوتاه به تاریخ معاصر ونزوئلا پس از سال ۱۹۵۸ که حکومت نظامی ژنرال "مارکوس پرز" به پایان رسید، برای توضیح حوادث کنونی خالی از فایده نیست.

پس از سقوط دیکتاتوری نظامی، این کشور به مدت ۴۰ سال به دست دو حزب راستی "اقدام دموکراتیک" (Democratic Action) و "سوسیال مسیحی" (COPEI) که نماینده سیاستمداران ثروتمند بودند، اداره شد. این دو حزب تا سال ۱۹۹۷ حکومت کردند. در این دوران ۶۱ درصد از جمعیت ونزوئلا زیر خط فقر زندگی می کردند. طبقه کارگر



زیر ستم هر دو حزب کمر خم کرده و عاصی شده بود. از این رو اعتراضاتی شکل گرفت که در سال ۱۹۹۸ به اوج رسید. این اعتراضات با خشونت دولتی مواجه شد و ناگزیر به درگیری و زدوخوردهای بسیاری کشیده شد. رهبری این جنبش را "هوگو چاوز" به دست گرفته بود.

در این زمان چاوز از محبوبیت بسیاری برخوردار شد. او با شعار "سوسیالیسم قرن ۲۱"، عدالت را تبلیغ می کرد و سرانجام در سال ۱۹۹۸ در انتخابات و مستقل از دو حزب قدرتمند که دیگر حمایتی نداشتند، به قدرت رسید.

رژیم چاوز به ملی کردن کمپانیهای خصوصی از جمله رسانه های دولتی و مدارس دولتی دست زد و با سر دادن شعارهای ضد امپریالیستی، به دولتهای چپگرا در آمریکای لاتین، به ویژه به رژیمهای برزیل، بولیوی، اروگوئه، نیکاراگوئه و کوبا نزدیک شد.

چاوز با دادن وعده عدالت سوسیالیستی به مردم به صحنه آمد و توانست بخش بزرگی از جامعه را پشت سر خود بسیج کند. حزب او به نام "حزب اتحاد سوسیالیستی ونزوئلا"، شش میلیون عضو داشت، اما او از این فرصت استفاده نکرد و فساد دولتی را آنچنان رواج داد که دیگر گریزی از آن نبود. چاوز همزمان، معترضان را که بسیاری از آنها طرفداران خودش نیز بودند، سرکوب کرد.



چاوز پیش از مرگ در سال ۲۰۱۳ "نیکلاس مادورو" را به جانشینی خود معرفی کرد. مادورو که سابقاً راننده اتوبوس و بعد رهبر اتحادیه شد، در دولت چاوز به وزارت امور خارجه و سپس به معاونت او دست یافت. اما دوران حکومت او برای مردم ونزوئلا فاجعه بود. این کشور با کمبود اساسی ترین کالاهای مورد نیاز مردم، صفهای طویل در برابر فروشگاهها و تورم سرسام آور روبرو گردید و سرانجام به مکانی سقوط کرد که حتی دیگر دزدان و

گارتگران هم ارز محلی را نمی خواستند. نرخ تورم در سال گذشته ۲۵۰ درصد گزارش شد که رقم واقعی بیشتر از آن است. در همین حال فروشگاههای مواد غذایی خالی و اجناس در بازار سیاه ۱۰۰ برابر قیمت به فروش می رسند. باید متذکر شد که البته ارتش و رهبران و مدیران دولتی از کمبودها و تورم برکنار هستند.

اعتراضات مردم در زمان مادورو به اوج رسید؛ نخست با مطالبه آزادی بیان و آزادی زندانیان سیاسی و سپس علیه تورم، کمبود خدمات اجتماعی، نقض حقوق بشر و غیره. فعالیتهای اینترنتی با فیس بوک و تویتر نقش موثری در هدایت اعتراضات به عهده داشتند.

از آنجایی که فساد به درون دولتی که ادعای سوسیالیست بودن می کرد کشیده شده بود و اعضای آن از درآمدهای مفتی به ثروتی هنگفت دست یافته بودند، دولت مادورو حیثیتی برای خود بر جا نگذاشته بود و دیگر قابل دفاع و حمایت نبود. البته این تنها دولت مادورو نیست که مردم این کشور را از خود بیزار کرده. به طور کلی همانطور که پیشتر اشاره شد، فساد دولتی از دوران چاوز آغاز شد. در ۱۵ سال اخیر میزان قتل و جنایت در جامعه بالا گرفته است، آنچنان که گفته می شود وضع از عراق و افغانستان، رواندا و سوریه نیز وخیم تر است. برای نمونه در سال ۲۰۱۴ گروههای مسلحی که از دولت حمایت می کردند، مرتکب جنایت و خشونتهای هولناکی شدند.



رژیمی که باید حامی مردم باشد، به قتل عام آنان دست زد. سرانجام، حزب "چاوزیستا" در انتخابات مجمع قانونگذاری ونزوئلا فرو ریخت. ائتلافی به نام "میزگرد اتحاد دموکراتیک" که از تعدادی حزب و گروه کوچک و بزرگ تشکیل شده بود، ۹۹ کرسی از ۱۶۷ کرسی را به دست آورد و حزب حاکم با کسب ۴۶ کرسی به رده اقلیت سقوط کرد. البته این نشانه رشد راستها نیست، زیرا آنها تنها ۳۰۰ هزار رای بیشتر آوردند. این حزب چاوزیسم بود که ۲ میلیون

رای از دست داد. امروز حزب چاوز یک میلیون عضو دارد که اکثر آنها کارگزاران سیاسی و دولتی هستند. قدرت دولت مادورو با فساد حفظ شده. این در حالیست که دیگر نمی تواند با پول نفت مردم فقیر را ساکت نگه دارد.

از طرفی، بیشتر احزاب اپوزسیون ریشه در همان دو حزب راستگرایی که ۴۰ سال قدرت را در دست داشتند دارند. با این همه هیچ یک از دو طرف دارای راه حلی برای غلبه بر بحران کنونی نیستند.

مادورو با شکست حزبی در انتخابات، صندلی حکومت را رها نکرده. او به همراه رسانه های دولتی تحت فرمان خود، وخامت اقتصادی را بیشتر "جنگ اقتصادی" می خواند و آنرا به گردن نیروهایی از خارج که به یاری "ضد انقلابیون داخلی" آمده اند، می اندازد. از این رو به دستگیری و زندانی کردن معترضان داخل کشور رو آورده است.

در روزهای اخیر، خبرها حاکی از وخامت بیشتر شرایط در این کشور است. روزانه از خاموشیهای گسترده، کمبود کالاهای مورد نیاز و غارت و هرج و مرج گزارش داده می شود. در واکنش بدین اوضاع، نیکلاس مادورو، آمریکا با همدستی فاشیستهای راست را مقصر دانسته است. وی به این بهانه که کشور تحت تهاجم آمریکا قرار گرفته، اعلام ۶۰ روز حکومت



نظامی کرد که با مخالفت همه جانبه روبرو شد. ناگفته نماند که رفراندومی که برای درخواست برکناری وی توسط مخالفان ترتیب داده شده بود و نیاز به ۲۰۰ هزار امضا داشت، ۸/۱ میلیون امضا جمع کرد.

ونزوئلا نمونه دیگری از فرو پاشی رژیمهای پوپولیستی چپ در آمریکای لاتین است. رهبران پوپولیست پشتوانه ای برای جلوگیری از سقوط ندارند. برای آنها تنها گزافه گویی و دادن

آدرسهای نادرست و شعارهای ضد آمریکایی در چننه باقی مانده است. این در حالیست که اداره مهاجرت آمریکا در آخرین گزارش خود در ماه ژوئن ۲۰۱۶ اعلام کرده است که ونزوئلا بعد از چین دومین متقاضی ویزا و مهاجرت و ترک کشور را داشته است.

پیرامون شرایط حاضر در ونزوئلا "سزار رومرو"، یک فعال سیاسی، توضیحاتی شنیدنی دارد. او عضو شاخه جوانان "سازمان انقلابی سوسیالیست" که در پروسه "چاویستایسم" از همان آغاز دهه ۹۰ فعال بوده و عضو "حزب اتحاد سوسیالیستی ونزوئلا" که چاوز در سال ۲۰۰۷ بنیان گذاشت، می باشد. رومرو که اکنون این حزب را ترک کرده، در مصاحبه ای به مناسبت سومین سالگرد مرگ چاوز می گوید: "با مرگ چاوز بحران در ونزوئلا وارد مرحله حاد تری شد. از سوی دیگر، یک دوره از بن بست همراه با بحران جهانی اقتصاد ضربه محکمی به کشورهای آمریکای جنوبی زده است. به همین دلیل، حلقه دموکراتیکی که با رای مردم به "مورالس" در بولیوی، "کیرشنر" در آرژانتین، "مادورو" در ونزوئلا و "دیلما" در برزیل شکل گرفته بود، شکسته شده است."

وی می افزاید: "با این حال، جنبشهای دیگری شکل گرفته است، از جمله جنبشهای مدافع محیط زیست، ضد نژاد پرستی و همجنس گرایان و غیره... این موضوعات کاراکتر ضد سرمایه داری دارند ولی همزمان آنها ضعف احزاب چپ سنتی را نیز که راه های مترقی را نیمه تمام می پیموده اند، نشان می دهند. آنها این موقعیت را داشتند که در برابر سیاستهای راستگرایانه، آلترناتیوی انقلابی ارائه دهند، اما این کار را نکردند و نخواهند کرد."

رومرو تاکید دارد: "از این نظر، چپ انقلابی باید برای یک آلترناتیو انقلابی سازماندهی کند. اکنون چپ باید با همدستی با منتقدان چاویسیسم و چپ انقلابی در ونزوئلا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین، از احزابی که از طبقه زحمتکش دور شده اند، فاصله بگیرد."

هیچکس در این شکی ندارد که شکست پوپولیسم چپ در ونزوئلا یورش دست راستیها و نو - لیبرالیسم را در پی دارد و شکی هم در اینکه آنها چه افقی دارند، نیست: بازگشت به نظم پیشین. از آنجا که رژیم پوپولیستی چاوز جنبش چپ مخالف خود را به شدت سرکوب، خلع سلاح کرد و متلاشی کرد، آلترناتیوی انقلابی هم پیش روی مردم نیست. تاریخ و آینده ونزوئلا اکنون در دست کسانی است که به نام مردم، منافع خود را نمایندگی می کنند و برای قدرت و ثروت حکم می رانند. باید دید مردم ونزوئلا چگونه این بحران را پشت سر می گذارند و آیا می توانند از دل آن امکانی برای انتقال قدرت به خود خلق کنند.

ستیز با ولایت در تار و پود جامعه

مهدی سامع

برای هرکس که رویدادهای سیاسی ایران را دنبال می کند این سوال مطرح می شود که در أم القُرّای جهل و جنایت و در ولایت خامنه ای چه می گذرد که مسئول اول آن روز و شب را با کابوس «فتنه»، «نفوذ»، «فرهنگ مضر»، «تهاجم نرم» و... می گذراند. اگر ولایت خامنه ای هر حرکت اعتراضی و حق طلبانه را با اقتدار سرکوب می کند و اگر شرق و غرب را به گفته مقام معظم به تمکین واداشته، دلیل این نگرانی چیست؟ دلیل بازداشتهای هر روزه، شکنجه زندانیان، حبسهای طولانی، اعدامهای مداوم، تهاجم به حریم خصوصی شهروندان، شلاق بر پیکر کارگران و... چیست؟

اگر ولی فقیه نظام بر این باور است که «دنیا در خلأ معنوی و فکری است. این که شما می بینید قتل و جنایت در دنیای غرب روز به روز زیاد می شود به این خاطر است» (ایسنا، سه شنبه ۱۸ خرداد)، لابد اطلاع دارد که ولایت در امن و امان و در اوج «معنویت» است و اخبار مربوط به گسترش فاجعه بار اعتیاد و فحشا، فقر و تهیدستی، فساد و ثروت بی حد و اندازه حکومتیان چیزی بیش از «شایعه دشمنان» نیست. فرض را بر این بگذاریم که این موارد یا اصلاً وجود ندارد و یا در ابعاد ناچیزی وجود دارد و دشمنان نظام آن را بزرگ می کنند.

جواب ولی فقیه در مورد این چند خبر که از میان خبرهای ماه گذشته انتخاب شده چیست؟

در دو مهمانی، در تهران و استان البرز ۴۲ مرد و زن دستگیر شدند. / بیش از ۷۰ زن و مرد در رستورانی واقع در فرحزاد، تهران دستگیر شدند. / بازداشت ۲۳ نفر در یک پارتنی شبانه در کرمان.

دستگیری دهها زن و مرد در مهمانی در بندرعباس. / بازداشت ۲۹ دختر و پسر در یک مهمانی در مشهد.

دستگیری ۱۲ تن را به اتهام «نفوذ فرهنگی و ترویج فساد».

اعلام جرم علیه رئیس دانشگاه سیستان و بلوچستان به دلیل «رقص دانشجویان».

محکومیت یک روزنامه‌نگار و وبلاگ نویس در ساوه به ۴۴۴ ضربه شلاق.

توقیف روزنامه قانون به خاطر خبری با عنوان «۲۴ ساعت لعنتی».

توقیف سایت «جهان نیوز» به دلایل «امنیتی».

این خبرها را نهادهای گوناگون تحت امر خامنه ای اعلام کرده و البته تاکید کرده اند که با «اقتدار» به این سرکوبگریها ادامه می دهند. مقام معظم از ستیز اکثریت قاطع مردم ایران با فرهنگی که او به دنبال رواج آن است در بیم و هراس است. او در دیداری که رئیس و نمایندگان مجلس دهم با وی داشتند گفت: «در موضوع فرهنگ نوعی ولنگاری و بی اهمیتی در دستگاههای فرهنگی به چشم می خورد، زیرا در تولید کالای فرهنگی مفید و جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر، کوتاهیهایی انجام می شود.» (سایت خامنه ای، یکشنبه ۱۶ خرداد)

علی خامنه ای در روز دوشنبه ۳۱ خرداد در دیدار با جمعی از شاعران مجیزگوش گفت: «متأسفانه گاهی از فردی که ذره ای گرایش به مفاهیم اسلام و انقلاب اسلامی نشان نداده است تجلیل می شود اما از هنرمندی که همه عمر و سرمایه هنری خود را در راه اسلامی و انقلاب گذرانده است، تجلیل و به او توجه نمی‌شود... اکنون در میدان جنگ نرم، جنگ سیاسی، فرهنگی، امنیتی و مقابله با نفوذ قرار داریم».

این دلواپسی در شرایطی است که انبوهی از نهادهای فرهنگی تحت امر مستقیم او هستند که با بودجه های عظیم و صرف هزینه های زیاد به ترویج اندیشه های ارتجاعی در جهت حفاظت از ولایت خامنه ای می پردازند. دهها کانال رادیو و تلویزیونی زیر نظر صدا و سیما و ولایت فقیه، سازمان تبلیغات اسلامی با صدها شعبه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی با سلسله ای از شبکه های گوناگون، شورای عالی قرآن، مؤسسه اطلاعات و کیهان که ناشر دهها نشریه هستند و...

جمع این نهادها و پیرامون آن چندین لشکر بزرگ فرهنگی می شود. اما همین لشکریان مقام معظم در مقابل دهنکجی زنان ایرانی به ستوه آمده اند. همین لشکریان با ساز و برگهای مجهز نرم افزاری و سخت افزاری از یک وبلاگ نویس ساوه ای می ترسند و او را به ۴۴۴ ضربه شلاق محکوم می کنند تا «اقتدار» خود را به رخ کشند. در همین دیدار مقام معظم با

ریاکاری خود را شرمنده تر از آن کارگر زحمتکشی دانست که به علت عدم توانایی مالی شرمنده خانواده اش است. گرچه این ریاکاری شیوه همیشگی خامنه ای است، اما فرض می کنیم او واقعیت را می گوید، در این صورت برای هر ایرانی و به ویژه برای اکثریت مردم که در فقر و تهیدستی زندگی می کنند این سوال مطرح می شود که مقام معظم که ثروتهای عظیمی در اختیار دارد و نهادهای اقتصادی تحت امر او سالانه میلیاردها دلار سود خالص دارند، چه اقدامی برای تهیدستان انجام می دهند. نهادهای و موسساتی مثل؛ قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه با صدها شرکت زیر مجموعه، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی در نقش یک کارتل بزرگ، آستان قدس رضوی با صدها شرکت زیر مجموعه، بنیاد شهید و امور ایثارگران، ستاد اجرایی فرمان امام با دهها میلیارد دلار ثروت، سازمان حج و زیارت، سازمان اوقاف و امور خیریه که فقط بخش اوقاف آن دهها میلیارد دارایی دارد، بنیاد شهید و امور ایثارگران و... نه فقط تحت هیچ نظارت دولتی نیستند، حتی مالیات بر درآمد هم نمی پردازند. همین موضوع یکی از موارد چانه زنی باند روحانی با ولی فقیه است.

اگر ولی فقیه به طور واقعی به دنبال اقتصاد مقاومتی است، در گام اول باید حساب و کتاب این نهادهای عظیم را شفاف کرده و به دولت تحت امر خودش مالیات بپردازد. اما خامنه ای به جای شفاف سازی و پرداخت مالیات، هم از بودجه دولتی استفاده می کند و هم بخشی از درآمدهای این نهادها را در سوریه، لبنان، یمن و... برای توسعه ارتجاع و بنیادگرایی هزینه می کند.

و بالاخره خامنه ای در روز شنبه ۲۹ خرداد در دیدار جمعی از دانشگاهیان گفت: «مسئولان دانشگاهها باید در مقابل هر اقدام و موضوعی همچون اردوهای مختلط که هویت اسلامی دانشگاهها را خدشه دار می کند، حساس باشند و با آن برخورد کنند... در دانشگاهها... به هیچ وجه نباید از گرایشهای مخالف انقلاب حمایت شود... کار فرهنگی به معنای برگزاری کنسرت و یا حرکات موزون در دانشگاهها نیست... کسی که به هر بهانه ای مانند انتخابات و امثال آن، نظام را به چالش می کشد، نامطمئن است و صلاحیت حضور در دانشگاهها را ندارد، همانگونه که هیچ کشوری اجازه به چالش کشیدن نظام حاکم بر آن، را نمی دهد.»

قسمت آخر حرف خامنه ای یک دروغ آشکار است. امروز حتی در تعدادی از کشورهای اطراف ایران که سیستمهای دمکراتیک ندارند، مخالفان آن نظامها در دانشگاهها حضور فعال دارند. از این دروغ که بگذریم، خامنه ای در این سخنان ترس خود را از جنبش دانشجویی و گرایشهای رو به گسترش در ستیز با نظام را آشکار می کند. خامنه ای می داند که فرصتها و ذخایر ولایت اش ته کشیده است. او که از فرصتهای دو حمله اشغالگرانه به عراق بیشترین سود را برده می داند که اکنون با تهدید دخالت ماجراجویانه در سوریه روبروست. او که جام زهر هسته ای را نوشیده می داند که راه نجات ولایت اش، تنها و تنها سرکوب و دخالت تمام قد در سوریه به سود دیکتاتوری بشار اسد است. خامنه ای می داند که تهدید اصلی ولایت او مردم ایران هستند و برای همین از تمام شیوه های نرم افزاری و سخت افزاری علیه مبارزات مردم ایران به شمول ستیز فرهنگی مردم استفاده می کند. او نه ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ را فراموش کرده و نه سی خرداد ۱۳۸۸ را فراموش خواهد کرد. ۳۵ سال از آن ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ می گذرد. در این چند دهه بسیاری از زنان و مردان میهن ما در راه آزادی به شهادت رسیدند. اما مبارزه و مقاومت سازمانیافته با همه سختیها پایدار ماند و همچون خاری در چشمان حکام تهران مانده است. ۷ سال از ۳۰ خرداد سال ۱۳۸۸ و قیامهای آن سال می گذرد. خامنه ای به چشم خود مشاهده کرد که چگونه اتوریتته او در خیابانهای تهران و شهرهای دیگر لگد کوب مردم بپاخاسته شد. بدون تردید او بهتر از هر کس از آن چه در تار و پود جامعه می گذرد آگاه است. او می داند که اگر در مقابل آن کارگری که حداقل حق اش را می خواهد و آن زندانی سیاسی که برای حق خواهی اقدام به اعتصاب غذا می کند و آن زن و مرد جوانانی که فرهنگ ارتجاعی رژیم را به سخره می گیرند از حربه سرکوب استفاده نکند، دیری نخواهد پایید که این جویبارهای مبارزانی به رودخانه ای پرخروش تبدیل می شوند و در راه پر شکوه آزادی بساط ولایت خامنه ای بر خواهند چید.

در سالگرد ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ یاد همه زنان و مردانی که با استواری و پایداری مبارزه کردند و به شهادت رسیدند را گرامی داریم و همبستگی و حمایت خود را با همه مبارزان راه آزادی و زندانیان سیاسی به شیوه های گوناگون نشان دهیم.

دو دیدگاه چپ پیرامون یک سوال؛ خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا آری یا نه؟

لیبرنت / نویسنده دوچلند

برگردان: بابک

شهروندان بریتانیا روز ۲۳ جون / ۳ تیر ماه، در یک referendum، پیرامون باقی ماندن یا خروج از اتحادیه اروپا تصمیم گیری می کنند. در چپ بریتانیا و اروپا رویکردهای متفاوتی نسبت به این مساله شکل گرفته است. بخشی از این امر استقبال و بخش دیگر آن را رد می کند. نوشته زیر برای آشنایی خوانندگان "نبرد خلق" با دیدگاهها و استدلالهای هر دو طرف، مهمترین نظرات در این باره را منعکس کرده است.

چپها باید کارزاری برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به راه بیندازند

لیبرنت

"جوزف چونارا" (Joseph Choonara) عضو رهبری "حزب کارگران سوسیالیست" (SWP) و نویسنده جزوه جدیدی به نام "اتحادیه اروپا: مساله چپ برای خروج"، در مصاحبه زیر در این باره، نقش "جرمی کوربین" (Jeremy Corbyn)، رهبر حزب کارگر انگلیس، و نیز امکانات یک آلترناتیو چپ به گفتگو نشسته است.



چپهای بریتانیا به referendum چه واکنشی نشان داده اند؟

چپها در برخورد به مساله عضویت در اتحادیه اروپا دچار اختلاف هستند. در سال ۱۹۷۵ در یک referendum، چپ سوسیال دموکرات با این امر به شدت مخالفت کرد. اما در روزهای سیاه تاجریسم در دهه هشتاد، بخشهایی از اتحادیه ها و حزب کارگر به پندارهای شگفت آوری در باره "اروپای عادل" رسیدند که "ژاک دلور" (Jacques Delors)، رئیس قبلی کمیسیون اروپا آن را تبلیغ می کرد.

اکنون در پیامد کارزار سال گذشته، جرمی کوربین، عضو جناح چپ حزب کارگر، به ریاست این حزب رسیده است. کوربین به هیچ عنوان نظر خوشی نسبت به اتحادیه اروپا ندارد و در جریان کارزارش گفت کامرون نمی تواند انتظار کمک خودکار از طرف حزب کارگر را داشته باشد. با این همه، او با وجود پشتیبانی شمار زیادی از اعضای حزب،

از طرف فراکسیون پارلمانی آن تحت فشار است. او را مجبور کردند که به سرعت موضعش را عوض کند و وی قول داد از باقی ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا پشتیبانی کند. بسیاری از جوانهایی عضو حزب کارگر در غیاب هر گونه ابراز مخالفتی از سوی کوربین، احتمالاً از عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا به طور غریزی حمایت خواهند کرد.

اتحادیه ها نیز گمان می رود موضعی مشابه حزب کارگر اتخاذ کنند. سبزها و ناسیونالیستهای اسکاتلندی که جریانی چپ به حساب می آیند نیز به نفع عضویت وارد عمل می شوند.

چپهای دیگر باافزای حزب کارگران سوسیالیست مدافع خروج هستند. اما در اینجا نیز اختلافهایی وجود دارد. با توجه به موضع بیگانه ستیزانه بسیاری از مدافعان خروج، دو خط قرمز وجود دارد که نباید در کارزار علیه اتحادیه اروپا از آنها عبور کنیم. اولین خط قرمز این است که چپ نباید بخشی از کارزار رایج "خروج" که توسط راستها هدایت می شود، باشد.

دومین خط قرمز، عدم توسل و رد استدلالهای نژادپرستانه ای است که مخالفان اتحادیه اروپا گاهی اوقات به زبان می آورند. برای مثال در گذشته ادعا شده است که مهاجران عامل کاهش دستمزد هستند. چپ نباید با چنین استدلالهایی سروکار داشته باشد.

متاسفانه جورج گالوی (George Galloway) (نماینده سابق پارلمان و مجری تلویزیون انگلیسی زبان جمهوری اسلامی، Press TV) مرتکب اشتباه شد که با "نایجل فریج" (رهبر حزب استقلال بریتانیا) در یک نشست گفتگو شرکت کرد با این توجیه که چرچیل و استالین هم در جنگ دوم جهانی متحد شدند. بعضی از نمایندگان اقلیت ضد اروپای حزب کارگر نیز مواضع مشابهی خواهند داشت.

برخی از اتحادیه های کوچک مانند اتحادیه کارکنان راه آهن (RMT) همراه با حزب کوچک کمونیست انگلیس علیه اتحادیه اروپا موضع خواهند گرفت. شماری از چپهای منفرد مانند "طارق علی" و نیز بعضی گروههای چپ نیز برخورد مثبتی با خروج از اتحادیه اروپا داشته اند.

موضع حزب ما همکاری با تمام نیروهایی است که دو خط قرمز یاد شده را رعایت می کنند. باید منتظر شد و دید چگونه یک کارزار مستقل چپ بر این پایه به راه می افتد.

شخصیتی که خروج بریتانیا از همه بیشتر با او معرفی می شود، نایجل فریج است. سوسیالیستها چگونه می توانند از خروج دفاع کنند بدون آنکه در کنار او قرار بگیرند؟

پیش از همه، بوریس جانسون خیلی بیشتر از نایجل فریج روی صحنه خروج خودنمایی می کند. دو جبهه جا افتاده راست پیرامون خروج وجود دارد و روشن نیست که فریج بتواند دست بالا را پیدا کند. اما این واقعیت دارد که اپوزیسیون عضویت در اتحادیه اروپا با راست بیگانه ستیز شناسایی می شود. ما باید به گونه روشن پایه های موضع خود در مورد اتحادیه اروپا را تشریح کنیم. مساله اول کاراکتر نو - لیبرال این پروژه است. این ویژگی از پیمان ثبات اقتصادی برمی خیزد که کشورهای عضو را به طور خودکار مجبور به ریاضت اقتصادی می کند و همچنین از پیمانهای تجاری مانند پیمان تجاری و سرمایه گذاری فرا آتلانتیک (TTIP) که اتحادیه مشغول مذاکره در باره آن است. این کاراکتر به ویژه در مورد یونان به بارزترین شکل به نمایش درآمده، در نهایت دو عضو از ترویکا که این کشور را مورد تهاجم قرار داده اند، نهادهای اتحادیه اروپا هستند. رویکرد ما علیه اتحادیه اروپا عقبگرد به ناسیونالیسم نیست، بلکه بیان همبستگی با کارگران یونانی است.

در هر جا که انتخاب بین دموکراسی و نو - لیبرالیسم باشد، اتحادیه اروپا دومی را برمیگزیند. همانگونه که معاون رییس کمیسیون، "جیرکی کاتاینن" (Jyrki Katainen) توضیح داد: "ما سیاست مان را به خاطر انتخابات تغییر نمی دهیم." دومین پایه برخورد ما قرار گرفتن در جبهه مخالف "قلعه اروپا" است. در پس همه ادعاها پیرامون حفظ نرمش و مدارا در داخل مرزهای اروپا که تناقضهای خود را به سرعت آشکار می کند، پیداست که این حق برای شهروندان اروپا از کیسه یک طرح نژادپرستانه و محروم کننده تامین شده که همه کسانی که از اتحادیه اروپا نیستند آن را احساس می کنند. در حال حاضر حتی تلاش می شود نیروهای ناتو در کنار نیروی مرزبان اتحادیه اروپا (Frontex) برای مسدود کردن مسیر پناهجویان به یونان به خدمت گرفته شوند

دیوید کامرون این استدلال ما را به خوبی با گفته های به طور عمیق نژادپرستانه اش در جریان کارزار تقویت می کند. برای مثال او می گوید اگر بریتانیا اتحادیه اروپا را ترک کند، دولت فرانسه پناهجویانی را که در "کاله" (Calais)، فرانسه در یک کمپ نکبت بار به نام "جنگل" زندانی شده اند، به طرف بریتانیا روانه می کند. ما از این امر استقبال می کنیم. برای ما همبستگی با مهاجران در "لامپدوسا" (Lampedusa) یا هلسپونت (Hellespont) پایان نمی یابد. همبستگی ما سوریه، افغانستانها یا اریتره ایها را در بر می گیرد.

سراخر ما بر این واقعیت که حزب کارگران سوسیالیست به عنوان یک جنبش ضد نژادپرستی در بریتانیا شناخته می شود، تکیه داریم. ما از اجزای مرکزی خیزش در برابر نژادپرستی هستیم که در حال حاضر به عنوان بخشی از آکسیون "روز سراسری اقدام علیه نژاد پرستی" تظاهراتی را در اروپا و بریتانیا سازماندهی می کند. ما کاروان کمک به کاله فرستادیم و مساله پناهجویان را به اتحادیه ها بردیم. ما در ایجاد کارزار سراسری علیه حزب استقلال سهم داشتیم.

ممکن است همه چپها با مواضع ما در مورد اتحادیه اروپا موافق نباشند، اما بسیار دشوار است کسی ما را با هواداران حزب استقلال اشتباه بگیرد.



آیا آنگونه که "واروفاکیس" (Varoufakis)، وزیر پیشین دارای یونان، می گوید امکان اصلاح اروپا وجود دارد؟

متاسفانه مذاکرات واروفاکیس با اتحادیه اروپا دقیقا این منطق اشتباه را به نمایش گذاشت. او و "سیپراس"

(Tsipras) مطمئن بودند که می توانند طرفهای گفتگوی شان را فقط بر پایه عقلانیت استدلالهای خود متقاعد کنند. این هدف به کلی شکست خورد. به محض آنکه رهبران "سیریزا" (Syriza) گسست از یورو و اتحادیه اروپا را از روی میز برداشتند، به کلی خلع سلاح شدند؛ واقعیتی که در قراردادهای بسته شده بعد از آن خود را نشان داد. سازمانهایی مانند "آنتارسیا" (Antarsya)، چپ ضد سرمایه داری یونان، که پیشاپیش یک گسست رادیکال از اتحادیه اروپا را تبلیغ می کردند، محاسبه بسیار واقع گرایانه تری از توازن قدرت و تصور بسیار بهتری از آنچه که ضروری است، داشتند.

موانع مشخصی برای اصلاحات وجود دارد. قدرت در اروپا بر دو پایه استوار است: نخست نهادهای غیرانتخابی مانند کمیسیون اروپا و بانک مرکزی. حساسیت اینها برای تاثیر گرفتن از هر گونه فشار دموکراتیک، خیلی زیاد نیست. برای بالا رفتن در این سلسله مراتب، باید وفاداری ات به طبقه حاکم اروپا را ثابت کنی.

پایه دوم شورای اروپا است که از رووسای دولتهای سراسر اروپا تشکیل شده است. این نهاد نمی تواند در سطح فراملی - اروپایی رفرمیزه شود، چون رووسای دولتها در انتخابات ملی تعیین می شوند. پرسش اصلی این نیست که آیا می ما می توانیم به طریقی نهادهای اتحادیه را به سمتی ببریم که از نو - لیبرالیسم و نژادپرستی جدا شوند، بلکه سووال این است که آیا در داخل کشورهای معین، جنبشهایی از پایین می توانند چالشی را علیه طبقه حاکم خود شکل دهند؟ راه میانبری وجود ندارد.

بدیهی است که انترناسیونالیسم یکی از پایه های مهم این مبارزه است. اما دلیلی وجود ندارد که این همبستگی حتما باید از کانال اتحادیه اروپا جاری شود. اعتراضهای هماهنگ شده علیه نژادپرستی یک نمونه از این امر هستند. مساله به استفاده از شکلهایی از انترناسیونالیسم برمی گردد که از اضطرار زاده شده اند. هماهنگ کردن کارزارهای گوناگون ملی با یکدیگر و از دیگر مبارزات آموختن.

نه به خروج بریتانیا: واروفاکیس و ژیک از ماندن دفاع می کنند

نویس دوپچلند

رفراندوم در باره باقی ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا نزدیک می شود و همه پرسشها از یک رقابت تنگاتنگ حکایت می کند. رهبر حزب کارگر، "جرمی کوربین"، هفته هاست که برای باقی ماندن تبلیغ می کند. او می گوید: "اروپا باید خود را تغییر دهد، اما این تغییرات فقط می تواند در همکاری با متحدان ما در اتحادیه اروپا به واقعیت بپیوندد. می توان انتقاد کرد و همزمان یقین داشت که ما باید عضو اتحادیه اروپا باقی بمانیم."

موضع کوربین از طرف جنبش چپ (DiEM25 Democracy in Europe Movement 2025) - جنبش دموکراسی در اروپا ۲۰۲۵) پشتیبانی می شود. در اواخر ماه می، وزیر دارایی پیشین یونان، یانیس واروفاکیس و وزیر دارایی سایه حزب کارگر، جان مک دانل (John McDonnell)، به دفاع از باقی ماندن برخاستند. مک دانل عضو جنبش است و به مناسبت شروع کارزار مشترک DiEM25 و شبکه "اروپایی دیگر ممکن است" گفت: "اکنون ما فرصتی

یافته ایم تا بحث در باره آینده دموکراتیک اروپا را دامن بزنیم. برای نخستین بار از یک نسل به این طرف، جنبشها و نیروهای سیاسی ای در سراسر اروپا به وجود آمده که در این امر مداخله می کنند."

او و واروفاکیس با شماری دیگر از جمله سیاستمدار سبز "کارولاین لوکاس" (Caroline Lucas)، نویسنده چپ و فعال "اون جونز" (Owen Jones) و "سیریو کانوش دونی" (Sirio Canós Donnay) از "پودموس"، متن مشترکی را به نام "بیانیه لندن" منتشر کرده اند. در این بیانیه آمده است: "نباید آینده کشورهای مان را به دست سیاستمداران واپس گرای بیسپاریم که حرف ما را به زبان نمی آورند. ما در عوض به کارزار شجاعانه ای می پیوندیم که خواهان بازگرداندن دموکراسی ما است و آنها هم نه فقط اینجا در بریتانیا، بلکه در سراسر اروپا."

فراخوان واروفاکیس در نگاه نخست کمی ناهمگون به نظر می رسد. این امر را خود او نیز می داند. در "نامه سرگشاده به بریتانیاییها" که در "گاردین" هم منتشر شد، او اعتراف می کند تلاشش در سالهای گذشته برای قانع کردن رهبران اتحادیه اروپا به اتخاذ یک سیاست متفاوت در برابر یونان شکست خورده است و از این رو می تواند درک کند که فراخوان او به بریتانیاییها دعوتی عجیب به گوش آنها برسد.

واروفاکیس می گوید: "این اما فقط یک تناقض ظاهری است، چرا که در صورت خروج، بیشتر قوانین جاری در بریتانیا همچون اکنون، در راهروهای سرد بروکسل نوشته خواهند شد. با این تفاوت که بریتانیاییها دیگر تاثیری بر تعیین استانداردها، قواعد و فرآیندهای آن نخواهند داشت. دلیل هم این است که بریتانیا بازار مشترک اروپا را ترک نخواهد کرد و از این طریق به پیکربندی آن نیز متعهد می ماند."

آنچه که بیشتر مایه نگرانی واروفاکیس است، شتاب گرفتن فروپاشی اتحادیه اروپا در نتیجه خروج بریتانیا است. او توضیح می دهد: "اتحادیه اروپا بی تردید بوروکراتیک و غیرشفاف است و در تناقض با پارلمانتاریسم دموکراتیکی است که ما و شما قبول داریم. اما همه باید به دقت تامل کنند که آیا با فروپاشی اتحادیه اروپا، دموکراتهای مترقی در سراسر اروپا واقعا توانایی تغییر مسیر را دارند؟ به نظر من این غیر محتمل است."

در عوض واروفاکیس تقسیم اقتصادی قاره با پیامدهای دامنه دار را پیش بینی می کند: "در حالی که در شمال اروپا تورم منفی لشکر کارگران فقیر را بزرگتر می کند، در جنوب تورم بیداد کرده و بیکاری بیشتر را در پی می کشد. در امتداد خط تمایزی که اروپا را تقسیم خواهد کرد، فقط هیولاهای سیاسی می توانند بخزند."

آلترناتیو این سناریو، مبارزه برای یک اروپای دموکراتیک است و واروفاکیس در این باره به هیچ عنوان ساده اندیش نیست. او می گوید: "این امر ساده نخواهد بود، اما ارزش تلاش را دارد."

همچنین سلاویو ژیزک (Slavoj Žižek)، فیلسوف، بریتانیاییها را فراخوانده است به باقی ماندن در اتحادیه اروپا رای دهند. او نوشت: "من علاقه ای به نوشتن نامه عاشقانه به افکار عمومی بریتانیا که در آن پیامی احساساتی با مضمون "لطفا در اتحادیه بمانید" نوشته شده باشد ندارم. آنچه که توجه مرا جلب می کند، تنها این پرسش است که اروپا در حال حاضر در دور باطل اضرار نادرست گرفتار شده و در حال نوسان بین تسلیم به سرمایه بزرگ از یکطرف و تسلیم به پوپولیسم ضد مهاجر از طرف دیگر است. کدام سیاست امکان خروج ما از این رقص دیوانه وار را فراهم می کند؟"

من بر این باور می مانم که تنها امید ما رویکرد فراملیتی است، تنها اینگونه است که برای محدود کردن سرمایه داری جهانی بختی خواهیم داشت. دولت - ملت ابزار مناسبی برای رویارویی با بحران مهاجرت، افزایش دمای جهانی و دیگر مشکلات به واقع مبرم نیست. بنابراین به جای مبارزه با یوروکراتها به نمایندگی از منافع ملی، باید تلاش کنیم یک چپ فراگیر اروپایی سازمان دهیم و به خاطر امید ناچیز به همین امر است که می گویم: علیه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا رای دهید، اما این رای را همچون یک مسیحی مومن دهید که از یک گناه حمایت می کند در حالی که در پنهان بدان لعنت می فرستد. با راست پوپولیست رقابت نکنید، به آنها اجازه ندهید شرایط نبرد را تعیین کنند. سوسیالیسم ملی راه درستی برای مبارزه با تهدید ناسیونال سوسیالیسم نیست."

بخشی از بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

پیرامون هجوم وحشیانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به نیروهای پیشمرگه

به استحضار توده های مردم کردستان و دلسوزان ملت کرد می رسانیم که در راستای پیام نوروزی حزب دمکرات کردستان ایران و برنامه ها و اهداف حزب مبنی بر حضور گسترده و فعال کادرها و پیشمرگان در میان مردم کردستان، تیمی از پیشمرگه های حزب که به منظور انجام وظایف تشکیلاتی - تبلیغاتی خویش در منطقه اشنویه و در روستای "قرهسقل" حضور داشتند، روز چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۵ برابر با ۱۵ ژوئن ۲۰۱۶ میلادی، مورد محاصره و هجوم عده ی کثیر از نیروهای رژیم - که به انواع سلاحهای سنگین و سبک مجهز بودند- قرار گرفتند.

پیشمرگه های حزب در برابر این هجوم نیروهای پر شمار رژیم، به دفاع از خود پرداخته و طی مبارزه ای قهرمانانه و درخور

نام پیشمرگه های دمکرات توانستند شمار چشمگیری از فرماندهان و پاسداران عالی رتبه و مزدوران رژیم را کشته و ضربه سهمگین و مهلکی بر پیکره ی آنان وارد کنند که خود رژیم بهتر از هر کس دیگری از شمار این کشته شدگان و مجروحان مطلع است.

با این حال نیز دستگاههای تبلیغاتی رژیم با تحریف واقعیتها کوشیدند تا سنگینی ضربات وارده و هراس خویش از نیروهای پیشمرگه ی حزب دمکرات را پنهان نمایند و برای ایجاد رعب و وحشت در

میان مردم، منازل مسکونی ساکنان روستای "قرهسقل" را به گونه ای وحشیانه آماج توپ و خمپاره قرار داده و به آتش کشیده و تخریب نمودند که این امر بیانگر هراس رژیم از وجود ارتباط عمیق میان مردم و پیشمرگه ها می باشد. دفاع قهرمانانه و حماسه آفرین پیشمرگه های دمکرات در این درگیری، با شهادت تعدادی از نیروهای پیشمرگه همراه بود که برگ زرین دیگری را به دفتر مقاومت و ایثار فرزندان قهرمان ملت کرد و جنبش کردستان افزود.

اسامی شهیدان درگیری اخیر در روستای "قرهسقل" عبارتند از:

۱- کمال خضری ۲- محمدخالد پیغامی ۳- لقمان شیخانی ۴- جمال اسماعیلی ۵- صلاح نادری ۶- سید عمر حسینی، که از پیشمرگه های دیرین حزب و ساکن کشور سوئد بوده که به قصد دیدار با آشنایانش همراه با تیم مذکور عازم اشنویه شده بود. علاوه بر این، ظن آن می رود که یکی از این نفرات به صورت زخمی به دست نیروهای ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران افتاده باشد که در این صورت مسئولیت حفظ جان او بر عهده ی رژیم جمهوری اسلامی ایران می باشد. درود بر روان پاک این شهیدان سرافرازمان.

در پایان بیانیه آمده است؛

درود بر روان پاک این شهیدان و تمامی شهیدان راه رهایی کردستان

پاینده باد مبارزات ملت کرد در راه آزادی و رهایی

مرگ و نابودی از آن رژیم ضد خلقی و آزادی ستیز جمهوری اسلامی ایران و مزدوران آن

حزب دمکرات کردستان ایران، دفتر سیاسی

۲۹ خرداد ۱۳۹۵ خورشیدی - ۱۸ ژوئن ۲۰۱۶ میلادی



جوانانی که از زندان آزاد می شوند!

شغله پاکروان

مادرانه را این بار فرشته اسانلو برگزار کرد. دلمان گرفته بود برای جوانانی که از زندان آزاد می شوند با وثیقه های سنگین. تا چند روز بعد از بازگشت به خانه را خوب و خوش به دیدار دوستان و اقوام و آشنایان می گذرانند. بعد از آن تازه، زندگی را می بینند. بیکاری و مشکلات معیشتی. بگذارید کمی موضوع را بشکافیم:

امید علیشناس، فرزند سیمین، مهندس عمران است. به دلیل فعالیت برای کودکان کار، به ده سال زندان محکوم شده است! چند ماهی است با وثیقه ی چند صد میلیونی از زندان بیرون آمده. اما هم چنان بیکار است.



ماهها قبل وقتی آرش صادقی و گلرخ عزیزم به خانه ام آمده بودند از او پرسیدم شغلت چیست؟ گفت بیکارم. گفتم مسلم است که کار دولتی برایت پیدا نمی شود. اما مثلاً یک کسب و کار یا مغازه ای برای فروش اجناسی به مردم چه؟ گفت برای کسب و کار باید چند ماه پشت سر هم کار کرد تا به سوددهی برسد. گفتم بله. گفت از کجا می دانیم که چقدر دیگر آزاد هستیم؟ هر لحظه ممکن است حکم جدید بیاید و مجبور باشیم برگردیم زندان. نکته را گرفتید؟ حتی نمی دانند تا کی آزادند تا بر مبنای آن شغلی پیدا کنند! بر همین مبناست حال و روز آنها دائمی و فرقدانی و بقیه آزاد شدگان با وثیقه های سنگین.

بگذریم از این که آن قدر کتک می خورند از بازجوها که از نظر جسمی

توانایی کارهای سنگین و کارگری را هم از دست می دهند. آرش با دنده های شکسته و کتف در رفته ماهها بدون درمان ماند. آیا اگر ستار به خانه باز می گشت، هم چنان می توانست با بدن له شده و استخوانهای شکسته کار کند تا دست گوهر بی نظیر را بگیرد و ببرد مشهد و نیشابور؟ یا باید در گوشه ی خانه می افتاد و تیر کشیدن جای کتکها و شکستگی استخوانهایش را می شمرد؟

اعضای مادرانه دلشان گرفت؛ برای فرزندان که تحت فشار مشکلات معیشتی و بیکاری هستند. فرض کنید امید هم مجرد نبود و زن و بچه ای داشت. باید چه می کرد؟ بدای چه باید بکند با زن و دو بچه ی خردسال و صدها زندانی دیگر؟ مسلماً وقتی فردی مبارز یا متفکر، درگیر بیکاری و مشکلات ناشی از آن شود، امکان عقب نشینی از آرمانهایش وجود دارد. هر چند نامهای مذکور در بالا، با مناعت طبع و قناعت ذات، با جدیت به دنبال آرمانهای خود در حرکتند. قرار شد همه مان فکرایمان را بکنیم و پیشنهادهای برای انتخاب راه حل و عملی کردنش مطرح کنیم. امیدواریم با یافتن یاران همراه، قدمی در حل این مسأله برداریم.

تولد حوری گلستانی بود و کیک شکلاتی روی میز آمد. یکی دوتا عکس انداختیم از دعای حوری و آرزوهای خوبش برای ملت ایران و جوانان عزیزمان. اما اخم صورتها را پر کرد با تلفنی که مریم کریم بیگی به مادرش زد. صدای مزاحمت مردانی که غروب چهارشنبه در لباس مأمور پست، دستشان را روی زنگ خانه گذاشته و اعصاب این دختر جوان را بهم ریخته بودند. دختری که بار گران یافتن جسد خونین مصطفای شهناز را بر دوش کشید اما خرد نشد. به اتفاق شهناز به خانه اش رفتیم و مریم را در آغوش گرفتیم تا بداند در هر شرایطی، کنار یکدیگریم. زنجیر بافته شده از بند ناف نخواهد گذاشت تا دختر یا پسرانمان احساس تنهایی کنند، حتی اگر در خانه تنها باشند.

مادرانه، مصمم است تا آن مأمور بی ادب و قلبی اداره پست را یافته و گوشمالی دهد. تا بداند حق نزدیک شدن به فرزندانمان را ندارد. از همکارانش در اداره پست یا هر نهاد دیگری می خواهیم تا این کارمند خاطی و بی ادب را معرفی

کند. به همه ی کارمندان و مأموران ادارات پست یا آب و برق و گاز و تلفن نیز اکیداً هشدار می دهیم که به هیچ عنوان در غیاب مادر، به خانه ها و فرزندانمان نزدیک نشوند.

مادرانه این بار امتحان اخم و لبخند بود و آغوشی باز برای مریم کریم بیگی. هم چنان که آغوشمان باز است برای زنان کارگر و معلم. صمیمانه دست این مادران را می فشاریم و از همراهی شان انرژی می گیریم. درگذشت مادری سالمند در غیاب فرزند زندانی اش نکته یی مهم بود که توجه مهمانان مادرانه را به خود جلب کرده بود. بازجو و مأموران مربوطه که خود را خدا می دانند برای درهم شکستن عبدالفتاح سلطانی دست به حرکت زشتی زدند. حکم آزادی با وثیقه چند صد میلیونی را درست بعد از مرگ مادر امضا کرده و به او ابلاغ کردند. تا وداع آخر را از پسر زندانی دریغ کنند. این چیزی جز عدم پایداری مسئولان مربوطه به روابط عاطفی عمیق خانوادگی را نشان نمی دهد.

پ. ن: حکم ۱۶ سال زندان برای نرگس محمدی و ۳۹ سال برای گلپور تعجب بسیاری از مردم را برانگیخته و این ذهنیت را تقویت می کند که یکی از انگیزه های احکام عجیب و غریب بستگی اساسی به تعیین وثیقه های عجیب و غریب دارد. توجه شما را به جمع کل وثیقه های موجود جلب می کنم. دولت و قوه قضاییه، هزاران میلیارد تومان اموال مردم را گروگان گرفته اند. تا محکومان به احکام عجیب و غریب به خانه بازگردند.
منبع: فیس بوک شعله پاکروان

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

شورای اسلامی پاکستان: مردان در صورت نیاز زنان خود را بزنند



بی بی سی، ۶ خرداد - شورای ایدئولوژی اسلامی پاکستان پیشنهادهایی به مجالس ایالتی این کشور داده که طبق آن شوهران به طور قانونی حق داشته باشند در صورت نیاز، زنان خود را بزنند. این شورا به دولت و مجلس پاکستان در مورد مسایل دینی مشورت می دهد.

یکی از این پیشنهادها، دادن اجازه به شوهران برای زدن "ملايم" زن در صورت عدم تایید نحوه پوشش، ارتباط برقرار کردن با غریبه ها، و عدم تمکین به برقراری رابطه جنسی بدون توجیه مذهبی است.

شورای ایدئولوژی اسلامی پاکستان همچنین به دنبال آن است تا جلوی مدارس مختلط را بگیرد و همچنین مانع از آن شود که زنان و مردان در بیمارستانها و اداره ها با هم کار کنند.

این شورا گفته است زنان نباید با افراد "نامحرم" تماس بگیرند و موسیقی، رقص و مجسمه سازی باید ممنوع شود.

شماری از فعالان حقوق بشر و حقوق زنان این پیشنهادها را خلاف قانون اساسی پاکستان خوانده و از آن انتقاد کرده اند.

بیکاری بالای ۴۰ درصدی زنان دارای تحصیلات دانشگاهی

ایلنا، ۱۵ خرداد - معاون روحانی در امور زنان و خانواده گفت: "با آمار بیکاری بالای ۴۰ درصد در میان زنان با تحصیلات دانشگاهی رو به رو هستیم."

شهیندخت مولوردی تصریح کرد: "اکنون مهمترین چالش اقتصادی ما معضل بیکاری است که معادلات پیچیده ای را برای دولتمردان و دولت زنان به وجود آورده است، به ویژه در خصوص دختران فارغ التحصیل و زنان سرپرست خانوار معضل به چشم می خورد."

وی با بیان این که با بیکاری بالای ۴۰ درصد در میان زنان دارای تحصیلات دانشگاهی رو به رو هستیم گفت: "در دهه های اخیر به واسطه رشد تحصیلات دانشگاهی دختران نمره قابل قبولی گرفته ایم، اما در زمینه تبدیل این دانش آموختگان به نیروی انسانی هنوز نتوانسته ایم موفق باشیم."

خاخام اورشلیم دوچرخه سواری دختران بالای ۵ سال را ممنوع کرد

خبرگزاری آریا، ۱۵ خرداد - خاخام "نهلوت" در اورشلیم نشستن دختران روی زین دوچرخه را غیر شرعی اعلام کرد.



رئیس گروه یهودیان "حریدیم" - که یهودیان متعصب هستند - دختران بالای ۵ سال را از دوچرخه سواری منع کرد و آن را دور از شان آنها دانست.

فتوای اخیر خاخام نهلوت در قدس در راستای اعمال

محدودیت‌های بیشتر برای زنان در اسرائیل از سوی یهودیان متعصب صادر شده است.

این خاخام در توجیه فتوای جدید خود گفته است که دوچرخه سواری زینهای بسیاری برای دختران دارد چرا که نحوه نشستن آنها روی زین دوچرخه ممکن است مردان را تحریک کند.

این خاخام افزود: "به پدران گوشزد کرده ایم که باید مانع دوچرخه سواری دختران بالای پنج سال خود شوند و به آنها بگویند که نحوه نشستن شان روی زین دوچرخه، غیرشرعی است."

گفتنی است یهودیان حریدیم در شهر "بنی براک" در دسامبر گذشته خواستار جلوگیری از ورود دختران به مراکز تحصیلات تکمیلی شده بودند. آنها بر این باورند که این قبیل مراکز، علوم دنیوی خطرناکی را به دختران آموزش می دهند. این گروه از یهودیان متعصب پیش از این نیز تلاشهای بسیاری برای جلوگیری از ورود اینترنت به جمع یهودیان و منع استفاده از تلفنهای هوشمند کرده بودند.

هیلاری کلینتون: نامزدی یک زن، یک نقطه عطف در تاریخ آمریکا است



صدای آمریکا/ رادیو فردا، ۱۹ خرداد - هیلاری کلینتون، وزیر خارجه سابق آمریکا با کسب پیروزی در رقابتهای درون حزبی چند ایالت دیگر آمریکا نامزد احتمالی حزب دموکرات شد.

بانوی اول سابق آمریکا، اولین زن در تاریخ آمریکا شد که نامزد یکی از دو حزب اصلی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می شود. قرار است تیرماه، دو حزب دموکرات و جمهوریخواه نامزدهای رسمی خود برای انتخابات را اعلام کنند که احتمالاً کلینتون ترامپ خواهند بود.

هیلا ری کلینتون در ایالت کالیفرنیا به پیروزی قاطع رسید و حدود ۵۶ درصد آرا را از آن خود کرد. اهمیت کالیفرنیا به خاطر ۴۷۵ نماینده انتخاباتی یا "دلگیت" است که در نتیجه تعیین نامزد پیروز حزب دموکرات تاثیر مهمی دارد. هیلا ری کلینتون پس از این پیروزی در یک سخنرانی در جمع هوادارانش گفت: "ما به یک نقطه عطف رسیده ایم و برای نخستین بار در تاریخ آمریکا، یک زن نامزد یک حزب اصلی می شود." کلینتون همچنین از برنی سندرز، رقیب خود نیز تشکر کرده و به وی به دلیل راه انداختن "کارزاری فوق العاده" تبریک گفت. او گفت: "معتقدیم که در کنار هم قوی تر هستیم. در انتخابات آتی چالشهای زیادی پیش رو داریم و انتخاب نیز واضح و مشخص است."

انتقاد به عکسهای باحجاب زنان عضو هیات اقتصادی آلمان در سفر به ایران

دوپیچه وله، ۲۱ خرداد - انتشار بروشور تبلیغی سفر یک هیات اقتصادی آلمان به ایران با گذشت یک هفته از پایان این سفر در آلمان بحث برانگیز شده است. هشت زن عضو این هیات عکسهای شان را با حجابی کامل در این بروشور منتشر کرده اند.



این هیات صد نفره اقتصادی از سه ایالت "زاکسن"، "زاکسن آنهالت" و "مکلن بورگ - فورپومرن" آلمان در فاصله روزهای ۲۸ مه تا ۲ ژوئن (۹ تا ۱۳ خرداد) به تهران و اصفهان سفر کرد. در بروشور این هیات که در سایت اتاق بازرگانی آلمان منتشر شده، هشت زن از ۱۲ زن عضو آن روسری بر سر دارند.

روزنامه پرتیراژ "بیلد" آلمان، عکسهای زنان آلمانی باحجاب را باز نشر کرد و جنجال بر سر این موضوع به سرعت دامن زده شد. نماینده شهر لایپزیگ در مجلس آلمان از حزب دموکرات مسیحی، "توماس فیست"، به روزنامه "بیلد" گفت: "این کار مثل دوستی خاله خرسه با زنان ایران بود."

مجله فمینیستی "اما" نیز در مقاله ای این اقدام اتاق بازرگانی ایران و آلمان و زنان آلمانی را مورد انتقاد قرار داد و نوشت با توجه به برداشته شدن تحریمهای ایران، این کشور مقصد مطبوعی برای تاجران و سیاستمداران شده است. در این مقاله به سفر "کلودیا روت"، عضو حزب سبزه‌های آلمان، به ایران با روسری نیز اشاره شده و در ادامه آمده است: "این اقدام سیاستمداران و صاحبان شرکتهای بزرگ آلمانی چه پیامی در خود دارد؟ آنها در ایران کارتهای ویزیت خود را که عکس شان با روسری بر آن چاپ شده پخش کرده و در حقیقت تاکید کرده اند که با حجاب اجباری هیچ مشکلی ندارند، نه بر روی کاغذ و نه در زندگی واقعی."

امام جمعه اصفهان: علت خشک شدن زاینده رود بی حجابی است

انتخاب، ۲۱ خرداد - آیت الله طباطبایی نژاد در خطبه های نماز جمعه اصفهان با انتقاد از دستگاه سانسور و فیلتر رژیم گفت: "بخشی از سایتها سفره نهار در ماه مبارک رمضان را پخش می کنند یا عکسهای بی حجاب خود را در سایتها منتشر می کنند. اگر شرکت مخابرات می تواند این افراد را شناسایی و دستگیر کند و این کار را صورت ندهد، خیانت کرده است. عکسهایی به دفتر من رسیده است که زنان در کنار زاینده رود خشک مثل اروپا عکس گرفته اند. همین کارها را می کنید رودخانه که خشک شد، بالا دست آن هم خشک می شود."

نماینده خامنه ای در ادامه سخنانش، مجوز آزار و حمله به زنان را صادر کرد و در این باره توضیح داد: "متأسفانه مردم ما و حزب اللهیهای ما گاه نسبت به گناهانی همچون سگ گردانی در جامعه حساسیت نشان نمی دهند، نسبت به راننده زن بدحجاب حساسیت نشان نمی دهند. اگر می ترسید، حزب الله نیستید. گاه در یک مغازه غذایی فروشی یک زن بدحجاب در کنار یک مرد کار می کند، باید مجوز این گونه مغازه ها را لغو کرد."

تغییر سرود ملی کانادا در دفاع از برابری زن و مرد

تی آر تی/ رسانه همیاری، ۲۸ خرداد - "جاستین ترادو" نخست وزیر کانادا که مدافع برابری زن و مرد است، این بار تغییراتی در سرود ملی کشور اعمال می کند



جمله "قلب تمامی پسرانت سرشار از حس حقیقی وطن دوستی است" به "قلب همه مان سرشار از حس حقیقی وطن دوستی است" تغییر یافت.

اوایل ماه مه لایحه ای توسط "ماریل بلانگر"، نماینده مستقل مجلس عوام کانادا، به این مجلس تقدیم شد که در آن تغییر بخشی از سرود ملی کانادا (O Canada) که به جنسیت مردانه اشاره می کند، درخواست شده بود. او در دفاع

از طرح این لایحه گفت: "ما کشورمان و همه مردم آن را دوست داریم. سرود ملی مان برای ما مهم است و می خواهیم به طور واضح شامل همه کاناداییها شود."

این پیشنهاد با مخالفت نمایندگان محافظه کار مجلس عوام مواجه شد. "لری مگوایر"، نماینده محافظه کار "مانیتوبا"، در سخنانی این اقدام را به "بازکردن جعبه پاندورا" تشبیه کرد و گفت: "چنین کاری می تواند زمینه ساز تغییرات آتی در نمادهای دیگر کانادا شده و بحران هویتی پدید آورد."

اکنون طرح مزبور با ۲۲۵ رای موافق در برابر ۷۴ رای مخالف به تصویب رسیده است. سرود ملی کانادا همراه با جشنهای پانزدهمین سالگرد استقلال، با شعر جدید خوانده خواهد شد.

منتشر شد



زیر محک زمان

قطعه نامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا (۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن
برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/ France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو

هزینه پستی ۲ یورو

چالشهای معلمان در خرداد ماه

فرنگیس بایقره



اسماعیل عبدی چند روز پس از آزادی با وثیقه، راهی بیمارستان شد

حقوق معلم و کارگر، ۱ خرداد - اسماعیل عبدی، دبیر کل کانون صنفی معلمان ایران، که به تازگی پس از اعتصاب غذای ۱۶ روزه با قرار وثیقه آزاد شده است، به دلیل عفونت و خونریزی کلیه ها در کرج به بیمارستان مراجعه کرد. پزشکان پس از بررسیهای اولیه و مداوا در بیمارستان کرج اعلام داشتند که کلیه راست او هیدرونفروز و هیدروپورتر داشته و یک سنگ شش میلیمتری نیز در آن مشاهده گردیده. پزشکان به وی تاکید کردند می بایست برای ادامه معالجات تخصصی به بیمارستان هاشمی نژاد تهران مراجعه نماید.

افزایش حقوق سَم و زیان است

ایلنا، ۲ خرداد - معاون سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در واکنش به خواست افزایش حقوق معلمان گفت: "از مطبوعات و رسانه ها می خواهیم که توضیح دهند مهمترین کاری که دولتها باید انجام دهند، کنترل هزینه ها و قیمتهاست و افزایش پرداختها بدون اینکه بخش مالیات و درآمدهای مالیاتی افزایش یابد، برای دولتها و مردم (دستمزد بگیران، حقوق بگیران و بازنشستگان) سَم و زیان است. مردم باید از ما بخواهند که هزینه بدون درآمد ایجاد نکنیم و ما این سیاست را پیش می گیریم."

محمد رضا واعظ مهدوی در پاسخ به این سوال که آیا میانگین دریافتی فرهنگیان و معلمان را کافی می دانید؟ گفت: "مهم این است که ما چه چیز را کافی تلقی می کنیم. طبیعتا ما باید سعی کنیم که حقوق و دستمزد را به هر حال به سطحی برسانیم که زندگی مرفهی را فراهم کنیم." وی افزود: "همه دستمزد بگیران می خواهند که حقوق و دستمزد بهتری را داشته باشند، اما مهم این است که امکانات، توان مالی و پرداخت دولت چقدر است؟ و باید این موارد با یکدیگر تطبیق داده شود."

تجمع دانش آموزان در اعتراض به سخت بودن سوالات امتحان نهایی



بی بی سی، ۵ خرداد - در شیراز تعدادی از دانش آموزان سال سوم دبیرستان، در اعتراض به سخت بودن امتحان نهایی درس زبان فارسی در مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان فارس در شیراز تجمع کرده اند.

یکی از دانش آموزان در پیامی که برای بی بی سی فارسی فرستاده نوشته "منبع اصلی امتحان نهایی کتاب درسی است" و ادامه داده: "امتحان نهایی چون سراسری است باید در سطحی باشد که ضعیف ترین افراد هم بتوانند حداقل نمره

۱۰ بگیرند. ولی این امتحان طوری بود که تازه قوی ترین افراد توانستند ۱۰ بگیرند."

در برخی از شبکه های اجتماعی مانند اینستاگرام هم اعتراضهایی با هشتگهای "اعتراض" و "امتحان نهایی" صورت گرفته است.

بر اساس برخی دیگر از گزارشها، در روزهای گذشته در تهران و چند شهر دیگر مثل مشهد و ایلام نیز تعدادی از دانش آموزان سال سوم دبیرستان در اعتراض به سخت بودن سوالات امتحانات نهایی تجمعاتی را برگزار کرده اند. به گفته آنها سوالات درسهایی چون شیمی و ریاضی خارج از کتب درسی بوده است.

مسئولان می گویند که سوالات در چارچوب کتابهای درسی بوده اما قول رسیدگی داده اند. عبدالرسول عمادی، رییس مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش، به خبرگزاری فارس گفته است: "از نظر ما، امتحانات سخت نیست و از محتوای کتابی است که دانش آموزان در طول سال آن را خواندند." وی یک دلیل اعتراضات اخیر را این دانسته که "امکان اطلاع رسانی و هماهنگ کردن برای اعتراض در فضای مجازی به راحتی فراهم شده است."



مراسم معارفه رییس جدید در دهلران برهم زده شد

باشگاه خبرنگاران جوان / ایرنا، ۵ خرداد - تعدادی از مردم و فرهنگیان دهلران در اعتراض به برکناری مدیر آموزش و پرورش این شهرستان، در محل این اداره تجمع کرده و خواستار لغو آن از سوی مدیرکل آموزش و پرورش استان شدند.

معترضان به این حکم معتقدند اکنون که دانش آموزان و فرزندان شان در وسط فصل امتحانات قرار دارند، این تغییر مدیریت بر روند برگزاری امتحانات تاثیر منفی خواهد داشت. شنیده ها حاکیست عبدالکرم محمدی، مدیر برکنار شده، پیش از این به عنوان مدیر دفتر نماینده پیشین دهلران در مجلس بوده و با راه نیافتن مجدد این نماینده به مجلس، بلافاصله از سمتش عزل گردیده است. به همین منظور یکی از معاونان مدیرکل آموزش و پرورش استان که حامل حکم تودیع و معارفه مدیران آموزش و پرورش دهلران بود، به همراه نماینده فرماندار دهلران در میان تجمع کنندگان حاضر شده و با ابراز سخنانی آنها را به تمکین از موضوع دعوت کرد.

به گزارش ایرنا، تلاش معاون آموزش و پرورش استان ایلام و فرماندار دهلران برای قانع کردن مخالفان و برگزاری مراسم نتیجه نداد و در نتیجه این مراسم آغاز نشده، پایان یافت.

محمود بهشتی لنگرودی، پس از ۶ روز از بیمارستان ترخیص شد

حقوق معلم و کارگر، ۱۱ خرداد - محمود بهشتی لنگرودی، معلم و فعال صنفی، که از چهارشنبه گذشته به تشخیص پزشکان بیمارستان طالقانی به دلیل عارضه مشکوک به خونریزی معده (ملنا)، ناشی از اعتصاب غذای ۲۳ روزه در این بیمارستان بستری شده بود، پس از حدود یک هفته معالجات پزشکی و استفاده از داروهای متعدد، امروز با رضایت شخصی از بیمارستان طالقانی ترخیص شد.



محمود بهشتی لنگرودی، به واسطه سه حکم مجزا که توسط قضات دادگاه انقلاب اسلامی، صلواتی و مقیسه صادر شده بود، به ۱۴ سال زندان محکوم شد و از بدو اجرای حکم در شهریور ۹۴ تا کنون چهار بار اقدام به اعتصاب غذا کرده است.

این معلم و فعال صنفی که از ابتدای اردیبهشت در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده بود، در تاریخ ۲۳ اردیبهشت، پس از ۱۳ روز اعتصاب غذای تر و ۱۰ روز اعتصاب غذای خشک متعاقب آن، از بیمارستان روانه منزل شد.

خواسته محمود بهشتی لنگرودی برگزاری دادگاه علنی و با حضور هیات منصفه طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی است.

دادگاه تجدید نظر اسماعیل عبدی به زودی برگزار می شود

حقوق معلم و کارگر، ۱۱ خرداد - اسماعیل عبدی، دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، روز چهارشنبه ۱۲ خرداد ماه در دادگاه تجدید نظر حاضر خواهد شد.

بنابر گزارش رسیده، اسماعیل عبدی، به همراه وکیل خود، سمانه اسد خانی، پیرو اعتراض به حکم شش سال حبس که در دادگاه بدوی دهم بهمن ۹۴ به ریاست قاضی صلواتی برای ایشان صادر شده بود، می بایست ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه دوازدهم خرداد ماه در شعبه ۳۶ تجدید نظر دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی قمی زاده شرکت کند. پیش از این در مورخه ۲۵ اردیبهشت ماه و پس از ۱۶ روز اعتصاب غذا، قرار بازداشت اسماعیل عبدی با نظر مساعد قاضی قمی زاده در شعبه ۳۶ تجدید نظر به وثیقه سیصد میلیون تومانی تبدیل و وی پس از ۳۲۲ روز بازداشت موقت آزاد شد. امید است که قاضی محترم دادگاه نسبت به حکم صادره باز هم نظر مساعد داشته و خانواده، پدر و مادر اسماعیل عبدی و جامعه بزرگ معلمان کشور را از نگرانی در آورد.

دیدار جمعی از معلمان خراسان رضوی با رسول بداقی

حقوق معلم و کارگر، ۱۵ خرداد - جمعی از معلمان خراسان رضوی به دیدار رسول بداقی در اسلامشهر رفتند.

این معلمان هدف از این دیدار را تقدیر از رسول بداقی که نزدیک به ۷ سال از عمر خود را تنها به جرم دفاع از حقوق معلمان و دانش آموزان در زندان گذرانده است، عنوان کردند. در این دیدار، یک دستگاه خودرو پراید، هدایی جمعی از معلمان خراسان رضوی، تقدیم رسول بداقی شد. در روزها و هفته های گذشته تعداد زیادی از معلمان و فعالان صنفی سراسر کشور از رسول بداقی و خانواده او دیدار کرده اند.



تجمع بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش مقابل دیوان اداری

فرهنگیان نیوز، ۱۹ خرداد - تجمع بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش در برابر دیوان عدالت اداری راس ساعت ۱۰ روز چهارشنبه ۱۹ خرداد شروع و در ساعت ۱۴ پایان یافت. در این تجمع اعتراضی بیش از یکصد معلم بازنشسته از تهران کرج و کرمانشاه مشارکت داشتند.

بازنشستگان در این تجمع با حمل پلاکاردهایی خواستار همسان سازی حقوق شان با بازنشستگان سایر نهادها، همچنین وضعیت منزلت، معیشت و اجرای ماده ۱۲۵ بودند.



شعارهایی که روی پلاکاردها توسط معلمان بازنشسته حمل می شد دارای مضامینی چون "خط فقر ۳ میلیون، حقوق ما یک میلیون"، "معیشت و منزلت حق مسلم ماست"، "بیمه رایگان برای بازنشستگان"، "خیانت نوبخت حمایت دیوان" و ... بود. در ادامه ی این کنش میدانی و تجمع اعتراضی، به دعوت مسوولان، سه نماینده از معترضان جهت مذاکره با آنها وارد ساختمان دیوان عدالت اداری شدند و با گذشت ساعاتی به میان حاضران برگشتند و از مذاکرات شان گزارشی ارایه و عنوان کردند راه حل اصلی اجرایی شدن ماده ۱۲۵ و از سه طریق قابل بررسی می باشد.

تجمع خانواده ها در شیراز در اعتراض به شهریه اجباری

شیرازه، ۲۵ خرداد - جمعی از اولیا دانش آموزان محله کوشکک به همراه فرزندان خود در مقابل فرمانداری شیراز تجمع کردند.

پدر و مادرانی که در گرمای تابستان مقابل فرمانداری ایستاده بودند، نسبت به دریافت شهریه و مبالغ دیگر به عنوان کمک به مدرسه و نبود امکانات و اطلاعیه مدیر مدرسه مبنی بر اینکه دانش آموزان مقاطع سوم تا ششم باید در مدرسه اقبال آباد ثبت نام شوند، اعتراض داشتند.



اولیا دانش آموزان می گفتند: "وقتی اعلام می کنند که تحصیل تا متوسطه رایگان است، چرا برای ثبت نام دانش آموزان شهریه می گیرند؟ مدیر مدرسه تا پول شهریه را نگیرد دانش آموزان ما را ثبت نام نمی کند، اما وقتی اعتراض می کنیم که چرا مبالغی که به عنوان کمک به مدرسه می گیرید خرج خود مدرسه نمی شود، پاسخی نمی دهد و می گوید اگر ناراضی هستید خودتان به بچه های تان درس بدهید و مدرسه نیاوردید."

آنها تاکید داشتند: "مبالغی از ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان از ما به عنوان شهریه و کمک به مدرسه می گیرند، اما هیچ امکاناتی در اختیار فرزندان ما قرار نمی دهند. مدرسه سیستم سرمایشی و گرمایشی ندارد، حتی یک آب سرد کن هم ندارد و بچه های ما از خانه آب خنک به مدرسه شان می برند." یکی از مادران از همسر کارگرس و توان مالی که نداشت و زندگی مستاجری اش می گفت و از فرزندى که مجبور است روپوش مدرسه بخرد، اما نمی تواند و اجازه پوشیدن روپوش سال قبلش را هم ندارد.

راه اندازی بیمارستان مخصوص ترک اعتیاد دانش آموزان

خبرگزاری هرانا، ۲۹ خرداد - دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان تهران از راه اندازی بیمارستان ترک اعتیاد دانش آموزان خبر داد و گفت که بخشی از بیمارستان امام حسین به این کار اختصاص یافته است. حمدرضا آذرنیا توضیح داد: "با هماهنگی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، بخشی از بیمارستان امام حسین در میدان امام حسین برای درمان دانش آموزان معتاد در نظر گرفته شده است." وی در مورد تعداد دانش آموزان معتاد حاضر در بیمارستان گفت: "هنوز در مرحله شناسایی و غربالگری هستیم و موردی به بیمارستان ارجاع داده نشده است." وی ادامه داد: "باید غربالگری انجام شود تا مشخص گردد کدام دانش آموزان نیاز به حمایت های درمانی و کدامیک نیاز به حمایت های غیر درمانی از قبیل روانشناس و مددکار دارند." آذرنیا پیش از این نرخ شیوع اعتیاد در میان دانش آموزان را یک ونیم درصد اعلام کرده بود.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

اعتراض موفقیت آمیز دانشجویان نوشیروانی بابل

تحصن سه روزه دانشجویان دانشگاه نوشیروانی بابل، روز ۳۱ اردیبهشت پایان یافت و پیمانکار آشپزخانه جریمه شد. رییس دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل در این رابطه گفت: "برای بهتر شدن کیفیت غذای دانشجویی علاوه بر جریمه پیمانکار آشپزخانه این دانشگاه، تصمیم گرفته شد، یک مرکز بهداشتی از بیرون دانشگاه بر پخت، تهیه و توزیع غذا نظارت داشته باشد."

واثقی امیری گفت: "مشکل کیفیت غذای دانشجویان با جدیت پیگیری می شود و امیدواریم دانشجویان به این باور برسند که دانشگاه آماده است تا راه حل مناسبی بیابد." وی افزود: "اگرچه برخی کارشناسان معتقدند کرمی که در غذا دیده شده کرمی نیست که در داخل برنج یا مرغ پخته یافت شود، ولی اصلا در این بخش ورود نکردیم و حق را هم به دانشجویان می دهیم."

دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل به دنبال مشاهده کرم در یکی از سینیهای غذا، از گرفتن غذا و خوردن آن خودداری کرده و خواستار حل این مشکل شدند.

این دانشجویان که با گذشت سه روز از این اتفاق همچنان معترض بودند و استعفای معاون دانشگاه را خواستار شده بودند، بامداد روز اول خرداد پس از ۴ ساعت جلسه شبانه با نمایندگان دانشگاه به تحصن خود پایان دادند.

بر اساس توافق نمایندگان شورای صنفی رفاهی دانشجویان با نمایندگان دانشگاه مقرر شد نماینده این شورا بر امور سلف و آشپزخانه نظارت مستمر داشته باشد.

برگزاری جلسات مستمر و ماهانه با معاونان دانشگاه، توزیع وعده صبحانه برای همه دانشجویان مستقر در خوابگاه، تهیه ۱۵۰ وعده صبحانه برای دانشجویانی که در خوابگاه ساکن نیستند و توزیع وعده نهار گرم در روز نیز از دیگر موارد این توافق بود.

دانشگاه صنعتی بابل، شش هزار دانشجو، ۲۰۰ عضو هیات علمی و بیش از ۱۵۰ کارمند دارد. غذای این دانشگاه را یک شرکت بخش خصوصی تامین می کند. (جوان، ۱ خرداد)

تبدیل دانشگاه به هتل به علت کاهش دانشجو



رییس دانشگاه آزاد اسلامی خوزستان گفت: به دلیل کاهش تعداد دانشجویان، برخی ساختمانها در دانشگاه آزاد استان تغییر کاربری داده و دانشگاهها موظف به کسب درآمد از منابع غیرشهریه ای شده اند."

دکتر شهرام لک افزایش تعداد دانشگاهها و ظرفیت پذیرش را دلیل کاهش تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه خواند و آن را دارای پیامدهای منفی مختلف دانست.

وی با اشاره به تغییر کاربری برخی ساختمانهای این دانشگاه به دلیل کمبود دانشجو، گفت: "در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، مجتمع شهید سوداگر، که در گذشته خوابگاه دانشجویی بوده است، به هتل ورزش تغییر کاربری داده است."

وی ادامه داد: "با فرض ثابت ماندن تعداد کارکنان و اعضای هیات علمی، با توجه به کاهش تعداد دانشجویان، تصمیم بر تعریف منابع درآمدی جدید از محلهایی غیر از شهریه مانند فعالیت مراکز رشد، اجرای طرحهای اقتصادی دانش بنیان و فعالیتهای اقتصادی در شان دانشگاه است."

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی خوزستان تصریح کرد: "هدف گذاری امسال این است که ۲۰ درصد درآمدها از طریق منابع غیرشهریه ای تامین شود." (ایسنا، ۷ خرداد)



تاسیس رشته "خدای مسجد" در دانشگاه

طبق تفاهم نامه‌ای که میان دانشگاه علمی کاربردی و مرکز رسیدگی به امور مساجد امضا شده است، خدای که مدرک دیپلم دارند می توانند در رشته "خدمت در مسجد" تحصیلات خود را ادامه دهند.

طرح کرامت ویژه خادمان مساجد استان تهران با هدف ارتقای توان مهارتی خدام در مباحث بهداشت محیط در حالی اردیبهشت و خرداد ماه سال جاری پیگیری شد که آشنایی با بهداشت محیط

مسجد و آشپزخانه، بهداشت فردی در مسجد، ضد عفونی صحیح لوازم آبدارخانه و سرویسهای بهداشتی و شیوه اصولی مبارزه با حیوانات مودی از جمله موارد آموزشی بود که خدام مساجد با آن آشنا شدند و در نهایت گواهی دوره آموزشی بهداشت برای خادمان شرکت کننده صادر شد.

حجت الاسلام مزدجو، معاون ناحیه شهید مطهری، با بیان اینکه در بحث تحصیلات خدام در رشته خدمت مسجد تفاهم نامه ای میان دانشگاه علمی کاربردی و مرکز رسیدگی به امور مساجد بسته شده است، گفت: "خدای که دیپلم دارند می توانند در این رشته تحصیلات تکمیلی را ادامه دهند."

وی افزود: "امید است خدمتگذاری در خانه های خدا در سطح بهتری انجام شود، چرا که مساجد به عنوان مهمترین پایگاه انقلاب اسلامی شناخته می شوند." (خبرگزاری فارس، ۱۱ خرداد)

دادگاه اروپا درخواست لغو تحریم دانشگاه شریف را رد کرد

رئیس دانشگاه صنعتی شریف از مورد قبول واقع نشدن دادخواست این دانشگاه در دادگاه اروپا برای رفع تحریم خبر داد.

محمود فتوحی گفت: "بحث تحریم دانشگاه شریف بحث جدیدی نیست و از سال ۲۰۱۰ به دلایل مختلفی که صحت ندارد، این تحریم در خصوص دانشگاه شریف شروع شد."

وی افزود: "در جولای ۲۰۱۴ حکم دادگاه اروپا به نفع دانشگاه صنعتی شریف اعلام شد و اتحادیه اروپا به مدت دو ماه فرصت داشت که اعتراض خود را در رابطه با رای دادگاه اروپا اعلام کند که اعلام نکرد."

فتوحی گفت: "در نوامبر ۲۰۱۴ رای دادگاه اروپا به نفع دانشگاه قطعی شد، ولی به محض قطعیت رای دادگاه، در فاصله دو روز دوباره کشور وارد تحریم می شود و پس از آن باز به بهانه دیگری دانشگاه وارد تحریم جدید می شود."

وی افزود: دانشگاه پس از تحریم دوم دوباره اعتراض کرد که ظاهراً دادخواست دانشگاه مورد قبول دادگاه اروپا واقع نشده است و ما همچنان پیگیر این امر تا صدور رای هستیم."

دانشگاه شریف در دور نخست تحت تحریم خرید تجهیزات آزمایشگاهی قرار گرفت و در تحریم دوم دسترسی آن به پایگاه های علمی قطع شد. (خبرگزاری صداوسیما، ۱۳ خرداد)



بازار داغ پایان نامه نویسی / ثبت ۶۶ هزار پایان نامه در یکسال



پایگاه ثبت اطلاعات پایان نامه ها و رساله های تحصیلات تکمیلی کشور با انتشار آماری از ثبت ۶۶ هزار پایان نامه در سال ۹۴ خبر داد؛ آماری که در جای خود قابل تامل است.

۶۶ هزار و ۶۲۶ پایان نامه در سال ۹۴ در پایگاه ثبت اطلاعات پایان نامه ها و رساله های تحصیلات تکمیلی کشور در وب سایت پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایراندک) به ثبت رسید که از این میزان بیش از ۴۷ هزار پایان نامه توسط دانشگاهها تایید شده است.

در کنار انتشار این آمار، قطعا بر کسی پوشیده نیست که کم نیستند دانشجویانی که به دلایل مختلف نوشتن پایان نامه ارشد و دکتری خود را به دست بازار پایان نامه نویسی خیابان انقلاب می دهند، و این بازار را حتی در این روزها داغ می کنند. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۸ خرداد)

اعتراض نماینده مجلس به "قرتی بازی" در دانشگاه زاهدان

نماینده زاهدان به شادی و سرور دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان در یک جشنواره اعتراض کرد و با "قرتی بازی فرنگی" خواندن آن، خواستار برخورد با دانشجویان شد.

حسینعلی شهریاری گفت: "این مراسم به بهانه راه اندازی جشنواره اقوام در سالن فردوسی که بزرگترین و اصلی ترین سالن دانشگاه سیستان و بلوچستان است برگزار شد و متأسفانه صحنه هایی که شرم آور و توجیه ناپذیر بود." وی با بیان اینکه فیلم این من رسیده و من آن را دیده ام افزود: "در این مراسم عده ای شروع به رقصیدن می کنند، البته رقص آنها رقص محلی پذیر باشد، بلکه "قرتی بازی فرنگی" است." شهریاری اظهار هستیم تا رییس دانشگاه از مسافرت به خارج کشور بازگردد و جلسه ای را با حضور وی در خصوص برگزاری این مراسم شرم آور برگزار کنیم و امیدواریم رییس دانشگاه بتواند اقدامات لازم را در این زمینه به عمل بیاورد." وی تأکید کرد: "در صورتی که انجام اقدامات لازم از توان رییس دانشگاه خارج باشد، با وزیر علوم جلسه ای را برگزار می کنیم و مستندات مراسم مزبور را به وی ارائه می دهیم." (مجلس نیوز، ۱۸ خرداد)



سالن دانشگاه در آن اتفاق افتاد مراسم به دست از دانشجویان نیست که توجیه کرد: "منتظر

اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به تبعیض جنسیتی در خوابگاه

یک فعال دانشجویی از اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به قوانین انضباطی خوابگاه خبر داد. این فعال دانشجویی افزود: "اعتراض ما به تبعیض جنسیتی برای ورود و خروج دختران است که بسیار سختگیرانه اعمال می شود؛ در حالی که این سخت گیریها چیز نانوشته ای است و برای پسران چنین قوانینی لحاظ نمی شود."

وی با اشاره به بیانیه اعتراضی منتشر شده توسط خوابگاههای دخترانه دانشگاه تهران به بیان جزئیات اعتراض دانشجویان دختر این دانشگاه پرداخت و گفت: "خوابگاه دخترانه چمران حدود ۲ هزار و خوابگاه فاطمیه حدود ۳ هزار دانشجو دارد که اغلب این دانشجویان از تبعیض جنسیتی و قوانین غیرمنطقی خوابگاهها ناراضی هستند."

در بخشی از بیانیه دانشجویان آمده است: "زمانی که تنها برای دختران و زنان، قانونی مصوب و محدودیتی اعمال می کنید، سخن گفتن از تامین امنیت و سلامت توجیهی



بیش نیست، چرا که هر زن بر این اساس که از عقل و ادراکی برابر با همتایان مذکر خود بهره مند است، توان درک

موقعیت و تصمیم‌گیری در مورد امور مربوط به خود را دارد و دخالت بی دلیل خوابگاه و دانشگاه در زندگی شخصی وی، جز زیر سوال بردن استقلال، آزادی عمل و عزت نفس وی، نمی تواند هدفی در پی داشته باشد" (ایلنا، ۲۱ خرداد)

محرومیت از تحصیل ۷ دانشجو به اتهام شادی

پس از انتشار ویدیویی از شب دوم جشنواره اقوام در دانشگاه سیستان و بلوچستان که در آن چند تن از دانشجویان در حال رقص و پایکوبی دیده می شوند، اکنون اخبار رسیده از اعلام رای بدوی کمیته انضباطی این دانشگاه مبنی بر ۱۲ ترم محرومیت از تحصیل برای ۷ نفر از دانشجویان حکایت دارد.

براساس حکم کمیته انضباطی، ۵ نفر از این دانشجویان دو ترم دو تن دیگر یک ترم از تحصیل محروم شده اند. یکی از این دانشجویان که حکم دو ترم محرومیت از تحصیل برای وی صادر شده، دریافت رای کمیته انضباطی را تایید کرد. این دانشجو که خواست نامش فعلاً منتشر نشود درباره این حکم توضیح داد: "من کار خاصی انجام ندادم و حتماً به این رای اعتراض می کنم. امیدوارم که مسوولان دانشگاه چنین ظلمی در حق ما را تایید و نهبایی نکنند." وی در ادامه توضیح داد: "چرا قضیه ای به این سادگی را اینقدر بزرگ می کنند؟ نه آسیبی به جایی وارد شد و جلسه هم اصلاً مختلط نبود. دو ترم محرومیت از تحصیل برای ۵ دقیقه شادی ساده واقعا زور دارد." این دانشجو احکام صادره را بیش از ۱۲ ترم دانست و گفت حتی برای دو نفر از مجریان برنامه نیز حکم یک ترم محرومیت صادر شده است. (ایسنا، ۲۶ خرداد)

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

کارورزان سلامت

امید برهانی

فیشهای حقوقی ۷۰ تا ۹۰ میلیونی در وزارت بهداشت

ایلنا، ۱ خرداد - معاون رییس سازمان نظام پرستاری گفت، در وزارت بهداشت فیشهای حقوقی با رقمهای ۷۰ تا ۹۰ میلیونی بسیار عادی و معمولی است.

محمد شریف مقدم افزود: "گروههای جراحی شامل همه تخصصها نظیر ارتوپدی، مغز و اعصاب، قلب و اورولوژی اغلب فیشهای حقوقی ۷۰ تا ۹۰ میلیون تومانی دارند و البته فیشهای چند صد میلیونی مانند ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیونی هم هستند که البته تعدادشان زیاد نیست، اما به هر جهت وجود دارد و قابل توجه است." وی افزود: "در بیمارستانهای دولتی که پول آب، برق، تلفن و حقوق کارکنان را هم دولت پرداخت می کند، پزشکان علاوه بر اینکه چندین میلیون تومان حقوق ثابت دریافت می کنند؛ کارانه ای نیز می گیرند که رقمهای عجیب و غریب دارد، اما سیستم پرداختها در وزارت بهداشت به نوعی است که کسی به آن دسترسی ندارد." او افزود: "در حالیکه با کمبود منابع در کشور روبرو هستیم و حقوق کارگر زیر یک میلیون تومان تعریف می شود، پرداختیهایی میلیونی در وزارت بهداشت هیچ توجیهی ندارد." شریف مقدم اضافه کرد: "نمایندگان مجلس نیز باید بررسی کنند که اعتبار ۱۰ هزار میلیاردی که سال گذشته به وزارت بهداشت تزریق شده، چگونه هزینه شده است، در حالی که تغییر محسوسی در سیستم پزشکی و ارائه خدمات پزشکی و درمانی مشاهده نمی شود."

نماینده مجلس: مقایسه درآمد پزشکان و پرستاران ایجاد آشوب صنفی می کند

ایسنا، ۱۲ خرداد - نماینده کلیمیان در مجلس تاکید کرد: "مطرح کردن اختلاف درآمدی پزشکان و پرستاران ایجاد آشوب صنفی می کند."

سیامک مره صدق درباره مطرح شدن اختلاف درآمدی میان پزشکان و پرستاران بیان کرد: "مطرح کردن اختلاف درآمد، از آن حرفهای آسیب زاست، زیرا در دولت فعلی حقوق پرستاران بیش از بقیه اقشار افزایش پیدا کرده است. البته تفاوت درآمد از مدتها پیش بوده، آن هم به دلیل مسوولیت خاصی است که پزشکان دارند." وی تاکید کرد: "مقایسه درآمد دو قشر با هم، به جز این که ایجاد آشوب صنفی کند، هیچ فایده ای ندارد."

رئیس سازمان نظام پرستاری خواستار عزل وزیر بهداشت شد



سلامت نیوز، ۱۵ خرداد - رئیس کل سازمان نظام پرستاری کشور در نامه ای به روحانی از برخی سیاستها و رویکردهای اخیر وزارت بهداشت درباره پرستاران به شدت انتقاد کرد. دکتر علی محمد آدابی در این نامه نوشته است: "پزشک سالاری همواره بر وزارت بهداشت حاکم بوده، اما در چند سال اخیر این حرکتها پیچیده تر، سخت تر و قدرتمند تر شده است، به حدی که می توان گفت این ۳ ساله را باید «دوران استبداد سیاه نظام سلامت» برای پرستاری و مردم شریف و مظلوم کشور نامگذاری کرد."

رئیس سازمان نظام پرستاری در بخش دیگری از نامه خود نوشت: "تهدید، تفتیش، تحقیر، تبعید و شکایت غیرموجه اخیر وزارت از نماینده منتخب صنفی پرستاری به جرم افشاگری دریافتهای نجومی و چند ده میلیونی و چند صد میلیونی قاطبه پزشک سالار تنها چند مورد از اقدامات مذبحخانه ارباب زر و زور و تزویر حاکم بر وزارت بهداشت و درمان فعلی است."

رئیس بیمارستان آمل: استعفا می دهم تا شرمنده مردم و کارکنان نباشم



خبرگزاری فارس، ۲۴ خرداد - رئیس بیمارستان امام رضا آمل گفت: "در حال حاضر پرسنل درمانی اعم از پزشک و پرستار نزدیک به ۹ ماه است که مطالبات خود را دریافت نکرده اند و این امر ادامه آرایه خدمات در نظام سلامت را با مشکل جدی روبرو خواهد کرد." عباس قدیر ضمن تایید خبر استعفای خود از ریاست این بیمارستان گفت: "متأسفانه به دلیل مشکلات مالی توان آرایه خدمات به بیماران را نداریم، بیماران دیالیزی یا ام اس یا بیماران خاص بسیاری به این مراکز دولتی

برای گرفتن خدمات مراجعه می کنند که با توجه به بحران مالی نظام سلامت، آرایه این خدمات به صورت منظم و کامل میسر نیست و عملاً باعث نارضایتی بیماران شده و ما شرمنده آنها می شویم." وی ادامه داد: "دستگاه خراب می شود و نیاز به تعمیرات دارد، تجهیزات پزشکی و دارو نیاز داریم و بسیاری از خدمات ما وابسته شرکتها آرایه دهنده خدمات

دارویی و تجهیزات پزشکی است که این مراکز به دلیل بدهیهای بالا دیگر تمایلی برای همکاری با مراکز دولتی را ندارند." وی افزود: "بنده به دلیل مشکلات موجود از سمت خود استعفا دادم تا بیش از این شرمنده مردم و کادر بیمارستانم نباشم. اینکه بیماران با اجرای طرح تحول سلامت از خدمات ارزان استفاده کنند بسیار خوب است، اما مساله بدهیها، مراکز درمانی را به تعطیلی می کشاند و یک بنگاه ورشکسته نه برای مردم نفعی دارد و نه پزشک و نه نظام سلامت."

هشدار وزیر بهداشت درباره شکست طرح تحول سلامت + تکذیب

پایش / سلامت نیوز، ۲۶ خرداد - وزیر بهداشت در نامه ای به روحانی درباره شکست طرح تحول سلامت به دلیل تنگناهای شدید مالی هشدار داد. دکتر حسن قاضی زاده هاشمی در این نامه از بدهی سنگین دولت به بیمارستانها گلایه کرده و هشدار داده در صورت عدم تامین منابع مالی برای پرداخت مطالبات بیمارستانها، طرح تحول سلامت شکست خواهد خورد. وزیر بهداشت از روحانی خواسته است بدهی دولت از طریق برداشت از صندوق توسعه ملی پرداخت شود. در همین حال وزارت بهداشت با انتشار بیانیه ای ارسال چنین نامه ای را تکذیب کرد و آن را "فضا سازی رسانه ای" خواند.

وزارت بهداشت نوشت: "به طور معمول وزرا و مقامات مسوول دولتی نظرات و مطالبات خود را در طی جلسات هیات دولت و یا در مذاکرات خصوصی با رییس جمهور مطرح می نمایند لذا ارسال نامه ای با این مضمون و محتوا واقعیت ندارد." بیانیه مزبور با این حال می گوید: "گلایه همیشگی وزارت بهداشت همچنان پابرجاست که عدم تامین منابع مالی پایدار و تاخیر در پرداخت مطالبات بیمارستانها موجب تضعیف فرایند خدمت رسانی خواهد شد، ولی این وزارتخانه با استعانت از ایزد منان و اتخاذ تمهیدات لازم به تعهدات در این زمینه پایبند می باشد."

تحقیق و تفحص از طرح تحول سلامت به جریان افتاد

ایلنا، ۲۶ خرداد - طرح تحقیق و تفحص از نحوه اختصاص و توزیع منابع در طرح تحول سلامت که در روزهای پایانی مجلس نهم به هیات ریسه مجلس تقدیم شده بود و به دلیل نبود فرصت کافی در روزهای باقی مانده از عمر این مجلس از دستور کار خارج شد، سرانجام با پیگیری ۱۴ نماینده امضا کننده این طرح، دوباره در دستور کار قرار گرفت. طرح مزبور خواستار تحقیق در محورهای زیر است:

- ۱- بررسی نحوه توزیع اعتبارات طرح تحول سلامت بین "روستا و شهرها" و مناطق "برخوردار و محروم"
 - ۲- تطبیق پرداختی به پزشکان و دست اندرکاران بخش سلامت با قانون مدیریت خدمات کشوری
 - ۳- بررسی نحوه پرداخت حق الزحمه پزشکان و پرستاران بخش دولتی و عمومی قبل از اجرا و پس از اجرای طرح تحول سلامت.
 - ۴- گزارش اثربخشی مکانیزمهای کنترل مالی و اداری اعمال شده جهت اطمینان از تک شغله و تمام وقت بودن پزشکان پس از اجرای طرح تحول سلامت
 - ۵- گزارش نحوه و میزان برخورد با پزشکان متخلف و نتایج حاصله
 - ۶- بررسی میزان اعتبارات صرف شده جهت واردات دارو و تجهیزات پزشکی پس از اجرای طرح تحول سلامت و تطبیق آن با ابلاغ سیاستهای اقتصاد مقاومتی (مقایسه فعالیت واردکنندگان از سال ۹۰ تاکنون)
 - ۷- گزارش هزینه کرد از عملکرد یک درصد ارزش افزوده و هدفمندی یارانه ها به تفکیک حوزه "آموزش و پیشگیری و بهداشت" و حوزه "درمان"
- این طرح توسط نادر قاضی پور، علیرضا محبوب، محمدحسین فرهنگی، مجتبی ذوالنوری، احمد سالک، سهیلا جلودارزاده، زهرا سعیدی، عبدالرضا مصری، سیدحسین نقوی حسینی، محمداسماعیل سعیدی، محسن کوهکن، محمدرضا فولادگر و احمد امیرآبادی امضا شده است.

کارانه پزشکان و پرستاران مازندرانی ۸ ماه است که پرداخت نشده

ایسنا، ۲۶ خرداد - رییس دانشگاه علوم پزشکی مازندران از پرداخت نشدن شش تا هشت ماهه مطالبه کارانه پرستاران و پزشکان خبر داد.

قاسم جان بابایی گفت: "در پرداختی پزشکان شش تا هشت ماه تاخیر داریم و همین طور در پرداختیهای بیمارستانها تاخیر وجود دارد. اگر بیمه ها پرداختی را انجام دهند، می توانیم با فاصله دو تا سه ماه مبالغ به تاخیر افتاده را پرداخت کنیم، ولی با این وجود نیز شش ماه از منابع دانشگاه به پزشکان و پرستاران اختصاص دادیم." جان بابایی افزود: "دانشگاه علوم پزشکی ۳۰۰ میلیارد تومان از بیمه ها مطالبه دارد."

وی درباره واگذاری بخشهای درمانی به بخش خصوصی اظهار کرد: "در حال حاضر اورژانس بیمارستان امام رضای آمل به

بخش خصوصی واگذار شده و واگذاری بخش دیالیز بیمارستان بهشهر نیز مدنظر است."



وزیر بهداشت: افشای فیشهای حقوقی زشت و غیراسلامی است

خبرگزاری دانشجو، ۳۱ خرداد - سیدحسن قاضی زاده هاشمی در واکنش به انتشار فیشهای حقوقی نامتعارف گفت: "نباید این موضوع در

کشور دامن زده شود، زیرا مردم آگاه بوده و این موضوعات را مسایل سیاسی می دانند. اینکه فیش حقوقی افراد را با شماره ملی و مشخصات آنها منتشر می کنند بدون آنکه در هیچ دادگاهی بررسی شده باشد، اقدامی غیر اخلاقی، غیر انسانی و غیراسلامی است. اگر اعتراضی وجود دارد باید از طریق دستگاه قضایی وارد عمل شوند، در غیر این صورت این اقدامات پسندیده نظام نیست و اعتماد و باور مردم را کاهش می دهد."

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تاکید کرد: "پزشکان و پرستاران به صورت طرحی به اقصی نقاط کشور اعزام شده اند و با ایجاد کردن درآمد برای سیستم، بخشی از درآمد به عنوان کارانه به آنها باز می گردد." قاضی زاده هاشمی افزود: "میزان کارانه ها ۳۰ تا ۳۵ درصد است، بدان معنا که اگر پزشکی ۱۰۰ میلیون تومان کار کند، حدود ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان به وی باز می گردد که این در قالب حقوق نیست. به عنوان مثال اکنون حقوق یک جراح مغز و اعصاب حدود ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است، مابقی هر آنچه دریافت می کند در قالب کارانه ای است که خود ایجاد کرده است."

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد ۱۳۹۵

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۱۹۷ حرکت اعتراضی

*صبح روز شنبه اول خرداد، جمعی از کارگرانی که به واسطه یک شرکت پیمانکاری در استخدام یکی از شرکت‌های بزرگ ساخت پروژه های نفتی و نیروگاهی هستند و هم اکنون در یکی از پروژه های فاز ۱۴ عسلویه مشغول کارند، در اعتراض به تعویق مطالبات مزدی در مقابل محل اجرای این پروژه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران از دی ماه سال گذشته تاکنون بابت معوقات مزدی خود طلبکارند.

*روز شنبه اول خرداد، زنان فانوس به دست در جلوی استانداری اردبیل یک تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش فارس، این زنان که از داشتن برق محروم هستند، به نشانه اعتراض با فانوسهایی که به دست داشتند خطاب به مسؤولان اعلام کردند که ۱۷ سال است از نعمت برق و روشنایی بی بهره اند و مسؤولان حاضر نیستند به مطالبات آنها پاسخ دهند. در این تجمع، زنان در حالی که فانوسهای خود را روشن کرده بودند خطاب به مسؤولان گفتند که دیگر طاقت زندگی در تاریکی و تنها با نور فانوس را ندارند و از امکانات اولیه همچون تلویزیون، یخچال و وسایل دیگر برقی بیش از ۱۷ سال است که محروم هستند.

*روز دوشنبه ۳ خرداد، رانندگان خودروهای سواری و خطی در پایانه مسافری فیروزی آمل تجمع کردند. به گزارش کاسپین ۲۴، این رانندگان به جهت اخذ بی دلیل مبالغی از آنان اقدام به این حرکت اعتراضی کردند.

*روز دوشنبه ۳ خرداد، جمعی از مالکان زمینهای منطقه سوهانک و مراد آباد تهران که بیشتر از کارکنان وزارت جهاد سازندگی سابق و جهاد کشاورزی فعلی هستند، مقابل ساختمان جدید وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند. به گزارش تسنیم، تجمع کنندگان از مالکان بلاتکلیف زمینهای سوهانک و مرادآباد بودند که وزارت جهاد سازندگی سابق، ۲۷ سال پیش در قالب تعاونی مسکن و برای ساخت خانه زمین در اختیار آنها قرار داده بود.

*تعدادی از شهروندان اهوازی معترض به انتقال آب کارون عصر روز یکشنبه ۲ خرداد برای چندمین بار تجمع کرده و دست به اعتراض زدند. به گزارش هرانا، این تجمع مقابل پارک چوبی روبروی خیابان ۱۷ کیانپارس شهر اهواز صورت گرفت. لازم به یادآوری است که زکیه حر نیسی، از فعالان اعتراضات به انتقال آب کارون اخیراً بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شده است.

*روز سه شنبه ۴ خرداد، جمعی از صیادان هندیجانی به دلیل مخالفت و عدم اجازه شیلات و دریابانی برای صید در مقابل فرمانداری این شهرستان جمعی اعتراض آمیز شکل دادند. به گزارش تسنیم، یکی از تجمع کنندگان گفت: قایق کوچک داریم و تنها شغل ما صیادی است ولی مدتی است به ما اجازه خروج و رفتن به دریا نمی دهند که نتیجه اش سخت شدن تأمین معاش خانواده هایمان است.

*تعدادی از اعضای تعاونی مسکن شهرداری تهران روز سه شنبه ۴ خرداد در میدان تجریش مقابل ساختمان شهرداری منطقه یک (شمیرانات) تجمع و از مسئولان خواستار تکمیل پروژه مسکن خود شدند. به گزارش ایرنا، معترضان خواستار تکمیل پروژه تعاونی مسکن و حمایت و مساعدت شهردار تهران برای پیشرفت این پروژه شدند. نیروهای پلیس به صورت محسوس بین تجمع کنندگان حضور داشتند.

*روز سه شنبه ۴ خرداد، جمعی از متقاضیان واحدهای مسکن مهر ایثار در اعتراض به مشکلات موجود این واحدها مقابل فرمانداری فیروزکوه تجمع کردند. به گزارش دیمه نیوز، شرکت کنندگان در این تجمع نسبت به انشعاب آب و بلا تکلیف نگهداشتن متقاضیان اعتراض داشتند.

*چهارشنبه شب ۵ خرداد، ساکنان مناطق جنوبی شهر بوشهر به ویژه سرتل با تجمع مقابل استانداری بوشهر خواستار رفع مشکلات کم آبی شدند. به گزارش بوشهر نیوز، تجمع کنندگان که از قطعیهای مکرر و نبود آب در شبکه ها کلافه شده بودند با اشاره به بارندگیهای اخیر در استان بوشهر اعلام داشتند که با توجه به این بارندگیها قطعیهای زود هنگام پیش از فرارسیدن تابستان منطقی نیست. آنان اعلام کردند در صورت عدم رفع مشکلات توسط شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر، در روزهای آینده نیز به اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

*صبح روز چهارشنبه ۵ خرداد، تعداد کثیری از کارگران اخراجی شرکت حفاری نفت شمال مقابل فرمانداری شهرستان بهشهر تجمع کردند و خواستار پیگیری مشکلات شان شدند. به گزارش ایلنا، کارگران این شرکت در نشست با فرماندار شهرستان بهشهر که در سالن اجتماعات فرمانداری این شهرستان بدون حضور خبرنگاران برگزار شد مطالبات و خواسته های خود را بیان کردند.

*روز چهارشنبه ۵ خرداد، در پی بی پاسخ ماندن خواسته جمعی از کارگران شرکت شبدیز صنعت در فاز ۱۴ عسلویه، آنان مقابل محل اجرای این پروژه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با وجود وعده قبلی کارفرمای اصلی در خصوص پرداخت معوقات مزدی برای در روز سه شنبه ۴ خرداد، هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است.

*اعتصاب کارگران پیمانکاری کارخانه آهن و فولاد ارفع اردکان که از روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت آغاز شد در روز دوشنبه ۳ خرداد ششمین روز خود را پشت سر گذاشت. خواست اصلی کارگران اعتصاب کننده، حذف شرکتهای پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم با شرکت آهن و فولاد ارفع است. به گزارش اردکان گویا، اعتصاب ۷ روزه این کارگران در روز چهارشنبه ۵ خرداد، به دنبال وعده مدیرعامل شرکت به طور مشروط خاتمه یافت.

*روز چهارشنبه ۵ خرداد، جمعی از کارگران دو معدن «تونل ۴» و «همکار» به صورت جداگانه نسبت به عدم پرداخت عیدی و عدم افزایش دستمزد سال ۹۵ برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، با گذشت بیش از دو ماه از شروع سال جدید، هنوز کارگران بخش خصوصی معادن زغال سنگ مناطق کوهبنان و زرن در استان کرمان بابت باقیمانده مطالبات مزدی مربوط به سال ۹۴ و دستمزد و عیدی سال ۹۵ طلبکارند.

*روز پنجشنبه ۶ خرداد، کارگران خدماتی شهرداری صالح آباد با تجمع در میدان خمینی به پرداخت نشدن حقوق ماههای فروردین، اردیبهشت و عیدی سال ۹۴ اعتراض کردند. به گزارش خراسان، یک کارگر شهرداری صالح آباد گفت: ما حقوق چند میلیونی نمی گیریم و خودروهای چند صد میلیونی نیز سوار نمی شویم ولی حقوق ناچیزمان را برای امرار معاش نیاز داریم.

*روز یکشنبه ۹ خرداد، کارگران شهرداری مهدی شهر به دلیل عدم پرداخت حقوق معوقه و مطالبات خود در مقابل فرمانداری مهدی شهر تجمع کردند. به گزارش تسنیم، تجمع کنندگان به پرداخت نشدن ۴ ماه حقوق معوقه خود اعتراض کردند و خواستار احقاق حق و همچنین پیگیری مطالبه خود از سوی فرماندار شهرستان مهدی شهر شدند.

*روز یکشنبه ۹ خرداد، جمعی از رانندگان و کامیونداران حمل خاک نسبت به عدم وصول به موقع طلبهای خود و همچنین عدم صحیح مدیریت در برخی شرکتهای تهیه و تولید خاک نسوز، برای چندمین روز دست به اعتصاب زدند. به گزارش بوانات، این اعتراض به جایی رسید که حتی موجب شد تا تریلی حمل خاک نیز در محل باربری ابتدا جاده خاک نسوز تخلیه و به مدت چندساعت راه بسته شود.

*در اولین ساعات روز یکشنبه ۹ خرداد، مردم روستاهای هلیله و بندرگاه بوشهر که در همسایگی نیروگاه اتمی بوشهر زندگی می کنند اواخر شب گذشته با تجمع در ورودی این دو روستا و بستن راه که در مسیر رفت و برگشت نیروگاه اتمی بوشهر قرار دارد نسبت به قطعی آب در این دو روستا اعتراض کردند. به گزارش جوان، یکی از اهالی روستا در این تجمع گفت: الان ۴ سال است که مشکل آب داریم. در برخی شبانه روز اصلا آب نداریم و بعضی اوقات نیز کمتر از ۵ ساعت آب روستا وصل می شود و مابقی ساعات آب قطع می شود.

*روز یکشنبه ۹ خرداد، برای چندمین بار کارگران بیکار شده کارخانه پارسیلون به امید پیدا شدن گوش شنوایی برای پاسخ به فریادهای خود در مقابل استانداری تجمع کردند تا شاید پاسخ قاطعی از سوی مسئولان برای دریافت مطالبات شان دریافت کنند. به گزارش تسنیم، کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد ۲۸ ماه حقوق نگرفته و بارها در مقابل استانداری لرستان به نشانه اعتراض تجمع کرده اند ولی تاکنون وعده های مسئولان به کارگران محقق نشده است. تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده کارخانه پارسیلون مقابل استانداری لرستان در روز دوشنبه ۱۰ خرداد، برای دومین روز ادامه یافت.

*عصر روز دوشنبه ۱۰ خرداد، جمعی از مهندسان ناظر در تجمعی خواستار اصلاح شیوه ارجاع کار به مهندسان ناظر شدند. به گزارش ایسنا، یکی از این معترضان با اشاره به عملکرد سازمان نظام مهندسی گفت: از برخوردهای سلیقه ای و گزینشی که بوی رانت دارد به ستوه آمده ایم، چرا که در زمینه بحث ارجاع، کار به افراد خاص ارجاع داده می شود.

*روز دوشنبه ۱۰ خرداد، تعدادی از کشاورزان منطقه خرکان سفلی (بخش کوهین) در پی خسارت وارد شده به زمینهای کشاورزی خود در مقابل استانداری قزوین تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش شاخص، یکی از این کشاورزان به نمایندگی از همشهریان خود در خصوص علت برگزاری این تجمع عنوان کرد: حدود ۲۰ سال پیش شخصی به نام آقای (الف) معدنی را در منطقه آب انبار خرکان ثبت کرده و از آن بهره برداری می کند که از آن روز به بعد تاکنون مردم منطقه شکایات بسیاری داشته اند اما متأسفانه این پیگیریها به جایی نرسیده و صاحب معدن در قبال عدم پرداخت خسارت به کشاورزان مدعی است که زمین بهره برداری شده در حوزه منابع طبیعی است و کشاورزان باید خسارت خود را از این حوزه دریافت کنند. اداره منابع طبیعی می گوید صاحب معدن باید خسارت را بپردازد.

*روز شنبه ۸ خرداد، صدها تن از کارگران پیمانکاری شاغل در پالایشگاه پترو پارس واقع در فاز ۱۹ منطقه ویژه عسلویه که از پایان سال گذشته همزمان با متوقف شدن فعالیت پیمانکار بیکار شده اند، به دلیل دریافت نکردن مطالبات مزدی و بی پاسخ ماندن خواسته های شان تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که در فاز ۱۹ عسلویه مشغول به کار هستند، دست کم حدود ۵ ماه مطالبات مزدی و بیمه ای معوقه طلب دارند. روز شنبه ۸ خرداد و یکشنبه ۹ خرداد، کارگران پیمانکاری پالایشگاه پترو پارس فاز ۱۹ عسلویه برای سومین بار مقابل در ورودی محل کارشان تجمع کردند. روز چهارشنبه ۱۲ خرداد، اعتراض کارگران اخراجی پالایشگاه پترو پارس واقع در فاز ۱۹ منطقه ویژه عسلویه به پنجمین روز خود رسید.

*روز دوشنبه ۱۰ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه آب معدنی داماش برای سومین روز متوالی در اعتراض به بلاتکلیفی در وضعیت شغلی و دریافت نکردن مطالبات معوقه خود، مقابل درب ورودی کارخانه در شهرستان رودبار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران این کارخانه با احتساب عیدی سال ۹۴ نزدیک به هفت ماه معوقات مزدی طلبکارند و حق بیمه آنها نیز از اسفند سال گذشته، هنوز به حساب سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است. روز چهارشنبه ۱۲ خرداد، تجمع این کارگران به پنجمین روز متوالی وارد شد.

*روز سه شنبه ۱۱ خرداد، حدود ۸۰۰ تن از کارکنان شرکتی مخابرات لرستان در یک اقدام هماهنگ دست به تجمع زدند. به گزارش آسوبان، این تجمع اعتراضی همگام با سراسر استان در شهرستان کوهدشت در مقابل دفتر اداره مخابرات این شهرستان از نخستین ساعات کاری صبح آغاز شده است. همچنین جمعی از کارکنان شرکتی مخابرات پل دختر، بروجرد و نورآباد همزمان با سراسر استان لرستان تجمع کردند. اجتماع کنندگان همچنین خواستار اعمال گروههای شغلی مرتبط با مدرک تحصیلی و سابقه خدمت و اعمال مزد واقعی شغل، مرتبه حق پست و مزایای سختی کار در پایان سنوات در قراردادهای خود شدند.

*روز سه شنبه ۱۱ خرداد، صدها تن از کارگران چوکا مقابل دفتر مدیریت این شرکت تجمع کردند. به گزارش رضوان خبر، پس از آنکه تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه چوکا راه به جایی نبرد، این کارگران طی روزهای گذشته از ورود مدیر عامل این کارخانه به محل کار ممانعت به عمل آورده اند.

*روز چهارشنبه ۱۲ خرداد، جمعی از مهندسان ناظر جهاد کشاورزی لرستان در اعتراض به بلاتکلیفی استخدامی دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به گزارش مهر، معترضان خواستار تعیین وضعیت استخدامی خود شدند.

*برای چندمین بار در هفته های اخیر، تعدادی از شهروندان اهوازی معترض به انتقال آب کارون، عصر روز پنجشنبه ۱۳ خرداد تجمع کردند. به گزارش هرانا، این تجمع مقابل کیانپارس جنب پل طبیعت شهر اهواز صورت گرفت.

*روز پنج شنبه ۱۳ خرداد، کارگران ریخته گری ماشین سازی تبریز در اعتراض به خصوصی سازی، عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و نداشتن امنیت شغلی برای بیست و سومین روز متوالی دست به اعتصاب و تجمع در محوطه کارخانه زدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض ۳ ماه است که حقوق شان پرداخت نشده و در صورت ادامه روند کاهش تولید قطعات فولادی در این کارخانه خطر توقف دائم تولید و بیکاری کارگران وجود دارد.

*به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر (پنجشنبه ۱۳ خرداد) در اثر حمله نیروهای حراست فاز ۱۹ پارس جنوبی به کارگران، عده ای زخمی و روانه بیمارستان شدند و عده دیگری دستگیر شدند. علت این درگیری، بیماری فرزند یکی از کارگران بود. بیمارستان معالجه را مشروط به پرداخت یک میلیون تومان می کنند به کارگر تلفنی اطلاع می دهند. او که ماهها حقوق طلبکار بود سراغ پیمانکار می رود. طبق معمول جواب منفی بود. بیمارستان هم از معالجه خود داری کرده و کودک متاسفانه فوت می کند. کارگران فاز ۱۹ همگی با شعار «چرا مرگ بر امریکا؟» به دفاتر واحد حمله می کنند و با حراست درگیر می شوند. درگیری آن قدر شدید بوده که یگانهای ویژه از بوشهر به کمک حراست می آیند و....

*روز یکشنبه ۱۶ خرداد، کارگران خدماتی شهرداری اهواز در اعتراض به چند ماه از معوقات مزدی خود دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض، ۴ ماه از معوقات مزدی طلبکارند.

*صبح روز یکشنبه ۱۶ خرداد، جمعی از کارگران شهرداری بروجرد به همراه خانواده های شان در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق معوقه و همچنین عدم تمدید دفترچه های درمانی از سوی تامین اجتماعی مقابل شورای شهر بروجرد تجمع کردند. به گزارش بازتاب بروجرد، مدتی است که مشکلات مالی در شهرداری بروجرد بیداد می کند، به طوری که از حقوق های ۶ ماهه کارگران گرفته تا بدهیهای میلیاردی به سازمان تامین اجتماعی مشاهده می شود.

*روز یکشنبه ۱۶ خرداد، تمام دکه های روزنامه فروشی خرم آباد اعتصاب کردند. به گزارش جام جم، این اعتراض و اعتصاب در واکنش به تصمیم اخیر سازمان میادین شهرداری خرم آباد صورت گرفت که از مالکان دکه ها خواسته بود در اولین فرصت نسبت به تغییر ساختمان دکه خود با هزینه شخصی اقدام کنند.

*تعدادی از ساکنان شهرک منظره خمینی شهر در شامگاه یکشنبه ۱۶ خرداد با تجمع در پارک شهروند از مسئولان شهرستان و اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان خواستار رسیدگی به مشکلات ۳۰ ساله و عدم خدمات رسانی به این شهرک شدند. به گزارش فارس، در این اجتماع مردمی، تجمع کنندگان به کمبودهای خدماتی، عمرانی، آموزشی، فرهنگی و مخصوصاً خاکی بودن معابر و کوچه های شهرک منظره خمینی شهر اعتراض کردند.

*روز دوشنبه ۱۷ خرداد، تجمع چند روزه کارگران کارخانه صابون سازی مقابل ساختمان فرمانداری خرمشهر؛ با وعده فرماندار این شهر موقتاً خاتمه پیدا کرد. به گزارش ایلنا، کارگران کارخانه صابون سازی خرمشهر از ابتدای سال ۹۵ تاکنون چند بار برای مطالبات معوقه خود تجمع کردند. در حالی که حدود چهار سال از زمان توقف فعالیت صابون سازی خرمشهر می گذرد، تمامی پیگیریها برای تعیین تکلیف مطالبات کارگران بی نتیجه بوده است.

*روز دوشنبه ۱۷ خرداد، کارگران منطقه پنج فضای سبز و پارکهای شهرداری اراک در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و حق بیمه دست به تجمع مقابل ساختمان شورای شهر زدند. به ایسنا، طبق اظهارات کارگران تجمع کننده دستمزد کارگران این منطقه دو ماه است که پرداخت نشده و بیمه درمانی این افراد نیز به دلیل عدم پرداخت حق بیمه توسط کارفرما قطع شده است.

*روز دوشنبه ۱۷ خرداد، ۸۰۰ تن از کارکنان شرکتی مخابرات لرستان در یک اقدام هماهنگ با حضور در محوطه های شرکتیهای مخابرات تحصن کرده و نسبت به وضعیت حقوقی و عدم اجرایی شدن طرح طبقه بندی مشاغل اعتراض کردند. به گزارش بیان روز، تجمع کارکنان بخش خصوصی مخابرات لرستان برای دومین بار در فاصله کمتر از شش روز پس از برگزاری اولین تجمع شان در شرکتیهای مخابرات سطح استان برگزار شد.

*صبح روز دوشنبه ۱۷ خرداد، برای دومین بار طی چند ماه گذشته، کارگران کاشی طوس مقابل این کارخانه تجمع کردند. به گزارش قوچان خبر، یکی از کارگران کارخانه کاشی با اشاره به مشکلات کارگران این کارخانه گفت: از آبان ماه سال گذشته تا کنون مسئولان کارخانه حتی یک ریال از حقوق، عیدی و معوقات را پرداخت نکرده اند و کارگران این کارخانه با سیلی صورت خود و خانواده خود را سرخ نگه می دارند.

*روز سه شنبه ۱۸ خرداد، کارگران اخراجی شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی خرمشهر در اعتراض به بیکاری و برای بازگشت به کار دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند. به گزارش فارس، یکی از کارگران اخراج شده از شرکت

تأسیسات دریایی خرمشهر گفت: چرا مسئولان کاری نمی کنند؛ خانواده های ما چه گناهی کرده اند که باید جور بیکاری ما را بکشند.

*کارکنان شهرداری برازجان، مرکز شهرستان دشتستان در روز سه شنبه ۱۸ خرداد در اعتراض به آنچه سو مدیریت شهرداری نامیدند دست از کار کشیدند و به حالت اعتراض در محوطه شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایرنا، در این تجمع کارمندان ستادی شهرداری به همراه سه معاون کنونی شهردار از جمله معاون شهرسازی، فنی، فرهنگی و کارمندان و کارشناسان خبره حضور داشتند.

بrazجان مرکز شهرستان دشتستان با حدود ۹۵ هزار جمعیت بعد از بوشهر بیشترین جمعیت این استان را دارد.

*روز سه شنبه ۱۸ خرداد، کارگران فضای سبز شهرداری اقلید در اعتراض به حقوق معوقه دست از کار کشیدند و مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش فارس این کارگران به دنبال پرداخت بخشی از مطالبات شان و وعده پرداخت الباقی به سرکارشان بازگشتند.

*در پی قطعی مکرر آب در شهرک گلشهر رودبار عده ای از روزه داران گلشهری که از نهادهای مربوطه قطع امید کردند صبح روز سه شنبه ۱۸ خرداد با تجمع در دفتر امام جمعه شهرستان رودبار خواستار رسیدگی به این مشکل شدند. به گزارش رودبار ما، با شروع فصل گرما و آغاز ماه رمضان، واقعیت کمبود آب بیشتر خود را نشان داده است. این را می شود از قطعی چند ماهه آب در شهرک گلشهر رودبار و همچنین در دیگر روستاهای رودبار متوجه شد.

*روز سه شنبه ۱۸ خرداد، گروهی از اعضای شرکت تعاونی مسکن کارکنان صنایع حمل و نقل هوایی کشور که بارها در مقابل مراجع مختلف قانونی تجمع کرده بودند، این بار مقابل دادگستری رباط کریم تجمع کردند. به گزارش خبرآنلاین، ماجرای دنباله دار حضور مدیران دولت قبل در یک تعاونی مسکن که با سرمایه های خرد کارکنان صنعت حمل و نقل هوایی کشور تشکیل شده، بالاخره به دادگستری رسید.

*جمعی از ساکنان منازل مسکونی نسقی رشت صبح روز سه شنبه ۱۸ خرداد مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. به گزارش کاسپین، تجمع کنندگان خواستار حل مشکل آب، برق و گاز ۷۷۰۰ منزل مسکونی نسقی شهرستان رشت شدند.

*به دنبال اعتصاب و تجمع یک ماهه کارگران کارخانه ریخته گری ماشین سازی تبریز، صبح روز چهارشنبه ۱۹ خرداد، کارفرمای این واحد تولیدی دو ماه از مطالبات معوقه آنها را پرداخت کرد. به گزارش ایلنا، به گفته کارگران، کارفرما هنوز دستمزد اردیبهشت ماه را به کارگران بدهکار است و از پرداخت حق بیمه کارگران به تامین اجتماعی خبری نیست. به گفته کارگران؛ مسئولان سازمان خصوصی سازی این واحد دولتی را بدون مطالعه و کار کارشناسی شده به یکی از صندوقهای بازنشستگی واگذار کرده اند.

*صبح روز چهارشنبه ۱۹ خرداد، جمعی از رانندگان سواری خطی سرکلاته خرابشهر - کردکوی به نشانه اعتراض به نرخ کرایه دریافتی در این روستا تجمع کردند. به گزارش رادکانا، اعتراض و تجمع رانندگان به علت مشخص شدن نرخ واقعی کرایه مسیر فوق از سوی مراجع قانونی بوده و به همین خاطر رانندگان از انتقال مسافر به کردکوی و بالعکس خوداری کردند.

*روز چهارشنبه ۱۹ خرداد، اعتصاب کارگران کارخانه «کمپروسور سازی تبریز» واقع در شهرک صنعتی قراملک تبریز، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات شان بیستمین روز خود را پشت سر گذاشت. به گزارش ایلنا، در کارخانه کمپروسور سازی تبریز حدود ۱۲۰ کارگر رسمی و قرار دادی فعالیت دارند که کارفرما هنوز ۴۰ درصد از دستمزد اسفند ماه و ۵۰ درصد عیدی سال ۹۴ و کل مزد ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال جاری را پرداخت نکرده است. روز پنجشنبه ۲۰ خرداد، اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه کمپروسور سازی تبریز بیست و یکمین روز خود را پشت سر گذاشت.

*روز پنجشنبه ۲۰ خرداد، کارگران بازنشسته برق منطقه‌ای تهران که ۲۰ سال پیش اقدام به خریدن زمین از طریق شرکت تعاونی منطقه ای برق تهران در هشتگرد کرده اند و هنوز زمین‌های شان را از این تعاونی تحویل نگرفته اند، مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران گفت: دادگاه مسئول رسیدگی به شکایت کارگران؛ یکی از مدیران این شرکت تعاونی که قبلاً بازداشت شده بود را به قید وثیقه آزاد کرده تا زمینها را به ما بازگرداند.

*روز پنجشنبه ۲۰ خرداد، شهروندان شهر هرسین در استان کرمانشاه جهت ایجاد تصفیه خانه آب اقدام به راهپیمایی و تجمع اعتراضی کردند. به گزارش هرانا، خواسته معترضان ایجاد تصفیه خانه جهت آب آشامیدنی سالم است.

*روز دوشنبه ۱۷ خرداد، بش از ۵۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شاغل در فاز ۱۹ عسَلویه (شرکت گاما و نیرو پژوه) در اعتراض به معوقات مزدی خود دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، کارگران در روز چهارشنبه ۱۹ خرداد در سومین روز حرکت اعتراضی با تجمع در محوطه اطراف محل کار خود خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. روز شنبه ۲۲ خرداد، این کارگران برای ششمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق تجمع کردند.

*کارگران کارخانه کاشی طوس قوچان، پس از طولانی شدن قطع گاز این کارخانه به دلیل بدهی ۴۲۰ میلیون تومان به شرکت گاز، در روز شنبه ۲۲ خرداد مقابل این اداره تجمع کردند. به گزارش قوچان خبر، یکی از کارگران معترض خاطر نشان کرد: نه مسئولان شهر و نه مدیران کارخانه هیچ یک به فکر کارگران نیستند و در حال حاضر مالکان کارخانه قطعی گاز را بهانه تعطیلی کارخانه عنوان می کنند.

*روز شنبه ۲۲ خرداد، کشاورزان شهرستان لنجان مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش لنجانا، هدف اصلی کشاورزان از این تجمع اعتراض به قطع شدن آب برای زمینهای زراعی منطقه لنجان بود و این در حالی است که در روزهای گذشته ممنوعیت کشت برنج در استان اصفهان توسط معاون زراعت و باغبانی وزارت جهاد کشاورزی اعلام شده بود.

*روز شنبه ۲۲ خرداد، جمعی از مردم منطقه بلهزار یاسوج به دلیل عدم وجود آسفالت خیابانها و کوچه های این منطقه جلوی استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند.

به گزارش کبنا نیوز، اهالی این منطقه گفتند: خیابانها و کوچه ها نه زیرسازی و نه آسفالت دارند، در خانه ها به دلیل گرد و خاک زیاد غذا نمی توانیم پخت و پز کنیم و بخوریم و به لحاظ بهداشتی جان مردم منطقه در خطر است.

*روز شنبه ۲۲ خرداد، اهالی منطقه «بلوکو» یاسوج در جلوی استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کرده و نسبت به وضعیت مسکن مهر این منطقه اعتراض کردند. به گزارش کبنانیوز، از سال ۸۹ مردم منطقه بلوکو مبلغ ۱۳ میلیون تومان واریز و وام ۲۰ میلیون تومانی دریافت کردند که الان به ۲۵ میلیون افزایش داده شده و تا به امروز هیچ مسکنی در اختیار مردم قرار نگرفته است.

*روز شنبه ۲۲ خرداد، جمعی از اهالی شهرک مهاجران بلوار عباسپور در کرمان در اعتراض به تخریب فضای سبز و نصب آنتن مخابراتی دست به تجمع زدند. یکی از شهروندان این محله به نمایندگی از سایر شهروندان در محل این تجمع اظهار داشت: محله مهاجران تنها همین فضای سبز را دارد که این را هم تخریب کردند.

*صبح روز شنبه ۲۲ خرداد، تعدادی از مردم فریدونکنار با حضوری اعتراضی مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش بصیرنیوز، معترضان خواستار رفع سریع تر مشکل معارضه اراضی مسکونی خود شدند.

*روز یکشنبه ۲۳ خرداد، تعدادی از کارگران فولاد زاگرس در محل وزارت کار برای عدم پرداخت ۹ ماه حقوق معوقه خود دست به تجمع اعتراضی زدند. به ایلنا، به گفته کارگران، پس از انحلال کارخانه فولاد زاگرس در اسفند ۹۲، مصوب شده بود که ۲۸ کارگر برای نگهداری و کارهای جانبی در کارخانه باقی بمانند و سهامداران کارخانه شامل صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق کارکنان فولاد و تامین اجتماعی دستمزد این کارگران را پرداخت کنند. صندوق کارکنان فولاد و تامین اجتماعی در ماههای گذشته به تعهد خود عمل نکرده‌اند و دستمزد این کارگران پرداخت نشده‌است. این کارگران زمستان سال پیش نیز جهت پیگیری مطالبات خود به تهران آمده بودند.

*روز یکشنبه ۲۳ خرداد، جمعی از کارگران بیکار شده کارخانه ارج پشت درب این کارخانه تجمع کردند تا اعتراض خود به اخبار صدا و سیما را نشان دهند. به گزارش ایلنا، صدا و سیما با پخش گزارشی از کارخانه ارج مدعی شده است که تولید در این کارخانه ادامه دارد. کارگران می گویند که این کارخانه مدتهاست که خطوط تولید را متوقف کرده و آخرین اخراج کارگران نیز اسفند ماه گذشته انجام شده است.



*روز سه شنبه ۴ خرداد، تعدادی از کارگران مخابرات راه دور ایران (ITI) برای پیگیری مطالبات خود دست به یک اقدام جدید زدند. آنها زندگی خود را به جلوی کارخانه کشاندند و با برپایی چادرهای مسافرتی جلوی این کارخانه قصد پیگیری برای رسیدن به حق و حقوق خود را دارند.

روز یکشنبه ۲۳ خرداد، کارگران بازنشسته کارخانه صنایع مخابراتی راه دور شیراز (I.T.I) با برچیدن چادرهای شان به تحصن ۱۶ روزه خود در محوطه این واحد تولیدی

خاتمه دادند. به گزارش ایلنا، یکی از این بازنشستگان با اعلام این خبر گفت: به دنبال برگزاری جلسه کمیسیون کارگری استان در هفته های گذشته و تصمیم به بازگشایی کارخانه، از ما خواسته شده است که چادرهای خود را از محوطه کارخانه جمع کنیم.

این بازنشسته کارخانه I.T.I با بیان اینکه درخواست مورد نظر از سوی مسئولان استانی طرح شده است؛ افزود: ظاهراً هدف از این کار فراهم کردن مقدمات راه اندازی کارخانه است.

کارخانه مخابرات راه دور ایران از کارخانجات دولتی کشور بود برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و در راستای خصوصی سازی به بخش خصوصی واگذار شد اما بنا به دلایل مختلف از سال ۸۴ و ۸۵ به بحران کشیده شد و در نهایت تعطیل گردید.

*جمعی از بازنشستگان نیروهای مسلح در اعتراض به سطح پایین حقوق و وضعیت زندگی خود در روز یکشنبه ۲۳ خرداد، مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، تجمع کنندگان میزان پایین حقوق دریافتی و عدم اجرای مصوبه مجلس درباره مابه التفاوت حقوق بازنشستگی قبل از سال ۸۶ را علت تجمع خود عنوان کردند.

*در پی اعتصاب رانندگان در بوشهر که از روز یکشنبه ۱۷ خرداد آغاز شد، روز دوشنبه ۲۴ خرداد تعدادی از رانندگان اعتصابی بازداشت شدند. به گزارش ایلنا، طی یک هفته اعتصاب، جلساتی با حضور مدیران ارشد امنیتی استان در همین رابطه تشکیل شده است و تمهیداتی برای پایان دادن به اعتصاب رانندگان و تضمین امنیت مسیر برای کامیونهایی که از گمرک بوشهر اقدام به ترانزیت کالا می کنند انجام گرفت تا آنجا که تعدادی از رانندگان اعتصاب کننده نیز بازداشت شدند. اما این اعتراضات دامنه بیشتری گرفته و مسئولان ارشد امنیتی استان در مقابل حرکت اعتراضی رانندگان با مشکل روبرو شدند.

*کارگران کارخانه فرش پارس، در پی بی توجهی کارفرما در پرداخت مطالبات معوقه در روز دوشنبه ۲۴ خرداد و طی چند روز قبل از آن، هر روز دست به اعتصاب چند ساعته زدند. به گزارش ایلنا، کارخانه فرش پارس که هم اکنون در زمینه تولید کیسه های سیمان در شهرک صنعتی البرز قزوین فعالیت دارد حدود ۳۲ کارگر رسمی قدیمی و ۲۷۰ کارگر قرارداد موقت و دائم دارد که هر ماه حقوق شان با تاخیر پرداخت می شود.

*از صبح روز یکشنبه ۲۳ خرداد تعداد قابل توجهی از اعضای خانواده های کارگرانی که در کوی سازمانی معدن زغال سنگ البرز شرقی ساکن هستند، مقابل درب وردی مجتمع رفاهی و اقامتی این منطقه تجمع کرده و این تجمع به طور پیوسته تا روز بعد (دوشنبه ۲۴ خرداد) ادامه داشت. به گزارش ایلنا، در پی این تجمع اعتراضی جلسه شورای تامین ساعتی قبل از نیمه شب تشکیل شد و بازداشت تجمع کنندگان و معترضان در صورت تکرار تجمع از مصوبات این جلسه بود و سه تن از کارگرانی که در تجمع روز یکشنبه شرکت داشتند بازداشت شدند.

معادن شرکت زغالسنگ البرز شرقی مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی شرکتهای دولتی به ذوب آهن اصفهان واگذار گردید و ۴۲ هکتار از زمینهای این شرکت به مزایده گذاشته شد که در نهایت شهرداری شاهرود در ازای مبلغ ۷۷۰ میلیارد ریال برنده این مزایده شد. پیش از این نیز علیرغم مخالفتهای مسئولان شرکت زغالسنگ البرز شرقی ۱۵ هکتار از زمینهای این مجموعه به عنوان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود جدا سازی شده بود. روز سه شنبه ۲۵ خرداد، علیرغم بگیر و ببند و تهدید شورای تامین، تجمعات اعتراضی کارگران معدن البرز شرقی ادامه پیدا کرد.

*روز سه شنبه ۲۵ خرداد، کارگران کارخانه فولاد دماوند در بندر امیرآباد در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت حقوق و حق بیمه دست از کار کشیده و در اداره تأمین اجتماعی تجمع کردند. به گزارش فارس، شرکت صنایع فولادسازان دماوند در بندر امیرآباد متحمل بدهی و مشکلاتی در پرداخت حقوق کارگران شده است، لذا کارگران پس از مطلع شدن از این موضوع در تأمین اجتماعی بهشهر تجمع کردند.

*تعدادی از کارگران بیکار شده یکی از کارخانه های صنایع یزد در روز سه شنبه ۲۵ خرداد مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان یزد تجمع کردند. به گزارش یزدرسا، علی اصغر یزدانی راننده لیفتراک کارخانه با بیان اینکه ۱۲ سال سابقه کار در کارخانه را دارم اظهار کرد: از ماه تیر سال گذشته تاکنون دستمزد ما را تسویه نکرده اند، شما خودتان را جای ما بگذارید آیا این انصاف است. زن و بچه های ما چه گناهی کردند، آیا بعد از دوازده سال حق زحمات ما این است. این کارگر افزود: از عید تا حالا بیکارم و مدیران کارخانه می گویند باید حقوق ۴ ماه خود را ببخشید تا با شما قرارداد ببندیم.

*صبح روز سه شنبه ۲۵ خرداد، تعداد بسیاری از رانندگان تاکسی مرکز استان مازندران با تجمع مقابل تاکسیرانی ساری خواستار پیگیری مطالبه به حق خود از دولت برای ایجاد مجدد پوشش بیمه ای اشتغال خود شدند. به گزارش تسنیم، این تجمع که باعث تجمع مسافران در ایستگاههای بدون تاکسی شد، رانندگان تاکسی را به سازمان تاکسیرانی ساری کشاند تا شاید مسئولی بیاید و پاسخی دهد.

*جمعی از مالباختگان تعاونی مسکن نگین غرب صبح روز سه شنبه ۲۵ خرداد در اعتراض به کلاهبرداری و عدم واگذاری آپارتمان های وردآورد منطقه ۲۲ تهران در مقابل مجلس تجمع کردند و خواستار واگذاری واحدهای مسکونی به متقاضیان پس از گذشت ۱۵ سال شدند. به گزارش ۲۵ خرداد خبرگزاری مجلس، به گفته یکی از تجمع کنندگان، این واحدها در سال ۷۹ خریداری شده اما نه واحدها به خریداران واگذار می شود و نه پول ها به افراد مسترد می شود.

*صبح روز چهارشنبه ۲۶ خرداد، کارگران بیکار شده کارخانه کاشی حافظ در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان و برای بازگشت به کار، دست به تجمع مقابل کارخانه زدند. به گزارش فارس، در این حرکت اعتراضی کارگران بیکار شده کارخانه بزرگ و معروف کاشی حافظ که چند ماه از دریافت حقوق خود محروم مانده و یا حق بیمه آنان واریز نشده و اخراج شده اند، خواستار احقاق حقوق خود شدند.

*روز چهارشنبه ۲۶ خرداد، کارگران اخراجی معدن زغال سنگ بلده پس از اطلاع از قطعی شدن خبر اخراج شان در مقابل این واحد معدنی تجمع کردند که در نهایت این اجتماع صنفی به صحنه برخورد لفظی آنها با عوامل پیمانکار و کارفرمای اصلی معدن تبدیل شد. به گزارش ایلنا، اخراج پیش از موعد این کارگران در حالی است که پیشتر آنها از طلب ۶ ماهه مزدی خود و ناتوانی کارفرما در پرداخت این طلب خبر دادند.

*روز شنبه ۲۹ خرداد، کارگران معدن اصلی تونل چهار پادانا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عیدی شان دست از کار کشیده و در محوطه معدن تجمع کردند. به گزارش صدای زرن، کیان شهر شامل روستاهای طغر الجرد، سلمان شهر، حسین آباد، علی آباد، در ۶۰ کیلومتری شمال شهر زرن قرار دارد. این منطقه با داشتن معادن غنی از جمله ذغال سنگ در زمره غنی ترین ذخایر زغال نواحی جنوب شرقی ایران قرار داشته و دارای معادن مس، آهن و سرب با ۱۰ درصد نقره است.

*روز شنبه ۲۹ خرداد، در پی بارش شدید گرد و غبار طی روزهای گذشته و استمرار آن طی سالهای اخیر شماری از مردم ایلام در برابر استانداری ایلام در اعتراض به فقدان توجه مسئولان امر به رفع این معضل تجمع کردند. به گزارش فارس، تجمع کنندگان خواستار رفع اساسی این مشکل و چاره جویی مسئولان ارشد دولت از جمله سازمان حفاظت محیط زیست و سایر دستگاههای متولی شدند.

*در پی تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری شهرداری منطقه ۴ اهواز در روز دوشنبه ۲۴ خرداد، ۲۴ تن از کارگران معترض بازداشت شدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض که تعداد آنها حدود ۷۰ تن است، از ابتدای سال جاری دستمزد دریافت نکرده و همین مساله باعث برپایی تجمع اعتراضی شده است. روز چهارشنبه ۲۶ خرداد، شماری از کارگران شهرداری اهواز با تجمع مقابل شهرداری منطقه ۴ اهواز خواهان آزادی همکاران بازداشت شده خود شدند. روز یکشنبه ۳۰ خرداد، تمامی کارگران بازداشت شده آزاد شدند. یکی از این کارگران با اعلام این خبر گفت: تمامی این افراد در حال حاضر مشغول انجام فعالیت روزانه خود هستند و دستمزد فرودین ماه این کارگران پرداخت شد.

*صبح روز سه شنبه ۲۵ خرداد، جمعی از کارگران شرکت زراعی دشت ناز در اعتراض به نداشتن قرارداد کار، شرایط کار و عدم پرداخت حقوق دست به اعتصاب زدند. به گزارش فارس، با اعتصاب کارگران شرکت زراعی دشت ناز کارهای این شرکت عملاً متوقف شد. روز یکشنبه ۳۰ خرداد، برای ششمین روز متوالی اعتصاب کارگران قرارداد موقت شرکت زراعی دشت ناز ساری وابسته به بنیاد مستضعفان ادامه پیدا کرد. شرکت زراعی دشت ناز با بیش از ۶۰ سال قدمت و ۳ هزار و ۴۰۰ هکتار اراضی مرغوب از شرکتهای پیشرو در کشور و خاورمیانه است که توسط یکی از نهادهای کشوری اداره می شود.

*روز یکشنبه ۳۰ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه کاشی و سرامیک حافظ، در اعتراض به اظهارات علی همتی، مدیر کل سازمان صنعت، معدن و تجارت استان فارس در مقابل این سازمان تجمع کردند. به گزارش شیرازه، علی همتی در نشست خبری اعلام کرده بود: وقفه ایجاد شده در فرایند تولید کارخانه کاشی و سرامیک حافظ به خاطر دوره زمانی تنفسی است که مدیران این کارخانه برای نوسازی خط تولید خود با هدف ارائه فناوری جدید تولید کاشی در شرایط رکود بازار مسکن مطالبه کردند. یکی از کارگران معترض گفت: صحبت‌های آقای همتی درست نیست؛ کدام کارخانه شش ماه اول سال را تنفس اعلام می کند در حالی که اوج تولید در شش ماه نخست و شش ماه دوم زمان بازاریابی و فروش محصولات است.

*صبح روز یکشنبه ۳۰ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه لوازم خانگی آدنیس در مشهد، در اعتراض به تعویق حقوق و سایر مطالبات شان مقابل درب ورودی این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض با اشاره به اشتغال حدود ۳۰۰ کارگر پیش از تعطیلی این واحد تولیدی گفت: تجمع کنندگان کارگرانی هستند که بعد از اعلام تعطیلی کارخانه (اسفند ماه ۹۳) بیکار شده و هنوز نتوانسته اند مطالبات معوقه مزدی خود را دریافت کنند.

*روز یکشنبه ۳۰ خرداد، تعدادی از کارگران بازنشسته «نئوپان گنبد» مقابل درب کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش قابوس نامه، این کارگران بازنشسته گفتند کارفرما پرداخت آخرین قسط از مطالبات را (آن هم بعد از یک سال) منوط به حضور کارگران در دفتر خانه و امضاء تعهد نامه محضری مبنی بر عدم پیگیری قانونی نسبت به حق و حقوق دانسته است که این خود نشان دهنده آن است که کارفرما می داند که حق و حقوق کارگران را کامل پرداخت نکرده است و نگران پیگیری قانونی کارگران است.



جان جعفر عظیم زاده در خطر است

روز دوشنبه ۱۰ خرداد، جمعی از اعضای خانواده جعفر عظیم زاده، فعالان کارگری و معلمان در اعتراض به تداوم مقابله قوه قضائیه با خواست جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی از ساعت ۱۰ صبح در مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به



گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تجمع اعتراضی بعد از ۳۲ روز اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده صورت گرفت. به گزارش همین منبع، جمعیتی حدود صد تن از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، تعدادی از کارگران شهر سنندج به همراه خانواده های شان در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان قضائی به خواست جعفر عظیم زاده و همچنین به شلاق بستن کارگران معدن طلای آق دره، در پارک کودک شهر سنندج اقدام به تجمع و سر دادن شعار کردند.

روز سه شنبه ۱۱ خرداد، خانواده جعفر عظیم زاده به همراه جمعی از کارگران و معلمان برای دومین روز متوالی مقابل مجلس و در برابر دفتر ریاست جمهوری اقدام به تجمع کردند.

روز شنبه ۲۲ خرداد، خانواده جعفر عظیم زاده به همراه جمعی از کارگران و معلمان در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان به مطالبات جعفر عظیم زاده که سبب طولانی شدن اعتصاب غذای وی شده در مقابل زندان اوین دست به تجمع زدند. این تجمع در حالی صورت گرفت که ۴۴ روز از اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده می گذشت و شرایط وی در مرحله بحرانی قرار داشت.

روز دوشنبه ۳۱ خرداد، ۵۴ روز از اعتراض و اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده کارگر معترض و زندانی و دبیر اتحادیه آزاد کارگران ایران گذشت.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

"تنها کسانی که شهامت داشته اند باور کنند درون شان چیزی برتر از وضعیت حاضر وجود دارد، دستاوردهای بزرگ و با شکوه داشته اند." (بروس بارتون (۱۸۸۶-۱۹۶۷) نویسنده، سیاستمدار و نماینده مجلس آمریکایی)
 "پیروزی همیشه خود را به دامان کسی می اندازد که همیشه آرزوی به دست آوردنش را داشته." (شارل دوگل (۱۸۹۰-۱۹۷۰)، او در جریان جنگ جهانی دوم، فرمانده نیروهای فرانسه آزاد بود و پس از جنگ به مقام ریاست جمهوری فرانسه رسید)

سینما

انتقاد برنده جایزه نخل طلای کن از نو - لیبرالیسم

"کن لوچ"، سینماگری که یکی از مهمترین نمایندگان رئالیسم اجتماعی در سینمای بریتانیا و نیز سینمای جهان محسوب می شود، برای دومین بار جایزه نخل طلای کن را به دست آورد. فیلم "اینجاناب دانیل بلیک"، مثل بیشتر آثار کن لوچ، در مورد دشواریهای زندگی طبقه کارگر است و داستان تراژیک کارگری به نام "دانیل بلیک" را روایت می کند که کارش را از دست داده و برای بقا مبارزه می کند.
 کن لوچ بعد از دریافت جایزه اش از دست "مل گیبسون"، در سخنان کوتاه اما تند و انتقادی اش، در مورد وضعیت اقتصادی جهان امروز گفت: "جهانی که در آن زندگی می کنیم جهانی خطرناک و حریص است. نو - لیبرالیسم برای ما فاجعه جدیدی آفریده. امروز میلیونها انسان از یونان گرفته تا پرتغال و اسپانیا از بیکاری و فقر رنج می برند."
 به گفته کن لوچ: "سینما، سنتهای زیادی دارد و سینمای شایسته، سینمایی است که گرایش مردم علیه قدرت و سرمایه را نمایندگی می کند و همین سنت است که ما را زنده نگاه می دارد."
 کن لوچ افزود: "در زمانی که خطر ناامیدی و یاس جهان را فرا می گیرد، ما باید با فیلمهایمان پیام امید بدهیم و خلق جهانی دیگر یک ضرورت است."

مل گیبسون قسمت دوم فیلم "مصائب مسیح" را می سازد

"مل گیبسون"، بازیگر، تهیه کننده و کارگردان سینما، قصد دارد بر اساس فیلمنامه "رنдал والاس"، قسمت بعدی فیلم جنجال برانگیز "مصائب مسیح" را بسازد. رندال والاس، فیلمنامه "شجاع دل" به کارگردانی مل گیبسون را نیز نوشته است.

آقای والاس می گوید "این قصه سر درازی دارد." این فیلمنامه نویس در فیلم قبلی ماجرای دلخراش و جزییات سخت از ۱۲ ساعت آخر زندگی مسیح را روایت کرد.

مصائب مسیح که دوازده سال پیش اکران شد، با فروش معادل ۶۱۲ میلیون دلار در سراسر جهان، به پرفروش ترین فیلم مستقل در تاریخ سینما تبدیل شد. اما مل گیبسون از سوی مجامع و محافل یهودی مورد انتقاد قرار گرفت که معتقد بودند فیلم دارای مضمون یهودی ستیزی است.

موفقیت سوال برانگیز "فیلم فروشده"

فیلم "فروشنده"، تازه ترین ساخته اصغر فرهادی، محصول مشترک ایران و فرانسه است که در جشنواره کن به نمایش عمومی درآمد. این فیلم که اصغر فرهادی به گفته خود آن را در "فاصله تاخیر پروژه اسپانیا" ساخته، جایزه بهترین فیلمنامه (اصغر فرهادی) و جایزه بهترین بازیگر مرد (شهاب حسینی) را به دست آورد.



"فروشنده" به رابطه زن و شوهری به نام رعنا و عماد، با بازی شهاب حسینی و ترانه علیدوستی می پردازد که در حال بازی در نمایش "مرگ فروشنده" "آرتور میلر" هستند.

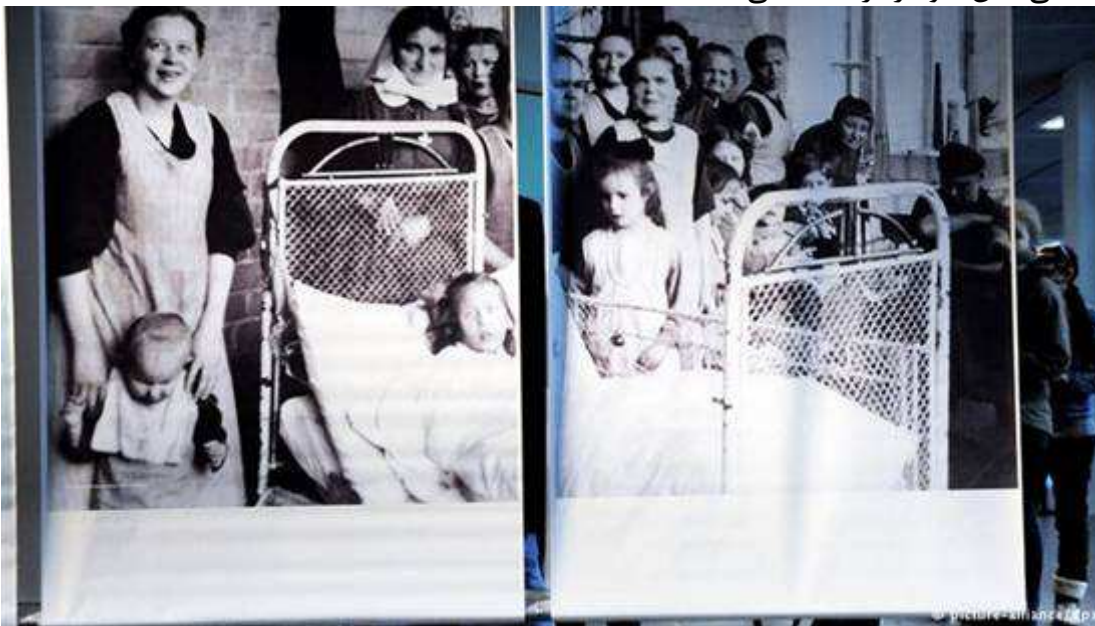
فیلمبرداری فیلم به مدیریت حسین جعفریان (که قبلاً "درباره‌الی" و "چهارشنبه سوری" را با فرهادی کار کرده بود) در طی ۷۳ جلسه در تهران انجام شد و فیلم سرانجام در

آخرین دقایق به بخش مسابقه کن پیوست؛ امری که بی سابقه است، زیرا فیلمهایی که وارد جشنواره کن می شوند باید از زمانهای دور تر مورد تایید داوران قرار گیرند.

فیلم "فروشنده" با واکنشهای مثبت و منفی منتقدان فیلم در کن مواجه شد و بسیاری از منتقدان فرانسوی، به انتقاد از فیلم پرداختند. واکنش منتقدان انگلیسی نیز به فیلم فرهادی، چندان خوب نبوده و آنها هر کدام ۳ ستاره یا کمتر به آن داده اند.

اعطای جایزه صلح به فیلم آلمانی "مه در اوت"

جایزه بین المللی صلح آلمان در بخش فیلمهای داخلی به فیلم "مه در اوت"، به کارگردانی "کای وسل"، تعلق می گیرد که یک درام تاریخی از دوران جنگ دوم جهانی است. قهرمان این فیلم، پسر بچه ای سرکش است که در فاشیسم هیتلری در حین اجرای طرح اتانازی و پاکسازیهای سیستماتیک نژادی، در ۱۴ سالگی جان خود را از دست می‌دهد.



هیات داوران گفته‌اند که این درام، بیننده را عمیقاً تحت تاثیر قرار می‌دهد، حس امید برمی‌انگیزد و خاطره ای شایسته‌منزلت و کرامت انسانی از خود به جا می‌گذارد. فیلم "مه در اوت"، پاییز امسال به روی پرده سینما خواهد آمد.

جایزه بین المللی صلح در بخش فیلمهای

خارجی به "توبیاس لینهلیم" دانمارکی برای فیلم "یک جنگ" تعلق خواهد گرفت. داستان فیلم به ماموریتی نظامی در افغانستان باز می‌گردد و سرگذشت سربازی را روایت می کند که به خاطر مشارکت در عملیاتی که به کشته شدن زنان و کودکان می‌انجامد، به جنایات جنگی متهم می شود.

جایزه های دیگری نیز به فیلم پرهزینه "موستانگ" از ترکیه و فیلم "فوکوماره" (آتش در دریا) از ایتالیا تعلق گرفت؛ فیلمی که در باره شرایط زندگی پناهجویان در جزیره "لامپدوزا" است.

تبلیغ فیلم از شبکه ماهواره ای ممنوع، کلیپ و نماهنگ هم ممنوع

عباس جعفری دولت آبادی، دادستان عمومی و انقلاب تهران از تحت تعقیب قرار گرفتن چند تهیه کننده فیلم به خاطر "پخش تیزرهای تبلیغاتی فیلمهای خود در شبکه های ماهواره ای" خبر داد و آنها را "تهیه کننده ضد انقلاب خارج از کشور" توصیف کرد.

وی گفت: "ظرف یک سال اخیر حجم تبلیغات افراد، شرکتهای، بازیگران و ... در شبکه های خارج از کشور و معاند نظام افزایش یافته است."

دولت آبادی همچنین از نشر کلیپها و نماهنگهای "مبتدل" تهیه شده در استودیوهای زیر زمینی در "شبکه های ماهواره ای ضدانقلاب" شکایت کرد و از دستگیری هشت نفر از تهیه کنندگان چنین کلیپهایی "طی هفته اخیر" خبر داد.

اساسنامه "شبکه ماهواره ای ولایت" به تصویب حسن روحانی رسید

"شورای عالی انقلاب فرهنگی" رژیم جمهوری اسلامی اساسنامه "شبکه ماهواره ای ولایت"، زیر نظر آیت الله ناصر مکارم شیرازی را تصویب و حسن روحانی، رئیس جمهور نیز آن را تایید کرد.

شبکه ولایت از سال ۱۳۸۹ زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی تاسیس شده و اداره می شود. دفتر این شبکه در قم است و مدعی است که برنامه هایش تقریباً در تمام مناطق جهان، به جز جنوب آفریقا و استرالیا، قابل دسترسی است و شمار مخاطبانش در مجموع به ۴۰ میلیون نفر می رسد. بنا به تفسیری که شورای نگهبان در سال ۱۳۷۹ از اصل ۴۴ قانون اساسی رژیم داده، "تاسیس و راه اندازی شبکه های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو مغایر این اصل" است.

موسیقی

ادامه سریال لغو کنسرتها

برنامه مجید درخشانی، نوازنده و آهنگ ساز، که قرار بود در دانشگاه شیراز برگزار شود، لغو شد. این برنامه که قرار بود با حضور مدیرکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس در محل تالار خوارزمی این دانشگاه برگزار شود، به علت آنچه که "برخی کارشناسان" عنوان گردید، لغو شد.

همچنین کنسرت مازیار فلاحی در شهرستان یزد نیز ساعاتی پیش از آغاز اجرا لغو شد. این خواننده ی پاپ قرار بود ۵ و ۶ خرداد ماه در چهار سانس، در سالن هلال احمر شهرستان یزد روی صحنه برود که اجرایش به دلایل نامشخصی لغو شده است.

شهرام ناظری قربانی بعدی لغو کنسرتها است. مجوز کنسرت او در نیشابور که برای روزهای ۱۰ و ۱۱ خرداد صادر شده بود با تهدید دادستان نیشابور به برخورد با شخص شهرام ناظری در صورت برگزاری کنسرت، لغو شد.

ترور خواننده ۲۲ ساله آمریکایی

"ریستینا گریمی"، خواننده ۲۲ ساله آمریکایی، که با اجرای برنامه در مسابقه استعداد یابی تلویزیونی (Voice) معروف شده بود، پس از پایان کنسرتش در فلوریدا در حالی که سرگرم امضا دادن به طرفدارانش بود، هدف گلوله قرار گرفت و در بیمارستان جان سپرد. او در سال ۲۰۱۴ در این مسابقه سوم شد.

پلیس گفت ضارب که مورد حمله برادر این خواننده قرار گرفت، بعداً خود را کشت.

هوشنگ کامکار: بدون زنان عضو گروه کنسرت نمی دهیم

هوشنگ کامکار در واکنش به ممنوعیت حضور زنان به عنوان نوازنده و همخوان در کنسرتها گفت: "می دانید مشکل ما برای برگزاری کنسرت در شهرهای مختلف ایران چیست؟ مشکل مان این است که اگر نهادهای شهر اصفهان یک میلیارد دلار بخواهد به کامکارها بدهد و بگوید بیاید کنسرت بدهید، اما بدون صبا و قشنگ و هانا، ما کنسرتی برگزار نمی کنیم." وی تاکید کرد: "ما نوازنده خانم داریم، همخوان خانم داریم و هیچوقت زیر بار این نمی رویم که این عزیزان را از روی صحنه پایین بکشیم و بگوییم که حالا شما روی صحنه نروید بگذارید کنسرت را برگزار کنیم تا پولمان از بین نرود. هر جایی که امکان داشت با همین افرادی که هستیم کنسرت می دهیم، اگر چنانچه نگذاشتند، کنسرت نمی دهیم دیگر به آن خانم گروه نمی گوئیم شما از روی صحنه پایین بیا. این بزرگ ترین توهینی است که یک خواننده به آن گروه می کند." وی افزود: "نمی خواهم نام ببرم. ادعا هم می کنند که هنردوست و هنرمند هستند. خب کنسرت نده! نهایتش بیست میلیون تومان ضرر است دیگر. کفر که نمی شود."

کتاب

جایزه بوکر به کتابی درباره شورش یک زن بر ضد نرملهای خانواده

امسال جایزه "من بوکر" به نویسنده کره ای، "هان کانگ" به خاطر رمان "گیاه خوار" اهدا شد. ارزش این جایزه ۵۰ هزار پوند است که نیمی از آن به نویسنده و نیمی دیگر به مترجم این اثر رسید. هان کانگ که برای نخستین بار نامزد جایزه "من بوکر" شده بود، با "اورهان پاموک"، نویسنده ترکیه ای و برنده نوبل ادبی، "النا فرانته"، نویسنده ایتالیایی، "یان لیانکه"، نویسنده چینی، "رابرت سیتالر"، نویسنده اتریشی و همچنین "خوزه ادواردو آگوالوسا"، نویسنده آنگولایی رقابت می کرد. اورهان پاموک با رمان "بیگانه ای در من" که به فارسی با عنوان "شوری در سر" منتشر شده، شرکت داشت. هان کانگ در رمان "گیاهخوار" داستان یک زن کره ای را روایت می کند که می خواهد تغییری در زندگی یکنواخت روزانه اش ایجاد کند، اما با عرف و خانواده و اخلاق مسلط درگیر می شود. هیات داوران "من بوکر" از این اثر به عنوان یک رمان "تکانهنده" که به "ژرفای بیگانگی شخصیت اثر" راه می برد، یاد کرد.

میراث فرهنگی

اعتراض افغانستان به جمهوری اسلامی و ترکیه در ثبت مثنوی مولانا

صلاح الدین ربانی، وزیر امور خارجه افغانستان، در دیدار با "مولود چاوش اوغلو"، وزیر امور خارجه ترکیه، به تلاش ترکیه و جمهوری اسلامی برای ثبت "مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی" به عنوان میراث فرهنگی هر دو کشور در یونسکو، اعتراض کرد.

افزون بر آن، فعالان مدنی و سیاسی افغانستانی نیز در یک نشست خبری در کابل نسبت به این تصمیم دولتهای ترکیه و ایران اعتراض کردند. معترضان گفتند که مولانا "جهان وطن و سرمایه ملی همه فرهنگیان است" و افزودند که افغانستان در کنار جنگ اطلاعاتی، با سرقت فرهنگی نیز روبرو است و مشخص است که مولانا زاده بلخ است و از بلخ به قونیه رفته است.



نشست کارشناسی در برلین برای بازسازی آثار باستانی سوریه

۱۷۰ کارشناس از ۲۵ کشور جهان در برلین گرد آمدند تا برای بازسازی آثار باستانی سوریه، به ویژه "پالمیرا" رایزنی کنند. کارشناسان سوری در این مراسم حضور چشمگیری داشتند. این گردهمایی به دعوت "ایرینا بووکوا"، مدیرکل یونسکو، و پروفسور "ماریا بوهمر"، نماینده ویژه وزارت خارجه آلمان، در سازمان فرهنگی یونسکو در محل وزارت خارجه آلمان در برلین برگزار شد. هدف این نشست بررسی راههای فوری و درازمدت برای حفظ و مرمت آثار باستانی شهر پالمیرا و سایر نقاط سوریه بود که به دست داعش تخریب شده اند.



یکی از پرسشهای مهم در این گردهمایی این بود که چنین نشستهایی تا چه اندازه می توانند از اوضاع سیاسی و اجتماعی سوریه که در بازسازی نقشی تعیین کننده دارند، جدا عمل کنند و بگویند "ما نمی خواهیم وارد مسایل سیاسی شویم". "هرمن پارتسینگر"، رییس سازمان میراث فرهنگی آلمان، ضمن تایید این سخنان افزود: "این بسیار مهم است که دوستان روسی ما نیز در این زمینه همکاری کنند و نماینده روسیه نیز در این نشست شرکت خواهد کرد. ولی نقش رهبری و هماهنگ کننده را یونسکو خواهد داشت."

شعر

دنیای بی مرز

رضا کولت



بعد از مرگم
جسدم را بسوزانید
و به دریا بریزید
تا دریا مرا به فراسوی مرزها ببرد
مبادا خاکم کنید
خاکی که پشت سیم خاردارها حبس شده
است
و کودکی جنگ زده به آن چشم دوخته.
تنم را به دریا بریزید
نمی خواهم خاکم کنید
تا مبادا مادری در راه دفاع از من
فرزندش را به گلوله بسپارد
نمی خواهم مرا خاک کنید
مبادا من بهانه ای برای جنگ باشم
تنها مرا به دریا بسپارید
و هر غروب
سر دهید سرود دنیای بی مرز را

در سوگ "سیاوش"

امید برهانی

... اما آنکه حقیقت را می داند و آن را انکار می کند جنایتکار است. (برتولد برشت)

محمد رضا شجریان، خواننده سنتی ایران، در تازه ترین گفته هایش با سایت حکومتی "تابناک"، مواضع سالهای اخیرش را در حوزه های سیاسی و مذهبی تغییر داد و بر بسیاری از خوش بینیهایی که از سوی عموم مخالفان حکومت نسبت به وی ایجاد شده بود، خط بطلان کشید. رویکرد و لحن آشتی جویانه شجریان در این مقطع از حیات وی، می تواند بسترساز آشتی و هم آغوشی وی با نظام باشد. شجریان پس از بهبودی نسبی از بیماری خود، در گفتگویی متفاوت از مصاحبه هایی که تاکنون با رسانه ها داشته، درباره موسیقی سخن گفته است. موضوع توجه برانگیز در مصاحبه مزبور، اظهار نظرهای سیاسی و مذهبی وی و تضاد آن با گفتار و رفتار پیش از این او است.

شجریان در مقاطع مختلف و به مخصوص در این گفتگو ثابت کرده که علاوه بر استادی آواز و خوش نویسی، در موج سواری هم تبحر دارد. او تاکنون سه موج سواری پسا شاهی در مقطع ۵۷، اعتراضی در سال ۸۸ و اعتدالی در خرداد ۹۵ را در کارنامه خود به ثبت رسانده است. به نظر می رسد وی بقای هنری و اجتماعی خود را مدیون همین موج سواری ست.

دوره پسا شاهی

پیش از انقلاب ۵۷ و همسو با افزایش درآمدهای نفتی رژیم شاه و بالا رفتن نسبی سطح رفاه طبقه متوسط، توجه به مظاهر فرهنگی مانند تئاتر، هنرهای تجسمی و موسیقی بالا گرفت و هنرمندان زیادی پا به عرصه گذاشتند. بسیاری از آنها در استخدام یا دستکم مورد حمایت وزارت فرهنگ و هنر وقت بودند. محمد رضا شجریان در چنین شرایطی رشد کرد. مانند بسیاری از هنرمندان و خوانندگان که به نام کوچک یا مستعار خوانده می شدند، نام شاهنامه ای "سیاوش" را برگزید، در جشن هنر شیراز خواند، در مجموعه برنامه های موسیقی "گلها" و با هنرمندانی چون ابتهاج (سایه) و محمد رضا لطفی بسیار کار کرد. نزدیکی به این دو هنرمند، گمانه گرایش وی به حزب توده را گسترش داد، گرچه خودش به سرعت آن را تکذیب کرد.

با اوجگیری قیام ۵۷، بساط موسیقی سنتی و پاپ برچیده شد و هنرمندان بسیاری آواره شدند و یا مانند عبدالوهاب شهیدی، نادر گلچین، مرضیه، محمد نوری، مازیار، پریسا، فرهاد، کورش یغمایی و فریدون فروغی به اجبار خانه نشین شدند. در عوض، مجموعه آلبومهای دهگانه چاووش با محتوای سرودهای انقلابی و حماسی با همکاری شجریان، لطفی، پرویز مشکاتیان، حسین علیزاده و شهرام ناظری اجرا و پخش شد و تا مدتها مورد استقبال مردم قرار گرفت. سرودهای "شب - نورد"، "سرای امید" و "به یاد عارف" درخشان ترین کارهای وی در این مجموعه بودند و وی را در صدر هنرمندان دوره پسا شاهی قرار دادند. این اتفاق در کنار حذف هوشیارانه نام "طاغوتی" "سیاوش" باعث نجات و بقای شجریان در رژیم سیاسی و ایدئولوژیک تازه شد. اما این که وی به واقع گرایش ضد سلطنتی و انقلابی داشت یا نه، در برهه های بعدی و با رویکردهای دیگر این هنرمند زیر تیغ تردید رفت.

از آنجا که ارتجاع با هنر اصیل، مدرن یا انقلابی آن عقد اخوت نمی بندد، بلافاصله پس از سلطه خمینیسم و حرام شمرده شدن تئاتر، هنرهای تجسمی، موسیقی و ساز، پیه این نامحرمی و تضاد به تن چاووش خوانان هم مالیده شد. کنسرت که هیچ، تولید آلبوم موسیقی کاری در حد ناممکن شد و به گفته شجریان، هر سازی دیدند شکستند. تنها در سال ۶۱، در خلاء شدید موسیقی و سیطره طبل و شیپور جنگ و ایدئولوژی، در سایه حمایت نسبی نخست وزیر و وزیر ارشاد وقت (میرحسین و خاتمی) از هنرمندان، آلبوم "بیداد" (با محتوای آه و حسرت از زوال شهر و مهر و شهریار) از سوی شجریان و مشکاتیان منتشر شد، اما عوامل تولید مورد هجوم تندروها و چماق به دستان قرار گرفتند.

با افول دوران طلایی دوگانه خمینی - جنگ و حلول سازندگی - رفاه! (البته برای طبقه حاکم نوکیسه) آلبوم "دستان" شجریان با گزیده ای از اشعار سعدی و محتوایی عاشقانه تر و امیدبخش تر که می خواست دوران زیبا و نوینی وعده دهد،

وارد بازار شد. از این زمان به بعد و همگام با باز شدن راه سرمایه داری انگل دولتی در کشور، راه شجریان از یاران قدیم چاووش جدا شد. او با گروه کوچکی از هنرمندان کمتر شناخته شده به اجرای کنسرت‌های فراوان در داخل و خارج پرداخت و به ثروت رسید. شجریان پیش از این با تاسیس شرکت "دل آواز"، تولید و نشر آثارش را در انحصار خود گرفته بود. حضور دوباره وی در تلویزیون رژیم در نوروز ۷۳ آب سردی بود که بر سر هوادارانش از میان گروه‌های سیاسی مخالف رژیم شلیک شد و بر نزدیکی مشربی و مصلحتی شجریان با حکومت اسلامی مهر تاییدی دوباره زد. در اوایل دهه هشتاد از یاران گروه موسیقی اش کاسته شد و به پسرش همایون، عزیززاده و کلهر محدود شد. گروه بر روی ویرانه های بم به اجرای کنسرت "هم نوا با بم" پرداخت و مسوولیتی در مدیریت کمک‌های مردمی برای بازسازی و تاسیس مرکز فرهنگی و هنری در آنجا برعهده گرفت اما در ادامه راه باز ماند و کناره گرفت.

دوره اعتراضی

در جریان انتخابات ۸۸، شجریان در میان مخالفان حکومت و هواداران جنبش سبز پیدا شد و در برابر خس و خاشاک نامیده شدن مردم موضع گرفت. بلافاصله پس از آغاز اعتراضات به نتیجه انتخابات، پذیرای میرحسین موسوی در کارگاه هنر خود شد و در هنگامه آتش‌گشایی بر روی مردم، ترانه اعتراضی "تفنگت را زمین بگذار" را خطاب به حکومت خواند. از این پس با سفرهای خارجی و مصاحبه با "صدای آمریکا"، "بی بی سی" و تلویزیون استرالیا به انتقاد شدید از سیاست‌های ضد هنر و ضد فرهنگ جمهوری اسلامی پرداخت.

شجریان روز ۱۵ شهریور ۸۸ در گفتگوی مستقیم با شبکه تلویزیونی صدای آمریکا گفت: "واقعا این انتخابات نباید نتیجه اش به این شکل درمی آمد. من فکر نمی کنم اینها بعد از این بتوانند مملکت را اداره کنند، فقط می توانند کنترل کنند و کار دیگری نمی توانند بکنند." خبرنگار همین رسانه در تاریخ ۳۰ مهر (۲۲ اکتبر) با ذکر این مقدمه که "گزارش بازرسی ویژه سازمان ملل آقای "احمد شهید" در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران نشان می دهد که حکومت ایران طی دو سال اخیر با هنرمندان چپ افتاده"، نظر وی را جویا شد.

شجریان پاسخ داد: "به طور کلی این نظام و این حکومت ذاتا می خواهد همه چیز در اختیارش باشد. این نظام می خواهد همه چیز را به طور صد در صد زیر سلطه خود داشته باشد. اگر یک بخشی از حکومت نخواهد که با آنها باشد، همه آن بخش زیر سووال می رود و جلویش را می گیرند. اگر یک نفر پیش را از گلیم خود درازتر کند - از نظر آنها - مشکلات زیادی سر راهش قرار می دهند. اینها هرگز با هنر کنار نمی آیند، هرگز و هرگز! همچنان که در طول ۱۴۰۰ سال با هنر کنار نیامدند. باز هم نخواهند آمد. موسیقی هم مانند خیلی از هنرها نمی تواند در خدمت اینها باشد."

شجریان در بیان گوشه دیگری از انتقادات خود از رژیم در پاسخ به سووال خبرنگار بی بی سی درباره دلایل اجرای اثر "بیداد" که در سال ۱۳۶۱ اجرا شده، می گوید: "بعد از چهار سال از به ثمر رسیدن انقلاب دیدم که قولهایی که داده شد کو؟ چرا دروغ گفتند و ... من هم خواندم یاری اندر کس نمی بینم یاران را چه شد؟" او اما نگفت که چه قولهایی به چه کسانی داده شده بود.

در مصاحبه دیگری با همان شبکه بریتانیایی این بار از این که صدایش بر تصاویر پیاده شدن خمینی از هواپیما در سال ۱۳۵۷ از تلویزیون پخش می شود به شدت انتقاد کرد و اعلام کرد که "من این آهنگ را برای ایشان نخوانده ام."

شجریان در ادامه همین مصاحبه در پاسخ به صادق صبا، رییس بخش فارسی بی بی سی که از او می پرسد اصولا نگران نیستید که حکومت ایران بخواهد با شما برخورد کند یا شما را بازداشت کنند، می گوید: "نه، چه برخوردی بکنند؟ اصلا از زندان و بازداشت هراسی نیست."

و باز در همان مصاحبه اعلام می کند که در جامعه ایران یک خشم فرو خورده علیه جمهوری اسلامی وجود دارد و معتقد است که مردم و حکومت در برابر یکدیگر ایستاده اند.

او روز یکشنبه بیست و سوم خرداد ۱۳۸۹ و به مناسبت سالگرد خیزش علیه تقلب انتخاباتی، با شبکه تلویزیونی "سی ان ان" به گفتگو پرداخت و علیه جمهوری اسلامی مواضع تندتری اتخاذ نمود. او گفت: "در طول ۳۱ سال گذشته حتی یک هفته یا یک روز هم احساس شادی نکرده ام."

دوره اعتدالی

شجریان اما در گفتگوی اخیرش به راه بادیه رفتن را بر نشستن باطل ترجیح داده و تاکید کرده که چهره ای سیاسی نیست و اگر نقدی به شخصی (اشاره تلویحی به احمدی نژاد) داشته، نقد متوجه همان شخص بوده و او با نظام مخالفتی ندارد! جدیدترین گفته های شجریان در حالی منتشر گردیده که به تازگی پخش دوباره دعای "ربنا" با صدای او که از چند سال پیش متوقف شده بود، در ماه رمضان از تلویزیون مطرح شده است. در همین ارتباط نیز شجریان تاکید کرده هیچ گاه مخالفتی با پخش این دعا از تلویزیون نداشته و این تعبیر را دروغ خوانده است. او گفته: "هنرمند اگر در قاب و قالب احزاب و گروهها قرار بگیرد به اندازه همان قاب کوچک می شود. هرگز موسیقی ام را در خط یک حزب خاص قرار نداده ام. من کار اجتماعی انجام می دهم کار سیاسی نمی کنم. کار من اجتماعی است و از درد اجتماع می گویم."

معلوم نیست شجریان از کدام مردم دم می زند؟ کدام درد اجتماع است که ربطی با سیاست ندارد! این دردها را چه کسانی آفریده اند که استاد نامی از آنها نمی برد در حالیکه به زعم خود آواز "بگم بگم" سر می دهد؟ او به همین جا اکتفا نمی کند و مانیفست سیاسی خود را اینگونه اعلام می کند: "در نظام جمهوری اسلامی که همه آن را پذیرفتند، یک آدمی می آید یک کار اشتباهی می کند. ما به او تذکر می دهیم. این تذکر دلیل آن نیست که با نظام جمهوریت مخالفیم!" او به سرعت و به سادگی گفته های پیشین خود و اعتراضات میلیونی ۸۸ و واکنش سرکوبگرانه حکومت را فراموش کرده و تمامی مخالفت با ماهیت و عملکرد ضد مردمی رژیم ولایت فقیه را در "تذکر دادن" به یک "کوتوله سیاسی" خلاصه کرده است. این مرد می خواهد راست بگوید!

تضاد آشکار این سخنان با گفته های پیشین نشان می دهد که شجریان که بر بالای موج مخالفت عمومی با نظام سوار شده بود، حالا بدش نمی آید که کمی هم در کشتی امن همین نظام به سوی ساحل عافیت پارو بزند. چرایی این تضاد ناگهانی گفتار و کردار سیاسی را شاید بتوان در تمایل وی به بازگشت به کشور و بازیابی موقعیت هنری اجتماعی و اقتصادی پیشین جست و جو کرد.

شجریان در ادامه همین مصاحبه گفته است: "من سخت جلوی کسانی که فعال سیاسی بودند یا احزاب سیاسی که می خواستند از موقعیت هنری من سوواستفاده کنند ایستادم... یک بار حزب توده این کار را کرد، یک بار مجاهدین این کار را کردند. هر بار یکی از اینها سراغ ما می آمدند و تقاضاهایی داشتند و من مجبور می شدم کنسرت را تعطیل کنم و اعلامیه دادم به دلیل اخلال در کنسرت، این کنسرت تعطیل است... چندین سال پیش از این نیز کنسرتی در شهر استکهلم با گروه عارف به سرپرستی زنده یاد پرویز مشکاتیان داشتیم، به محض حضور ما در صحنه، گروهی شروع کردند به شعار دادن، تا نشستیم دیدیم از این طرف و آن طرف شعارهایی بر ضد جمهوری اسلامی سردادند. بچه های گروه همه ناراحت شدند. بعد از اندکی متوجه شدم یک عده ای خاص، با برنامه ریزی که از قبل تدارک دیده شد رفته اند بلیت‌ها را خریده اند و اکثریت جمعیت سالن را آنها تشکیل داده اند. وقتی اینها شعار دادند، ما فقط نشستیم و گوش کردیم و اینها شعارهایشان را دادند. دیدند ما هیچ کاری نمی کنیم. یک عده از مردم عادی هم که آمده بودند. هم دست زدند که ما کارمان را شروع کنیم. من هم به پرویز گفتم که تصنیف آخر را اجرا کنیم و بعد برویم. به دلیل همین اخلال در این کنسرت، سه کنسرت دیگر را اصلاً برگزار نکردیم. کلی هم شخص خودم ضرر و زیان برای کنسرتها دادم، مخارج و پول سالن هم افتاد گردن من و همه را پرداخت کردم. هیچ کس نیست که بگوید آفرین شجریان که این کارها را کردی! من نمی خواستم کار سیاسی بکنم."

شجریان باز هم سند برائت ارایه می دهد: "سال ۵۸، آقایان لطفی و ابتهاج برنامه ریز کنسرتها بودند. گفتند که در دانشگاه ملی دو شب کنسرت داریم... روز قبل از این کنسرت، حوالی بعد از ظهر در سالن رودکی اجرای برنامه داشتم. من وقتی از سالن بیرون آمدم... یکی از خانمهایی که از دوستان خانوادگی من بود، پیش من آمد و گفت کنسرتی که فردا قرار است در دانشگاه ملی برگزار شود، به گمانم حزب توده آن را گذاشته است... بسیار ناراحت بودم که چرا اینها این مساله را پنهان کرده بودند. آقای محمود تفضلی با آقای ابتهاج آمدند... خلاصه بیش از یک ساعت و نیم کلی حرف زدند. وقتی از راه عاطفی وارد شدند، من به ابتهاج گفتم من به خاطر مردمی که بلیت خریده اند می آیم، اما شما موظفید به آنها بگویید اگر یک پلاکارد و شعار حزب توده آنجا باشد، من به هیچ وجه کنسرت نمی دهم. بایستی عنوان دانشجویی داشته باشد. ای کاش همان کنسرت را هم نمی رفتم، چون بعدا به من مهر توده ای خورد. خدا شاهد است من سه سال برای این برنامه خانه نشین شدم که بگویم من توده ای و عضو هیچ حزبی نیستم. از سال ۵۸ تا ۶۱ خانه نشین بودم. نه جواب تلفن را می دادم نه کسی را می دیدم. اینها را هیچ کس نمی داند، چون من نمی خواستم وارد حزب و سیاست شوم. من می خواهم هنرمند باشم و برای مردم کار کنم و به مردم راست بگویم."

اگر کسی به واقع سیاسی نیست، چرا در مورد نظام نظریه پردازی می کند و با حاشیه سازی و بوق و کرنا سیاسی نبودن خود را فریاد می زند؟ این همه هنرمند اصیل و راستین که مطرود و خانه نشین شدند مگر سیاسی بودند؟ از هنرمندان مبارز و سازش ناپذیری چون عماد رام، ایرج جنتی عطایی، داریوش، اسماعیل خویی، شاملو، منوچهر سخایی و... که بگذریم، هنرمندان با ارزشی چون محمد نوری، همایون خرم، حسن گل نراقی به هیچ عنوان سیاسی نبودند، اما بی صدا و بی چالپوسی در شرایط دشوار این نظام هنرکش به حیات خود ادامه دادند، در اوج ماندند و مردند و همیشه در دل مردم ماندند.

شجریان در ادامه نظریه پردازی اش سیاست به نعل و به میخ زدن را در پیش می گیرد و می گوید: "همیشه موسیقی ما مورد حمله یا ایراد یک طبقه از افراد مذهبی قرار گرفته. البته بخشی از موسیقی منحرف می تواند اینطور باشد، اما ذات موسیقی منحرف نیست. من خودم اساسا با موسیقی منحرف مخالفم. موسیقی یک علم و یک هنر است؛ لهو و لعب و هوا و هوس نیست. روضه ای که خوانده می شود خودش موسیقی است. در مراسم مذهبی قدیم بسیاری از بزرگان اهل منبر دارای صدای خوشی بودند و خوب و درست هم می خواندند و این خودش منبر را جلوه ای دیگر می بخشید و خلیها را جذب می کرد. مگر تعزیه یا روضه خوانی نبوده؟ مگر در قرائت قرآن موسیقی وجود ندارد؟ بعضی مخالفین یک اقلیت قشری هستند که نمی دانند با چه چیزی مخالفند و همینها کار ما را مشکل می کند. به این مساله باید توجه کنند که موسیقی در ذات که نمی تواند حرام باشد. کجای اسلام گفته موسیقی حرام است؟ پس ما کاری برخلاف دین و قرآن انجام نمی دهیم. کار ما یک کار معنوی است و حالتی روحانی در جامعه دارد که ما آن را دنبال می کنیم. شما از هر چیزی می توانید در راه بد هم استفاده کنید. اساسا دو مشرب است که یکی با شعر، ادبیات، فلسفه، موسیقی و عرفان مخالف است؛ و گرنه ما در بین روحانیون و فقها هم داشتیم که هم موسیقی می دانستند و هم اهل شعر و ادبیات بودند. همیشه یک سری آدمهای قشری و متعصبینی بوده اند که حتی فلسفه را هم بر نمی تابیدند. اینها به مسایل وارد نیستند و به جامعه لطمه می زنند. مخالفین ما بخشی از افرادی هستند که در تمام این دوره ها با موسیقی مخالفت کرده اند. ما نمی گوییم که با شما کنار نمی آییم، آنها با ما کنار نیامدند. ما روحانیت و دین و همه چیز را قبول داریم."

ببینید! کسی که می گفت اینها ۱۴۰۰ سال با موسیقی کنار نیامدند و نخواهند آمد، حالا روضه بالای منبر را هم جزو الحان خوش موسیقی می آورد. او داعیه دارد که می خواهد به مردم راست بگوید!

هنرمندی که عوام فریب باشد و جامعه را به جای تعالی و تکامل به ارتجاع و قهقرا سوق دهد، دربان دوزخ است. سیاوش شاهنامه، این نماد پاکی و راستی، برای اثبات حقانیت از گذرگاهی از آتش گذشت و سالم سرافراز بیرون آمد. سیاوش داستان ما اما برای ایجاد حقانیت، در بزنگاههای تاریخی در معابر بادها آویخت و شاید سالم، اما سرافراز بیرون نیامد. بر خود باید گریست و براین سیاوش دروغین - تا دیر نشده - باید به سوگ نشست!

«تله فقر» و دروغهای ربیعی پیرامون چهره دردناک فقر

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر چهارشنبه ۱۹ خرداد

داده های آماری همراه با واقعیت‌های زندگی مردم، کنشهای محرومان جامعه در برابر فاجعه دردناک فقر (اعتیاد، افزایش خودکشی، کار کودکان و...) بر بی اعتباری سخن پراکنیهای ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در یکصد و پنجمین کنفرانس سازمان بین المللی کار مهر تایید می زند.



روز سه شنبه ۱۸ خرداد، وزیر دولت کلیددار در این کنفرانس، با شعر و شعار و حرفهای کلی در مورد فقر در جهان و تعریف از خود و دولتش، به شیوه احمدی نژادی متوسل شد تا وضعیت فلاکت بار مردم ایران را برای دولت‌های خارجی لاپوشانی کند.

حرفهای ربیعی در مواردی که به مستحکم تر کردن «تله فقر» کمک می کند

دقیقا همانهایی هستند که در جمهوری ولایی خامنه ای به نام اقتصاد مقاومتی در حال اجرا است. مواردی مانند «نظامیگری با تشدید بی ثباتی سیاسی ملی و منطقه ای» که وی در روضه خوانی خود به عنوان عوامل تله فقر در منطقه نام برد، همان مسیری است که رژیم ایران طی می کند.

نکته مهیج حرفهای ربیعی در مورد فعالیتهای مثبت اقتصادی دولت روحانی، «اشتغال فراگیر فقر زدا» است. تمجید او از عدالت در قانون اساسی رژیم را می توان با شلاق زدن کارگران محک زد.

ربیعی با سرهم کردن چند دروغ بزرگ گفت: «در سال جاری بیش از ۴۰ میلیون ایرانی در روستاها و کارگران بخش غیر رسمی در شهر از خدمات درمانی کاملا رایگان بهره مند شدند و ۱۱ میلیون نفر برای امنیت غذایی مورد حمایت قرار گرفتند و بیمه اجتماعی ارزان قیمت با مساعدت دولت برای روستائیان و کم درآمد‌ها مهیا گردید.»

وی مدعی شد که «در هیچ دوره ای تا این اندازه روابط کارگر و کارفرما به هم نزدیک نبوده است». عجب دروغی! ملیونها بیکار، حداقل دستمزد یک سوم خط فقر، شلاق زدن کارگران به دلیل اعتراض به بیکاری و... از نمونه های نزدیکی کارگر و کارفرما است! در مورد بهداشت و درمان رایگان هم حرفهای وی مرغ پخته را هم به حنده وا می دارد چه برسد به مردم محروم روستاهای ایران.

در رویدادی دیگر وزیر صنعت دولت روحانی روز دوشنبه ۱۷ خرداد در رابطه با «فاجعه» در بخش صنعت و رشد بیکاری با توجه به پایین بودن رشد اقتصادی گفت: «با این رشد، بیکاری و تورم در مدت کوتاهی دو برابر خواهد شد.»

شهدای فدایی در تیر ماه

رفقا: کاظم سلاحي - احمد خرم آبادی - محمد کاظم غبرایی - بهمن راست خدیو - محمد علی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ (شهرزاد) مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمید رضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - نزهت السادات روحی آهنگران - محمود عظیمی بلوریان - یدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریمسا - حبیب برادران خسروشاهی - محمد رضا (امیر) قصاب آزاد - محمد علی خسروی اردبیلی - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی



- حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمد رضا یثربی - فاطمه حسینی - محمد حسین حقنواز - طاهره خرم - عسگر حسینی ابرده - محمد مهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری - مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آرین - بهزاد امیری دوان - افسر السادات حسینی - نادره احمد هاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کبیر - حمید ژبان کرمانی - کامران رضوانی - غلامرضا جلالی - خسرو مانی (مائی) - توفیق قریشی - آسمر آذری یام - بهمن راست خدیو - شفیع رضوانی - نادر ایازی - کریم فتحی - غلام حسین خاکباز - عبدالحسین عنانی شیشوان - سیاوش حمیدی - علی حمیدی مدنی - طوبی مولودی - علی اکبر حیدریان - کمال محمدی - سینا کارگر - روح انگیز دهقانی - نوروز قاسمی - ناصر فضل الهی - حمید فضل الهی - حسین تنگستانی - علی رضا فارسیان - اسماعیل حسینی - فرشته گل عنبریان - هادی کاکاخانی - احمد باختری - ناصر ممی وند و... طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

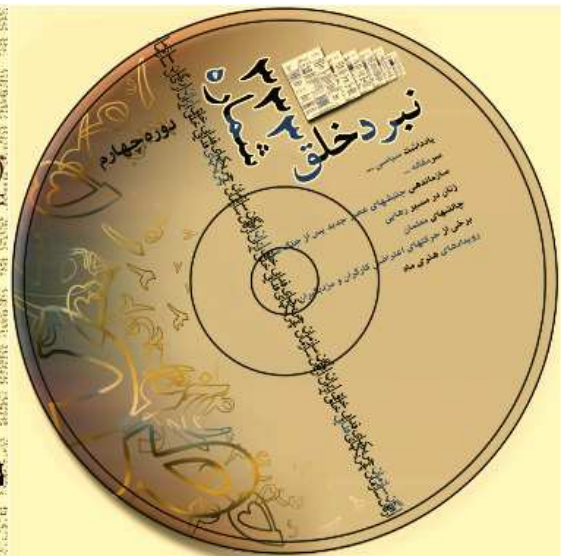
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 372 21 juin 2016

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

NABARD CULTURAL ASSOCIATION : Published by

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org